



:Ctrl+Alt+Delete

پاسخ ایران به اینترنت

## مرکز اسناد حقوق بشر ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران نهادی بیطرف و مستقل پژوهشی است که هدف آن ایجاد یک تاریخچه جامع و عینی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ به بعد می‌باشد. این تاریخچه، شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از اسناد و مدارک است که به صورت آرشیو، جهت مطالعه و تحقیق در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. با تکیه بر این اصل که مسئولیت‌پذیری در قبال تخلفات گذشته لازمه پیشرفت اجتماعی و تحولات دموکراتیک در آینده خواهد بود، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، گفتگو و تبادل نظر آگاهانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تشویق و ترغیب می‌نماید. این مرکز با تعداد زیادی از پژوهشگران و متخصصان در زمینه مستندسازی موارد نقض حقوق بشر و سایر پروژه‌ها همکاری می‌کند.

## اهداف مرکز اسناد حقوق بشر ایران

- بررسی و مستندسازی موارد تخلف حقوق بشر در ایران؛
- ارتقای سطح آگاهی مجامع بین‌المللی از تخلفات حقوق بشر در ایران و تحت فشار قرار دادن دولت ایران برای خاتمه دادن به این تخلفات؛
- ارتقای سطح آگاهی مردم ایران از موارد تخلف حقوق بشر در ایران و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر؛
- ایجاد مجموعه و آرشیوی اینترنتی از اسناد حقوق بشر با این امید که روزی در پیشرفت و حمایت از روند مسئول شناختن متخلفان مورد استفاده قرار گیرد.

آدرس:

### Iran Human Rights Documentation Center

129 Church Street, Suite 304

New Haven, CT 06510, USA

تلفن: ۲۲۱۸-۷۷۲ (۲۰۳)

نمابر: ۱۷۸۲-۷۷۲ (۲۰۳)

پست الکترونیکی: [info@iranhrdc.org](mailto:info@iranhrdc.org)

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

**عکسها:** عکس روی جلد انعکاس ساختمان اصلی مخابرات ایران می‌باشد. عکس سمت چپ سعید مرتضوی دادستان کل تهران است.

سایر عکسهای گزارش از اینترنت یا از افرادی که در عکس هستند به دست آمده‌اند.

# Ctrl+Atl+Delete

پاسخ ایران به اینترنت

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

تیر ۱۳۸۸



## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۲
۱. چالشهای ناشی از ظهور اینترنت در ایران.....	۴
۱,۱ گسترش دسترسی به اینترنت.....	۵
۱,۲ آزادی بیان.....	۶
۱,۲,۱ تاریخچه بیان عقیده در ایران پیش از اینترنت.....	۸
۱,۲,۲ انتقال بیان عقیده به اینترنت.....	۱۴
۲. قوانین ایران در خصوص بیان عقیده در اینترنت.....	۱۷
۲,۱ قوانین مربوط به آزادی بیان.....	۱۸
۲,۱,۱ قانون مطبوعات.....	۱۸
۲,۱,۲ قانون مجازات اسلامی.....	۲۲
۲,۱,۳ قوانین دیگر.....	۲۴
۲,۲ قوانین مخصوص اینترنت.....	۲۵
۲,۲,۲ طرح تشدید مجازات اخلاق در امنیت روانی.....	۲۷
۳. روشهای فنی مورد استفاده برای کنترل و تغییر شبکه جهانی در ایران.....	۲۹
۳,۱ دوران اصلاحات (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶).....	۲۹
۳,۲ دوران پس از اصلاحات.....	۳۲
۳,۳ تحلیل حقوقی روشهای فناوری ایران.....	۳۵
۴. دستگیری، حبس، و شکنجه روزنامه‌نگاران اینترنتی و وبلاگ‌نویسها.....	۳۶
۴,۱ دستگیریها در تهران در دوران اصلاحات.....	۳۷
۴,۲ دستگیریهای خارج از تهران در دوران اصلاحات.....	۵۴
۴,۳ دستگیریهای پس از دوران اصلاحات.....	۵۸
۴,۴ تحلیل حقوقی دستگیریها، بازداشت و شکنجه کاربران اینترنت.....	۶۱
۵. نتیجه‌گیری.....	۶۵
روش‌شناسی.....	۶۶

## پیشگفتار

در روز پنجم مهرماه ۱۳۸۶، رئیس جمهور ایران محمود احمدی نژاد در کلوپ مطبوعات ملی در واشنگتن دی.سی. در پاسخ به پرسشی درباره محدودیتهای آزادی بیان، ادعا نمود که در ایران «آزادی در بالاترین سطح خود در جریان است». وی سپس بر این نکته تأکید کرد که «تمام نظرات را باید شنید».<sup>۱</sup> علیرغم این اظهارات و با وجود تعهدات جمهوری اسلامی نسبت به قوانین بین‌المللی و قانون اساسی، رژیم جمهوری اسلامی ایران پیوسته به نقض حقوق بنیادین بشر برای آزادی بیان در میان ساکنان خود پرداخته است. در حقیقت، نام بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران در خاورمیانه را بر ایران نهاده‌اند و رتبه این کشور در فهرست شاخص جهانی آزادی مطبوعات که توسط سازمان گزارشگران بدون مرز منتشر می‌شود، اغلب در پایین‌ترین رده‌ها قرار دارد.<sup>۲</sup>

بیش از یک قرن است که مردم ایران برای کسب آزادی بیان مبارزه می‌کنند. دوره‌های سرکوب شدید ابراز مخالفت همواره به دنبال دوره‌های آزادی نسبی همراه بوده‌اند. بعد از انتخاب محمد خاتمی به مقام ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶، ایران دوره‌ای نسبی از آزاد بیان را تجربه نمود. با این حال در عرض چند سال، عناصر محافظه‌کار و متحد با رهبر ایران به قلع و قمع شدید رسانه‌های گروهی مرسوم یعنی روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون پرداختند. بسیاری از مسئولان رسانه‌ها برای حفظ موقعیت خویش، به خود سانسوری متوسل شدند. روزنامه‌نگاران و اشخاصی که به بیان عقاید خود می‌پرداختند در برقراری ارتباط با خوانندگان و شنوندگان خود با موانع عظیمی روبرو شدند. در همان زمان، به تدریج اینترنت در برقراری ارتباط با توده‌های مردم به ابزاری کارآمد تبدیل می‌شد. در نتیجه بسیاری از روزنامه‌نگاران و دیگر اشخاص به اینترنت پناه آورده و شروع به تهیه وبلاگ و وبسایت نمودند.

در پاسخ به این حرکت، رژیم ایران به اعمال شیوه‌های متعددی مبادرت نمود که شبکه‌های اینترنتی قابل دسترسی برای ایرانیان را کنترل کرده و تغییر می‌داد. رژیم قوانین موجود که برای کنترل شدید رسانه‌های گروهی سنتی یعنی روزنامه، رادیو و تلویزیون وضع شده‌اند را در مورد ابراز عقاید از طریق اینترنت نیز اعمال می‌نماید. همچنین رژیم در صدد وضع قوانین مخصوص اینترنت و تشکیل چندین نهاد ناظر با مسئولیت نظارت بر اینترنت نیز هست. بنابراین، برای دسترسی به اینترنت ایرانیان باید از یک مسیر پیچیده حقوقی و اداری عبور کنند.

---

<sup>۱</sup> محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران، اظهارات در کلوپ مطبوعات ملی (۲۴ سپتامبر ۲۰۰۷)، در «رئیس جمهور احمدی نژاد در کلوپ مطبوعات ملی مطالبی ایراد کرد»، واشنگتن پست [President Ahmadinejad Delivers Remarks to the National Press Club, WASH. POST], ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۷، قابل دسترسی در <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2007/09/24/AR2007092401084.html>، (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲</sup> گزارشگران بدون مرز، «ایران - گزارش سالانه» (۲۰۰۶) [REPORTERS WITHOUT BORDERS, IRAN - ANNUAL REPORT], قابل دسترسی در [http://www.rsf.org/article.php3?id\\_article=17198](http://www.rsf.org/article.php3?id_article=17198)، (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۹)؛ همچنین نگاه کنید به همان، شاخص جهانی آزادی مطبوعات (۲۰۰۷) [WORLD PRESS FREEDOM INDEX], قابل دسترسی در [http://www.rsf.org/article.php3?id\\_article=24025](http://www.rsf.org/article.php3?id_article=24025)، (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۹).

علاوه بر استفاده از قوانینی که محتوا را محدود می‌کند، رژیم ایران در حال بررسی و آزمایش روشهای فنی کنترل و تغییر شبکه جهانی اینترنت نیز می‌باشد. این روشها شامل بستن وبسایتها از مبداء، مسدود نمودن وبسایتها به طوری که استفاده کنندگان نتوانند به آنها دسترسی یابند، فیلتر نمودن بخش بزرگی از شبکه جهانی، ایجاد محدودیت برای سرعت اینترنت، و پر کردن این شبکه از عقاید و نظریات رژیم است.

همزمان با این فعالیتها، ایران به استفاده از بعضی از ابزارهای سنتی تر سرکوب نیز ادامه داده است: روزنامه‌نگاران اینترنتی و وبلاگ‌نویسها دستگیر، بازداشت و شکنجه شده‌اند. بسیاری از آنها که با تهدید علیه جان خود و امنیت خانواده خود روبرو شده بودند، یا مجبور به سانسور نوشته‌های خود شدند یا از ایران گریختند. برخی نیز جان خود را در این راه از دست دادند.

تمام این روشها برای افزودن به بهای آزادی بیان، به خصوص در اینترنت می‌باشد. همان طور که سینا مطلبی، وبلاگ‌نویسی ایرانی که به دلیل فعالیتهای اینترنتی خود دستگیر و بازجویی شد، توضیح داد:

من در وبلاگم نوشته بودم که وبلاگ‌نویسی روش آزادی برای ابراز نظرات و عقاید است، بدون پرداختن هیچ بهایی، بدون نیاز به داشتن پول یا اطلاعات فنی یا چیزهایی از این قبیل. بازجو به من گفت: «ما می‌خواهیم به تو ثابت کنیم که اشتباه می‌کنی. بهای هنگفتی هست [که باید بپردازی]. وبلاگ‌نوشتن بهای بسیار بالایی دارد و ما می‌خواهیم تو را عبرت دیگران بکنیم. بله، ما نمی‌توانیم تمام وبلاگ‌نویسانی که از دولت انتقاد می‌کنند را ردیابی کنیم، ولی می‌توانیم آنها را بترسانیم».<sup>۳</sup>

این گزارش، سرکوب وبلاگ‌نویسان، روزنامه‌نگاران و دیگر استفاده کنندگان اینترنت توسط جمهوری اسلامی ایران را مستند نموده و به تحلیل آن می‌پردازد. ابتدا تاریخچه آزادی بیان در ایران پیش از انقلاب ۱۳۵۷ را مرور کرده و به دنبال آن شرح مفصلی از سرکوب و خفقان توسط جمهوری اسلامی ارائه خواهد شد. پس از آن شرح مختصری از قوانین رایج مورد استفاده رژیم برای سرکوب آزادی بیان در اینترنت و تحلیلی از مشروعیت آنها انجام خواهد شد. آخرین بخشهای گزارش به مستندسازی و تحلیل تلاشهای رژیم برای کنترل اینترنت از طرق فنی مانند مسدود کردن سایتها و فیلتر کردن محتوای آنها، و نیز از طریق اقدامات سرکوبگرانه سنتی مانند دستگیری، بازداشت و شکنجه وبلاگ‌نویسان و روزنامه‌نگاران، اختصاص یافته است.

منشاء بیشتر مطالبی که در این گزارش ارائه شده، مصاحبه‌های مرکز اسناد حقوق بشر ایران با وبلاگ‌نویسان و روزنامه‌نگارانی که مجبور به فرار از ایران شده‌اند می‌باشد.

<sup>۳</sup> ویدیوی یک واقعه: پادکست (فایلهای صوتی تصویری دانلود شدنی) مهار نشدنی، توسط عفو بین‌الملل و روزنامه آبرور برگزار گردیده (۶ ژوئن ۲۰۰۷) [Event video: Irrepressible podcast, held by Amnesty and The Observer] قابل دسترسی در <http://www.amnesty.org.uk/content.asp?CategoryID=10905> [از این به بعد: «واقعه عفو بین‌الملل»].

## ۱. چالشهای ناشی از ظهور اینترنت در ایران

اینترنت با فراهم آوردن تبادلات عظیم و جهان گستر اطلاعات تأثیر بسزایی بر داد و ستد جهانی عقاید و نظرات داشته است. پیش از ظهور اینترنت، سه روش عمده نشر اطلاعات در میان مردم مطبوعات، رادیو و تلویزیون بود. ساختار فنی متمرکز و روش انتقال اطلاعات از این منابع به گونه‌ای هستند که کنترل اطلاعات توسط رژیمهای خودکامه را نسبتاً آسان نموده و آنها را قادر می‌سازند تا از طریق کنترل رادیو، تلویزیون و روزنامه‌های دولتی بر مباحث رایج بین عموم تسلط داشته باشند. با کنترل دقیق اطلاعاتی که به عامه مردم می‌رسد، امکان اداره آنها به عنوان مصرف‌کنندگان بی‌اراده اطلاعات میسر می‌باشد. چنین کنترلی شهروندان فرمانبرداری را به وجود آورده و نیاز به استفاده از اقدامات سرکوب‌گرانه‌تر و نقض علنی حقوق بشر را کمتر می‌کند.<sup>۴</sup>

از جهت فنی، کنترل اینترنت سخت‌تر از کنترل رسانه‌های گروهی است. ماهیت نامتمرکز اینترنت و حجم عظیم اطلاعاتی که در دسترس عموم قرار می‌دهد هزینه انجام اقدامات کنترلی را افزایش داده و کارایی آنها را کاهش می‌دهد. به منظور ابقای کنترل بر ابراز عقاید، رژیمهای مستبد باید هم مایل به مصرف منابع بیشتر برای به کارگیری اقدامات فنی کنترلی باشند و هم دسترسی شهروندان خود را به اینترنت محدود نمایند. برای مثال دولت میانمار فقط به یک شرکت ارائه خدمات اینترنتی (رسا)<sup>۵</sup> اجازه فعالیت می‌دهد. این شرکت تحت مالکیت دولت قرار دارد و هر فردی که بخواهد داخل این کشور به اینترنت دسترسی داشته باشد یا وبسایت اینترنتی تأسیس نماید باید از دولت مجوز دریافت نماید.<sup>۶</sup>

کشورهای معدودی مایل به اجرای چنین مقررات حاد و فدا کردن منافع اقتصادی و اجتماعی حاصل از اینترنت می‌باشند.<sup>۷</sup> برخی رژیمها از روشهای مهار ماهرانه‌تری استفاده می‌کنند. برای مثال چین برای نظارت بر محتوای اینترنت، از ثبت‌نام استفاده‌کنندگان، فیلتر کردن پیشرفته و همکاری شرکتهای ارائه خدمات اینترنتی (رسا) استفاده می‌کند.<sup>۸</sup>

جمهوری اسلامی ایران که مطابق معمول درگیر انحصار گفتمان عمومی می‌باشد، در ابتدا فواید اجتماعی و اقتصادی اینترنت را تشخیص داده و رشد آن را تشویق کرد. با این حال دیری نگذشت که رژیم ایران شروع به

<sup>۴</sup> یوخای بنکлер، «گنجینه شبکه‌ها: چگونه محصول اجتماعی، شکل بازارها و آزادی را تغییر می‌دهد» [YOCHAI BENKLER, THE WEALTH OF NETWORKS: HOW SOCIAL PRODUCTION TRANSFORMS MARKETS AND FREEDOM]، صص. ۱۹۷، ۲۷۰ (۲۰۰۶)؛ همچنین نگاه کنید به رضا افشاری، «حقوق بشر در ایران: سوء استفاده از نسبی‌گرایی فرهنگی» [REZA AFSHARI, HUMAN RIGHTS IN IRAN: THE ABUSE OF CULTURAL RELATIVISM]، صص. ۲۱۰ (۲۰۰۱).

<sup>۵</sup> رسا یا ISP شرکتی است که برای هر کاربر برای دستیابی به اینترنت حساب شخصی باز می‌کند.

<sup>۶</sup> بنکлер، رک. زیرنویس ۴، صص. ۲۶۷.

<sup>۷</sup> همان، صص. ۸۰-۱۷۷.

<sup>۸</sup> به طور کلی نگاه کنید به ربکا مک کینان، «جهانی مسطح‌تر و دیوارهایی قطورتر؟ وبلاگها، سانسور و گفتمان مدنی در چین»، ژورنال پابلیک چویس [Rebecca MacKinnon, Flatter world and thicker walls? Blogs, censorship and civic discourse in China, PUB.]

[CHOICE]، شماره ۱۳۴، صص. ۳۱ (۲۰۰۸).



پایه‌گذاری کنترل و سانسور اینترنت نمود. بخشهای ذیل، بحث مختصری است بر گسترش اینترنت و تاریخچه آزادی بیان در ایران و همچنین روی آوردن ایرانیان به اینترنت در ابتدای قرن بیست و یکم.

## ۱.۱. گسترش دسترسی به اینترنت

ایران اولین کشور مسلمان در خاورمیانه بود که به اینترنت دسترسی پیدا کرد.<sup>۹</sup> شبکه ارتباطی ایران در سال ۱۳۷۲ از درون سیستم کامپیوتری دانشگاه رشد کرد.<sup>۱۰</sup> تقاضا برای کامپیوتر و دسترسی به اینترنت به سرعت رو به افزایش گذاشت و تا سال ۱۳۸۲ ایران نزدیک به ۵,۰۰۰ میزبان اینترنتی (host) داشت.<sup>۱۱</sup> این رشد که سریعترین در خاورمیانه می‌باشد استفاده از اینترنت را از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ به بیست و نه برابر رساند.<sup>۱۲</sup>

عوامل متعددی در این رشد سریع تأثیر داشتند. افزایش جمعیت ایران زمینه مساعدی را برای این رشد فراهم ساخت. میانگین سن در ایران ۲۸ سال می‌باشد.<sup>۱۳</sup> این جمعیت جوان به دلیل تأکید آیت‌الله خمینی بر جهانی بودن آموزش به مراتب بهتر از نسل پیش از انقلاب آموزش یافته‌اند.<sup>۱۴</sup> عامل مؤثر دیگر توسعه شهرنشینی در ایران است. نزدیک به هفتاد درصد جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کنند. در حالی که ۲۲ درصد منازل در ایران دارای کامپیوتر می‌باشند. این رقم در تهران به ۴۰ درصد می‌رسد.<sup>۱۵</sup> علاوه بر آن، تا سال ۱۳۸۲ در حدود ۱,۵۰۰ کافه اینترنتی در تهران تأسیس شده بود.<sup>۱۶</sup> با این حال، ساکنان روستاها نیز شروع به دستیابی به اینترنت نمودند.

<sup>۹</sup> بابک رحیمی، «سیاست اینترنت در ایران»، در «رسانه‌ها، فرهنگ و جامعه در ایران: زندگی با جهان گسترده و دولت اسلامی» صص. ۳۷-۳۸ (ویرایش مهدی سمتی ۲۰۰۸). پس از اسرائیل، ایران دومین کشور خاورمیانه بود که به اینترنت دست یافت.

<sup>۱۰</sup> نگاه کنید به بنگلر، رک. زیرنویس ۴، ص. ۲۶۹.

<sup>۱۱</sup> نگاه کنید به رحیمی، رک. زیرنویس ۹، ص. ۴۰؛ اوپن نت اینیشیاتیو، «پالایش اینترنت در ایران در سالهای ۲۰۰۴-۲۰۰۵» ص. ۴ (۲۰۰۵) [OPENNET INITIATIVE, INTERNET FILTERING IN IRAN IN 2004-2005]، قابل دسترسی در [http://opennet.net/sites/opennet.net/files/ONI\\_Country\\_Study\\_Iran.pdf](http://opennet.net/sites/opennet.net/files/ONI_Country_Study_Iran.pdf) (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۹). مقصود از میزبان اینترنت، رایانه و یا نرم‌افزاری است که به کاربران وابسته یا مشتریان خدمات ارائه می‌دهد. یک نمونه آن ارائه‌کننده خدمات پستی است که برای مشتریان خود ایمیل (یا «رایانامه») فراهم می‌نماید.

<sup>۱۲</sup> اوپن نت اینیشیاتیو، «ایران» [OPENNET INITIATIVE, IRAN] صص. ۲-۱ (۲۰۰۷)، قابل دسترسی در <http://opennet.net/research/profiles/iran> (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۹). در سال ۱۳۸۰ فقط یک میلیون ایرانی با اینترنت سروکار داشتند در حالی که این رقم در سال ۱۳۸۶ به ۲۵ میلیون رسید. نگاه کنید به «مرکز آمار ایران: میانگین سن جمعیت ایران در ده سال گذشته از حدود بیست و چهار سال به مرز بیست و هشت سال رسیده است»، بخش فارسی بی.بی.سی، قابل دسترسی در <http://www.ettelaat.net/07-september/news.asp?id=23991> (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۹)؛ همچنین نگاه کنید به مرکز آمار ایران: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن: جداول منتخب ۱۳۸۵، قابل دسترسی در <http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/census85/census85.natavej> (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۳</sup> نگاه کنید به «مرکز آمار ایران: میانگین سن جمعیت ایران در ده سال گذشته از حدود بیست و چهار سال به مرز بیست و هشت سال رسیده است»، بخش فارسی بی.بی.سی، قابل دسترسی در <http://www.ettelaat.net/07-september/news.asp?id=23991> (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۹).

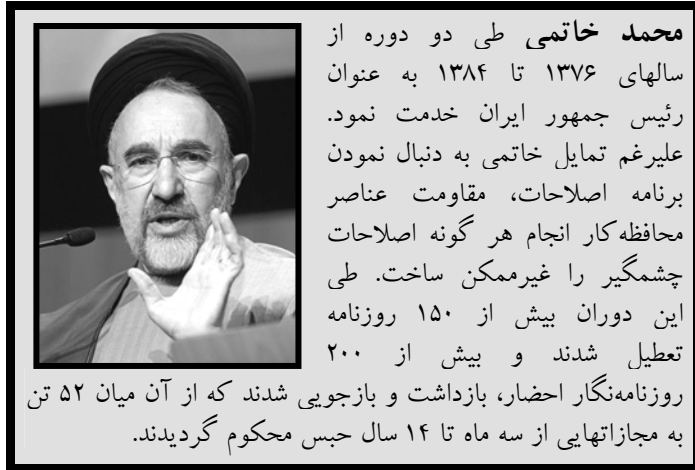
<sup>۱۴</sup> مهدی سمتی، «رسانه‌ها، فرهنگ و جامعه در ایران: زندگی با جهان گسترده و دولت اسلامی» صص. ۸ و ۱ (۲۰۰۸).

<sup>۱۵</sup> نگاه کنید به «مرکز آمار ایران: میانگین سن جمعیت ایران در ده سال گذشته از حدود بیست و چهار سال به مرز بیست و هشت سال رسیده است»، بخش فارسی بی.بی.سی، قابل دسترسی در <http://www.ettelaat.net/07-september/news.asp?id=23991> (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۹)؛ همچنین نگاه کنید به مرکز آمار ایران، «نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن: جداول منتخب» ۱۳۸۵، قابل دسترسی در <http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/census85/census85.natavej> (تاریخ دسترسی ۱۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۶</sup> اوپن نت اینیشیاتیو، رک. زیرنویس ۱۱، ص. ۴.

جووانان روستایی ایرانی با تحصیل در دانشگاه‌های شهرهای بزرگتر، از اینترنت استفاده کرده، به آن وابسته شده و این فناوری را در منازل خود به کار گرفتند که در نتیجه خانواده‌های آنها نیز به میزان بی‌سابقه‌ای در تماس با دنیای خارج قرار گرفته‌اند.<sup>۱۷</sup>

در ابتدا توسعه اینترنت نه تنها مورد قبول دولت بود بلکه ترویج آن نیز مورد تشویق دولت قرار گرفت. جمهوری اسلامی حاضر نبود برای ابقای کنترل شدید مردم، از منافع اینترنت صرف‌نظر نماید. برای مثال شرکتهای ارائه خدمات کامپیوتری (رساها) از سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۲ اجازه داشتند بدون هیچگونه دخالت جدی، فعالیت‌های خود را دنبال نمایند.<sup>۱۸</sup> در آن زمان ایران ۶۵۰ شرکت



ارائه خدمات کامپیوتری داشت که بزرگترین آنها «شرکت فناوری اطلاعات» توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اداره می‌شد. سازمان اوپن نت اینیشیو (OpenNet Initiative, ONI)<sup>۱۹</sup> در سال ۱۳۸۳ گزارش کرد که مجلس<sup>۲۰</sup> چهارمین نقشه توسعه پنج ساله ایران که در نظر دارد ۱,۵ میلیون پورتال اینترنت با سرعت بالا در سراسر ایران نصب نماید را از تصویب گذرانده است.<sup>۲۱</sup> اتخاذ اینگونه خط مشی‌ها بر پایه این اعتقاد گسترده استوار است که پیشرفتهای فناوری به ایران کمک خواهد نمود تا بر مشکلات اقتصادی خود غلبه نماید.<sup>۲۲</sup> البته اعتقاد تشکیلات روحانیون مبنی بر اینکه می‌توان از اینترنت به منظور ترغیب گفتمان اسلامی و گسترش مکتب انقلابی استفاده نمود نیز در تقویت این خط مشی مؤثر بود.<sup>۲۳</sup>

## ۱,۲. آزادی بیان

در سراسر جهان آزادی بیان به عنوان حق بنیادین انسان شناخته شده است. این حق به همان اندازه به شنوندگان و جستجوگران اطلاعات تعلق دارد که به افراد درگیر در بیان عقاید. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۳۲۷ این حق را به رسمیت شناخت:

<sup>۱۷</sup> رحیمی، رک. زیرنویس ۹، ص. ۴۱.

<sup>۱۸</sup> همان، ص. ۴۲.

<sup>۱۹</sup> اوپن نت اینیشیو (ONI) سازمانی است که پالایش اینترنت و عملیات نظارت بر آن را بررسی، افشا، و تحلیل می‌کند.

<sup>۲۰</sup> مجلس رکن اصلی قانونگذاری در ایران است.

<sup>۲۱</sup> اوپن نت اینیشیو، رک. زیرنویس ۱۲، ص. ۲.

<sup>۲۲</sup> رحیمی، رک. زیرنویس ۹، ص. ۴۰.

<sup>۲۳</sup> نگاه کنید به همان، ص. ۴۲.

هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد؛ این حق شامل آزادی اعتقادات بدون مزاحمت و آزادی در تفحص، تحصیل و انتقال اطلاعات و افکار به هر وسیله ممکن و بدون محدودیتهای مرزی می‌باشد.

مواد ۱۹ و ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۲۴</sup> که به تأیید ایران رسیده است تأکید می‌نماید که مردم باید از حق دسترسی گسترده به اطلاعات برخوردار باشند تا این امکان را بیابند که در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی جامعه خود شرکت نمایند.<sup>۲۵</sup>

در سنت اسلامی، بیان نظرات، نعمت و برکتی است که خداوند برای انسان مقدر نموده است.<sup>۲۶</sup> نتیجتاً قرآن حق آزادی بیان را حقی محتوم می‌داند که گواه این مطلب همانا توصیه‌های مکرر به انجام مباحث منطقی در موضعیهای مذهبی و نیز حمایت کامل قرآن از تحقیق در تمام وجوه خلقت می‌باشد.<sup>۲۷</sup> اظهارات دیگری نیز که دال بر آزادی بیان می‌باشد در اصولی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر (حسبه)، دلالت و هدایت افراد (نصیحت)، مشورت در امور (شورا)، تعقل فردی (اجتهاد)، و آزادی انتقاد از رهبران حکومت، ذکر گردیده است.<sup>۲۸</sup> این نکته آخر در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است، زیرا به مسلمانان می‌گوید بهترین نوع جهاد، بیان «کلمه حقیقت به حاکمی مستبد» است،<sup>۲۹</sup> و اینکه آنها باید جامعه‌ای که در آن نتوان فرمانروایی ستمکار را «فرمانروای ستمکار» نامید را ترک نمایند.<sup>۳۰</sup>

ایرانیان معاصر به هر بخشی از طیف سیاسی که تعلق داشته باشند این حق انسانی را تشخیص داده و قادر به درک توانایی آن برای حفظ شأن انسان و توسعه یک جامعه مدنی درخشان هستند. برای مثال شیرین عبادی وکیل حقوق بشر، با توجه به اینکه با مخاطرات شخصی فراوانی روبرو می‌باشد، به دفاع از افرادی می‌پردازد که در نتیجه بیان عقاید خود به ارتکاب جرایم مختلف متهم گردیده‌اند. مثال دیگر حجت‌الاسلام محمد خاتمی است که از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ رئیس‌جمهور ایران بود. وی توضیح داد: «منظور من از آزادی، آزادی فکر و

<sup>۲۴</sup> ماده ۲۵ تصریح می‌نماید: «هر شهروند باید حق و امکان داشته باشد بدون در نظر گرفتن هیچ یک از تبعیضات مذکور در ماده ۲، و نیز بدون محدودیت‌های غیر معقول: الف) در اداره امور عمومی مستقیماً و یا از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شوند شرکت نماید. ب) در انتخابات واقعی دوره‌ای با داشتن حق رأی عمومی مساوی و مخفی که تضمین کننده بیان آزادانه اراده انتخاب‌کنندگان باشد، رأی بدهد و انتخاب بشود؛ ج) با حق تساوی طبق شرایط کلی، از خدمات عمومی کشور خود برخوردار باشد.» میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی [International Covenant on Civil and Political Rights]، ماده ۲۵، ۲۳ مارس ۱۹۷۶، معاهدات سازمان ملل شماره ۹۹۹، بخش ۱۷۱ [1999 U.N.T.S. 171]. [از این به بعد: «میثاق حقوق مدنی»].

<sup>۲۵</sup> «رابرت و. گوئیتر علیه کانادا» [Robert W. Gauthier v. Canada]، پیام شماره ۶۳۳/۱۹۹۵، سند سازمان ملل CCPR/C/65/D/633/1995. پاراگراف ۱۳، ۴ (۵ مه ۱۹۹۹).

<sup>۲۶</sup> قرآن، سوره «الرحمان»، آیات ۴-۱؛ همچنین نگاه کنید به مشهود ای. بادرین، «حقوق بشر بین‌الملل و قانون اسلام» [MASHOOD A. ] BADERIN, INTERNATIONAL HUMAN RIGHTS AND ISLAMIC LAW ص. ۱۲۶ (۲۰۰۳).

<sup>۲۷</sup> محمد هاشم کامالی، «آزادی بیان در اسلام» [MOHAMMAD HASHIM KAMALI, FREEDOM OF EXPRESSION IN ISLAM] صص. ۱۶-۱۵ (۱۹۹۷).

<sup>۲۸</sup> همان، ص. ۱۲.

<sup>۲۹</sup> همان، صص. ۱۱، ۵۰.

<sup>۳۰</sup> همان، ص. ۳۸.

برخورداری از امنیت برای اظهار افکار جدید و پایه‌گذاری یک سیستم محافظت از افراد آزاده و اندیشمند است.<sup>۳۱</sup>

## ۱،۲،۱. تاریخچه بیان عقیده در ایران پیش از اینترنت

بیان عقیده برای قرن‌ها بخشی مهم از فرهنگ ایران را تشکیل داده است. سنت شعر فارسی چه شفاهی و چه کتبی، در جهان یکی از منحصر به فردترینها بوده و ادبیات ایران در نظر بسیاری میراث مهم و اصلی جامعه ایرانی به شمار می‌رود.<sup>۳۲</sup> علاوه بر آن ایران هرگز دچار کمبود دگراندیش در زمینه فلسفه، مذهب و سیاست نبوده است.<sup>۳۳</sup> اگرچه برای قرن‌ها نظم فارسی بر نثر تفوق یافته، اما در تاریخ ایران عموماً انتقاد از دولت و فرهنگ با



ظرافت و ابهام در داستانهای تخیلی و نقد ادبیانه گنجانده شده است.<sup>۳۴</sup> حدود یک قرن است که رسانه‌های گروهی که سنتاً عوامل تجدد محسوب می‌شدند، نقش مؤثر و چشمگیری در توسعه اقتصادی و فرهنگی ایران داشته‌اند.<sup>۳۵</sup>

سالهای قبل از انقلاب مشروطیت و نیز در طول آن (۱۲۹۰-۱۲۸۴) از دوره‌های نسبتاً آزاد برای ابراز عقیده در ایران به شمار می‌رود. در این دوران مقالات بسیاری که مستقیماً از دولت انتقاد می‌نمودند منتشر شدند.<sup>۳۶</sup> حتی پس از این دوران، رسانه‌های گروهی تحت محدودیتهای کمتری عمل می‌کردند و اصلاحات آموزشی سبب شکوفایی مباحثات عمومی انتقادآمیز درباره سیاست، مذهب و جامعه شدند.<sup>۳۷</sup> در سال ۱۳۲۲، هنگامی که جمعیت تهران فقط ۷۵۰,۰۰۰ نفر بود، ۴۷ روزنامه در این شهر منتشر می‌شد. تا سال ۱۳۳۰ تعداد روزنامه‌های منتشره به

<sup>۳۱</sup> محمد خاتمی، «اسلام، آزادی، و توسعه» ص. ۱۵ (۱۹۹۸).

<sup>۳۲</sup> نگاه کنید به نیکی آر. کدی، «ایران مدرن: ریشه‌ها و نتایج انقلاب» [NIKKI R. KEDDIE, MODERN IRAN: ROOTS AND RESULTS OF REVOLUTION] ص. ۱۷۲ (۲۰۰۳).

<sup>۳۳</sup> نگاه کنید به همان، ص. ۱۷۳.

<sup>۳۴</sup> نگاه کنید به ناهید مظفری، «روزگار غربی است، نازنین» [NAHID MOZAFFARI, STRANGE TIMES, MY DEAR] صص. پانزدهم- شانزدهم (۲۰۰۵)؛ کدی، رک. زیرنویس ۳۲، ص. ۱۸۲.

<sup>۳۵</sup> رحیمی، رک. زیرنویس ۹، ص. ۴۳.

<sup>۳۶</sup> کدی، رک. زیرنویس ۳۲، ص. ۱۸۲.

<sup>۳۷</sup> مظفری، رک. زیرنویس ۳۴، ص. شانزدهم- هفدهم.

۷۰۰ رسیده بود.<sup>۳۸</sup> با این حال از زمانی که در سال ۱۳۳۲ شاه ایران قدرت خود را تثبیت نمود تا قبل از انقلاب ۱۳۵۷ که قدرت از وی گرفته شد، روزنامه‌ها شدیداً تحت کنترل و نظارت مأموران حکومتی قرار داشتند.<sup>۳۹</sup> در اواخر دهه ۱۳۴۰، رژیم شاهنشاهی روزنامه‌ها را به چند طریق کنترل می‌نمود. رژیم سردبیرهای روزنامه‌های طرفدار حکومت شاه را تشویق کرده و از روزنامه‌نگاران می‌خواست در جلساتی شرکت کنند که در آن قوانین سانسور به آنها تعلیم داده می‌شد. مقامات حکومت با کارکنان بخش ویرایش روزنامه‌ها به طور روزانه تماس تلفنی داشتند.<sup>۴۰</sup> بین سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۷ مأموران امنیتی شخصاً روزنامه‌ها را بازبینی کرده و «حتی بر تعداد ستونها و طرح و قالب صفحات نیز نظارت داشتند».<sup>۴۱</sup>

اعمال چنین محدودیتهایی بر آزادی بیان، از اولین نارضايتی‌هایی بود که به انقلاب ۱۳۵۷ انجامید.<sup>۴۲</sup> علی شریعتی، پدر ایدئولوژی انقلاب ایران معتقد بود که به محض آنکه اختلاف نظرها و تناقضات از طرح شدن در صحنه اجتماع منع بشوند، جامعه افسرده و مأیوس خواهد شد.<sup>۴۳</sup> وی اظهار نمود که آزادی اندیشه و بیان، از شاخصه‌های والای دوران صدر اسلام بوده و اینکه سلطه‌جویی به سرکوب و خشونت منتهی می‌شود.<sup>۴۴</sup> او بر اولین هدف از دو هدفی که از آزادی بیان حاصل می‌شوند تأکید داشت: کشف حقیقت و ترفیع شأن و مرتبت انسانی.<sup>۴۵</sup>

آیت‌الله خمینی نیز با ذکر این مطلب که «سیستم انقلابی می‌خواهد که نظرات مختلف و حتی مخالف بتواند مطرح شوند و هیچ کس حق ندارد آنرا محدود کند» توجه خود را به نخستین مورد از این دو هدف نشان داد.<sup>۴۶</sup> در یک مصاحبه پیش از انقلاب وی قول داد که «در یک حکومت اسلامی تمامی مردم آزادی ابراز هر گونه عقیده‌ای را خواهند داشت».<sup>۴۷</sup> قانون اساسی جدید ایران تصریح می‌نمود که «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آنرا قانون معین می‌کند».<sup>۴۸</sup>

<sup>۳۸</sup> علی انصاری، «ایران متجدد از سال ۱۳۰۰: سلسله پهلوی و پس از آن» [ALI ANSARI, MODERN IRAN SINCE 1921: THE PAHLAVIS AND AFTER] ص. ۷۹ (۲۰۰۳).

<sup>۳۹</sup> انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران، «بررسی فعالیت مطبوعات ایران» ۱۳۸۷/۱۱/۱۹، قابل دسترسی در <http://rooznamenegar.ir/main.php?t=5&id=618>، (تاریخ دسترسی ۱۷ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۴۰</sup> طهمورث قاسمی، «نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه»، (۲۰۰۲)، قابل دسترسی در [http://www.ghadeer.org/SIYASI/nehzat\\_a/fehrest.htm](http://www.ghadeer.org/SIYASI/nehzat_a/fehrest.htm)، (تاریخ دسترسی ۱۷ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۴۱</sup> «مسعود بهنود چگونه خبرنگار شد»، آفتاب، ۱۳۸۶/۸/۸، قابل دسترسی در [http://www.aftab.ir/articles/applied\\_sciences/communication/c12c1193759921\\_masoud\\_behnoud\\_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/applied_sciences/communication/c12c1193759921_masoud_behnoud_p1.php)، (تاریخ دسترسی ۱۷ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۴۲</sup> مهرانگیز کار، «موانع قانون اساسی در راه شناخت حقوق بشر و دموکراسی در ایران» [Mehrangiz Kar, Constitutional Obstacles to the Realizations of Human Rights and Democracy in Iran] (دستخط منتشر نشده، موجود در آرشیو محققین در خطر [Scholars at Risk] و مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

<sup>۴۳</sup> علی رهنما، «مدینه فاضله اسلامی: زندگینامه سیاسی علی شریعتی» [ALI RAHNEMA, AN ISLAMIC UTOPIAN: A POLITICAL BIOGRAPHY OF ALI SHARI'ATI] ص. ۱۳۷ (۱۹۹۸).

<sup>۴۴</sup> همان، ص. ۱۳۷.

<sup>۴۵</sup> کمالی، رک. زیرنویس ۲۷، ص. ۸.

<sup>۴۶</sup> خاتمی، رک. زیرنویس ۳۱، ص. ۱۰۶.

<sup>۴۷</sup> روح الله خمینی، «صحیفه نور»، جلد سوم (۱۳۶۲). نگاه کنید به «مصاحبه امام خمینی با نمایندگان عفو بین‌الملل»، ۱۳۵۷/۸/۲۰.

<sup>۴۸</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸، [مصوب ۱۳۵۸، اصلاح شده در ۱۳۶۸] اصل ۲۴ [از این به بعد: «قانون اساسی ایران»]، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/iraniancodes.htm>.

با این حال تا هنگامی که سال ۱۳۶۰ فرا رسید، جمهوری اسلامی ایران عقاید مخالف را علناً سرکوب می‌کرد. ایران با عراق در جنگ بود و رژیم ایران اعمال این گونه محدودیتها را به بهانه اقدامات دفاعی توجیه می‌نمود.<sup>۴۹</sup> میان «خودی»ها و «غیرخودی»ها که تفکری متفاوت داشتند تبعیض گذاشته می‌شد و دولت دستور داده بود که چاپ کتابهای این دگراندیشان ممنوع بشود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شروع به سهمیه بندی کاغذ نموده و از تأیید محتوای کتابها، روزنامه‌ها و مجلات به عنوان ضابطه‌ای برای دریافت مقررری کاغذ استفاده می‌نمود.<sup>۵۰</sup>

علیرغم تمام این تلاشها، رژیم ایران هرگز قادر به اعمال کنترل کامل بر رسانه‌های گروهی نبوده است. تلویزیون و رادیوی کشور تحت کنترل دولت می‌باشند و اصل ۱۷۵ قانون اساسی ایران این اطمینان را می‌دهد که «نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است». با وجود این هنوز خبرگزاریهای خارجی مانند رادیو فردا، بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا (بی.بی.سی.) و دیگر گروه‌های مخالف از ابتدای انقلاب قادر به پخش امواج رادیویی خود به داخل ایران بوده‌اند.<sup>۵۱</sup> محدودیت مهم دیگری که بر انحصارطلبی رژیم تأثیر گذاشته، وجود بشقابهای ماهواره‌ای است که اگرچه غیرقانونی هستند، بسیار متداول و همه‌گیر بوده و استفاده‌کنندگان را به تلویزیونهای سراسر جهان متصل می‌سازند.<sup>۵۲</sup>

اگرچه برخی از مفسران سرکوب و سانسور مطبوعات سکولار را با بهانه نیاز به برقراری نظم عمومی توجیه کرده‌اند، اما به مرور و تا اواخر دهه ۱۳۷۰ چنین استدلالی اعتبار خود را از دست داد.<sup>۵۳</sup> با توجه به این واقعیت که بسیاری از منتقدان جدی حکومت که خواهان اصلاحات بودند از روحانیون برجسته و بنیادگرای اسلامی مانند محمد موسوی خوئینی‌ها<sup>۵۴</sup> و عبدالکریم سروش<sup>۵۵</sup> بودند، زدن برچسب ضداسلامی به منتقدان دیگر بی‌معنی بود. انتقادات این اسلام‌گرایان عمدتاً از زمره انتقادات منابع سکولار بود، مانند گروهی از اندیشمندان که در سال

<sup>۴۹</sup> نگاه کنید به کار، رک. زیرنویس ۴۲، ص. ۲۶.

<sup>۵۰</sup> کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، «گزارش در خصوص وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران» [U.N. Commission on Human Rights, Report on the Situation of Human Rights in the Islamic Republic of Iran]، پاراگراف ۶۴، سند سازمان ملل A/45/69 (۶ نوامبر ۱۹۹۰).

<sup>۵۱</sup> «ایران: تاریخچه کشور»، بی.بی.سی. [Iran: Country Profile, B.B.C.]، ۱۱ مارس ۲۰۰۹، قابل دسترسی در [http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle\\_east/country\\_profiles/790877.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/country_profiles/790877.stm) (تاریخ دسترسی ۲۷ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۵۲</sup> همان.

<sup>۵۳</sup> به طور کلی نگاه کنید به افشاری، رک. زیرنویس ۴، صص. ۲۳۲-۱۸۵.

<sup>۵۴</sup> آیت‌الله سید محمد موسوی خوئینی‌ها، دبیر کل مجمع روحانیون مبارز و یکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. وی مؤسس روزنامه توقیف شده «سلام» بود و رهبری دانشجویان پیرو خط امام که در سال ۱۳۵۸ به سفارت آمریکا یورش بردند را بر عهده داشت. پیش از آن و طی دهه اول انقلاب وی دادستان کل ایران بود. مارک باودن، «مهمانهای آیت‌الله: اولین نبرد در جنگ آمریکا با اسلام مبارز» [MARK BOWDEN, GUESTS OF THE AYATOLLAH: THE FIRST BATTLE IN AMERICA'S WAR WITH MILITANT ISLAM]، جنیو عبود و جاناناتان لیونز، «فقط به خداوند پاسخگو بودن» [GENIEVE ABDO AND JONATHAN LYONS, ANSWERING ONLY TO GOD]، ص. ۱۸۷ (۲۰۰۳).

<sup>۵۵</sup> عبدالکریم سروش، محقق، فیلسوف و چهره معروفی از اندیشمندان مذهبی ایران است. وی که توسط آیت‌الله خمینی به عضویت شورایی که بعدها شورای عالی انقلاب فرهنگی نامیده شد منصوب گردیده بود، نیروی محرکه پشت اخراج تعداد چشمگیری از اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها که در نظر وی از صلاحیت مذهبی لازم برخوردار نبودند، بود. وی پس از آنکه به عنوان اصلاح‌طلب از طرف تشکیلات محافظه‌کار رژیم هدف قرار گرفت، در سال ۱۳۷۹ ایران را ترک کرد. نگاه کنید به افشاری، رک. زیرنویس ۴، صص. ۹۱-۱۹۰.

۱۳۷۳ علناً خواهان لغو سانسور شدند.<sup>۵۶</sup> همانطور که عموم مردم و حتی روزنامه‌های ضداصلاحات مانند رسالت متوجه شده بودند، این نگرانیها شامل خاتمه دادن به «انحصارطلبی سیاسی، سرکوب و خفقان آزادی» بود.<sup>۵۷</sup>

تا سال ۱۳۷۶ درج چنین انتقاداتی در رسانه‌های گروهی در ایران معمول بود و نسل جدید روزنامه‌نگاران و فعالان را بر آن داشت تا خواهان حقوق خود برای آزادی بیان شوند. یکی از خبرنگاران متوجه شده بود که:

نشریاتی شکل گرفتند که بدون ترس از برخورد، شجاعانه اطلاع‌رسانی می‌کردند. اصلاً بگذارید یک قدم جلوتر بروم و بگویم که این روزنامه‌ها بودند که ترس زندان، شکنجه و غیره را از دل ما روزنامه‌نگاران بردند. من خودم بارها از برخورد نظام می‌ترسیدم اما وقتی دیدم سردبیرمان، ماشاءالله شمس‌الواعظین<sup>۵۸</sup> همیشه ساک زندانش آماده است، دیگر ترس من هم ریخت.<sup>۵۹</sup>

رشد رسانه‌های گروهی از بابت طرح گفتمانهای سیاسی هم موجب پیروزی چشمگیر روحانی اصلاح‌طلب، محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ شد و هم در نتیجه این پیروزی تقویت گردید. خاتمی تلاش کرد تا جمهوری اسلامی را از «سیستمی که خط مشی اصلی آن بر ایجاد محدودیت تکیه دارد» به سیستمی تبدیل نماید که محدود ساختن را «گاهگاهی در مواضع حساس و حیاتی و به جهت مصلحت‌اندیشی به کار می‌برد».<sup>۶۰</sup> به دنبال حصول چنین هدفی و نیز ایجاد حمایت بیشتر برای برنامه کار اصلاح‌طلبان، وی عطاءالله مهاجرانی را به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزید. مهاجرانی که تاریخدان و دارای تحصیلات دانشگاهی بود پروانه چاپ تعداد کثیری از نشریات را مجدداً صادر کرده و به طور کلی بسیاری از محدودیتهای سرکوب‌گرانه آزادی بیان را از میان برداشت.<sup>۶۱</sup>

این پیشرفتهای سیاسی که عَلم آزادی بیان را برافراشته بود، با افشاگری‌هایی که به همراه داشت خطرناکترین عناصر رژیم ایران را مورد تهدید قرار می‌داد.<sup>۶۲</sup> یک سال پیش از انتخاب خاتمی، مجلس کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ایران را از تصویب گذرانده بود که ماده ۶۰۹ آن توهین به تقریباً هر مقام دولتی برای اقداماتی

---

<sup>۵۶</sup> نامه سرگشاده‌ای تحت عنوان «ما نویسنده هستیم» که توسط ۱۴۳ نویسنده و فعال از جمله شیرین عبادی امضاء و عرضه شد. شیرین عبادی، «بیداری ایران: تاریخچه انقلاب و امید» [SHIRIN EBADI, IRAN AWAKENING: A MEMOIR OF REVOLUTION AND HOPE] ص. ۱۳۰ (۲۰۰۶).

<sup>۵۷</sup> نگاه کنید به افشاری، رک. زیرنویس ۴، ص. ۱۹۳.

<sup>۵۸</sup> سردبیر وقت روزنامه «جامعه».

<sup>۵۹</sup> شهادتنامه آرش سیگارچی، که توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه و به تأیید شاهد رسیده است (۱۱ ژانویه ۲۰۰۹)، پاراگراف ۲ [از این به بعد: «شهادتنامه سیگارچی»]. مرکز اسناد حقوق بشر ایران در ۲۳ اکتبر ۲۰۰۸ با سیگارچی مصاحبه انجام داده است. نسخه ای از این شهادتنامه در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران موجود است.

<sup>۶۰</sup> خاتمی، رک. زیرنویس ۳۱، ص. ۱۱۲.

<sup>۶۱</sup> سمتی، رک. زیرنویس ۱۴، ص. ۶.

<sup>۶۲</sup> نگاه کنید به افشاری، رک. زیرنویس ۴، ص. ۱۸۸.

که در زمان تصدی آن شغل انجام داده‌اند را جرم تلقی می‌کند.<sup>۶۳</sup> رهبر ایران آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به عموم مردم اخطار داد که «همه باید به خط قرمز توجه کنند».<sup>۶۴</sup>

این خط قرمز هرگز تعریف نشده اما کماکان توسط رژیم به معنای مقررات رسمی و غیررسمی سانسور که باید توسط نویسندگان، ویرایشگران، هنرمندان و ناشران رعایت شود تا آنها از خطر انتقام محفوظ بمانند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقررات مبهمی که در قوانین جمهوری اسلامی موجود است و عدم تعریف چنین عباراتی را امکان‌پذیر می‌سازد، از قانون اساسی ایران آغاز شده و در میان دیگر قوانین گسترش یافته است. برای مثال اصل ۲۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد که «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد»، اما «مبانی اسلام» را تعریف نمی‌کند.<sup>۶۵</sup> در آبان ۱۳۸۲، آمبی لیگابو، گزارشگر هیئت ویژه حل اختلاف در خصوص آزادی بیان، در مأموریت به ایران شاخصهای این خط قرمز را مورد بررسی قرار داد. وی دریافت که حتی در میان روحانیون نیز معیارهای غالباً متضاد و بسیار متفاوتی برای تعیین محدوده خط قرمز وجود دارد.<sup>۶۶</sup> وی به این نتیجه رسید که اینگونه تفسیرهای ذهنی و خودسرانه<sup>۶۷</sup> منجر به محروم نمودنهای خودسرانه از حقوق می‌شود.<sup>۶۸</sup>

عبور از خط قرمز می‌تواند هر گونه عواقبی را به همراه داشته باشد که شدیدترین آنها—قتلهای فراقضایی—در اواخر دهه ۱۳۷۰ متداول شده بود. نویسندگان در حوادث رانندگی کشته می‌شدند، در سرقتهای صحنه‌سازی شده مورد اصابت گلوله قرار می‌گرفتند، مورد اصابت ضربات چاقو قرار گرفته یا مورد تزریق پتاسیم قرار می‌گرفتند تا دچار حمله قلبی بشوند.<sup>۶۹</sup> در اواخر ۱۳۷۷ با وقوع یک سلسله قتلها و پنخش اخبار مربوط به آنها خشم عمومی

<sup>۶۳</sup> قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۹، ماده ۶۰۹ (ایران) [از این به بعد: «قانون مجازات اسلامی»]، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/iraniancodes.htm> ماده ۶۰۹ اظهار می‌دارد: «هر کس با توجه به سمت، یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود».

<sup>۶۴</sup> گاه کنید به افشاری، رک. زیرنویس ۴، ص. ۱۹۶.

<sup>۶۵</sup> قانون اساسی ایران، رک. زیرنویس ۴۸، اصل ۲۴.

<sup>۶۶</sup> کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، «گزارش تهیه شده توسط گزارشگر هیئت ویژه در مورد حق آزادی بیان و عقیده، آمبی لیگابو: مأموریت ضمیمه به جمهوری اسلامی ایران» [U.N. Commission on Human Rights, Report Submitted by the Rapporteur on the right to freedom of opinion and expression, Ambeyi Ligabo: Addendum Mission to the Islamic Republic of Iran]، پاراگراف ۱۰۲، سند سازمان ملل E/CN.4/2004/62/Add.2 (۱۲ ژانویه ۲۰۰۴)، قابل دسترسی در <http://www.unhcr.org/refworld/country...MISSION.IRN.,4090ffed0.0.html> (تاریخ دسترسی ۲۱ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «گزارش لیگابو»].

<sup>۶۷</sup> همان، پاراگراف ۹۵.

<sup>۶۸</sup> نگاه کنید به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، «گزارش گروه کاری در خصوص بازداشت‌های خودسرانه: ضمیمه: دیدار از جمهوری اسلامی ایران» [U.N. Commission on Human Rights, Report of the Working Group on Arbitrary Detention: addendum: Visit to the Islamic Republic of Iran (15-27 February 2003)]، پاراگراف ۴۲، سند سازمان ملل E/CN.4/2004/3/Add.2 (و نامه ۱) (۲۷ ژوئن ۲۰۰۳)، قابل دسترسی در <http://www.unhcr.org/refworld/docid/4090ffd30.html> (تاریخ دسترسی ۲۱ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۶۹</sup> عبادی، رک. زیرنویس ۵۶، صص. ۳۲-۱۳۱. در یک رویداد معروف که در مرداد ۱۳۷۵ اتفاق افتاد، جمعی از نویسندگانی که سوار بر اتوبوسی در راه ارمنستان بودند بیدار شده و متوجه شدند که راننده اتوبوس آنها را ترک کرده است و اتوبوس به طرف پرتگال در حرکت است. این



مردم به حدی رسید که دولت خاتمی درباره این وقایع به تحقیق پرداخت و حتی رهبر ایران نیز این اعمال را محکوم نمود.<sup>۷۰</sup> در حقیقت تحت پوشش قرار گرفتن این حوادث توسط رسانه‌ها و تهیه گزارشهای تحقیقی درباره این قتلها، نیاز به وجود روزنامه‌ها را گسترش داد.<sup>۷۱</sup> بر اساس این خط مشی جدید، روزنامه‌ها و مجلات می‌توانستند «به طور بی رویه‌ای رشد کنند».<sup>۷۲</sup>



مجلس محافظه‌کار در پاسخ به این تحولات، در سال ۱۳۷۹ قانون مطبوعات را مورد تجدید نظر قرار داد. این به عناصر محافظه‌کار اجازه می‌داد تا با استفاده از پایگاه قدرت خود در قوه قضاییه—به ویژه دادگاه مطبوعات به ریاست قاضی سعید مرتضوی در آن زمان—بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات را تعطیل نموده و سردبیرهای برجسته اسلامی و اصلاح‌طلبی مانند اکبر گنجی<sup>۷۳</sup> را دستگیر نمایند. پس از انجام

پاکسازی اولیه، مقامات محافظه‌کار «تصمیم گرفتند روزنامه‌نگاران را تحت نظارت خود درآوردند به این امید که بر محتوای روزنامه‌ها کنترل داشته و آنها را از درج مطالب «خطرناک» بازدارند».<sup>۷۴</sup> معدودی از روزنامه‌ها مجدداً اجازه انتشار یافتند اما تحت نظارت دقیق مرتضوی، که در سال ۱۳۸۲ به عنوان دادستان تهران منصوب گردید، قرار داشتند. فعالیتهایی که بیش از حد از خود استقلال نشان می‌دادند در اولین فرصت تعطیل گردیدند.<sup>۷۵</sup> نشریات دیگری که به نظر نمی‌آمد کارمندان آنها حاضر به همکاری باشند، پیش از آنکه بتوانند حتی یک شماره از نشریه را منتشر سازند، توقیف شدند.<sup>۷۶</sup> یک روش معمول دیگر نیز این بود که مرتباً به سردبیر نشریات تلفن کرده و به آنها دستور می‌دادند که چگونه با بعضی اخبار به خصوص برخورد نموده و از آنها می‌خواستند که در جلسات آموزشی درباره خط قرمز شرکت نمایند.<sup>۷۷</sup>

دومین باری بود که راننده سعی کرده بود از اتوبوس خارج شده و آن را به طرف دره بفرستد. نویسندگان توانستند اتوبوس را متوقف سازند و سپس توسط مأموران امنیتی سوار شده و مورد بازجویی قرار گرفتند. عبادی، رک. زیرنویس ۵۶، صص. ۲۹-۱۲۸.

<sup>۷۰</sup> همان، صص. ۳۶-۱۳۵.

<sup>۷۱</sup> همان، ص. ۱۳۹.

<sup>۷۲</sup> افشاری، رک. زیرنویس ۴، ص. ۲۰۸.

<sup>۷۳</sup> همان، ص. ۲۱۶.

<sup>۷۴</sup> شهادتنامه سیگارچی، رک. زیرنویس ۵۹، پاراگراف ۲.

<sup>۷۵</sup> «مثلاً روزنامه نوسازی بود، «نوسازی» روزنامه آقای جلالی‌پور، که ۲ شماره یا ۳ شماره درآمد و بعد توقیف شد. روزنامه بنیان بود که [فقط]

۴-۵ شماره درآمد». مصاحبه با روزبه میرابراهیمی (۱ فوریه ۲۰۰۹) [از این به بعد: «مصاحبه با روزبه میرابراهیمی»].

<sup>۷۶</sup> [تیم شهروند امروز] قرار بود آریا را دوباره در بیاورد. به محض اینکه رفتند چنین کاری بکنند خبر آن در سایتهای مختلف منتشر شد و خبر آمد که حق ندارد منتشر بشود و توقیف است». مصاحبه با روزبه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.

<sup>۷۷</sup> همان.

مسئولان و مدیران که گذشته از خطر حبس، با خطر واقعی توقیف نشریات خود روبرو شده بودند، رفته رفته به خط قرمز توجه بیشتری نشان دادند. بسیاری معتقد بودند که ارزش ندارد «قهرمانانه از خط قرمز عبور کرده و نشریه آنها تعطیل گردیده و ارتباط حیاتی خود با مردم را از دست بدهند».<sup>۷۸</sup> به این ترتیب، خود سانسوری به طور فزاینده‌ای متداول گردید. سردبیرها بدون اینکه احتیاج به دریافت مکالمات تلفنی تهدیدآمیز یا یادآوری خط قرمز داشته باشند، نوشته روزنامه‌نگاران زیر دست خود را سانسور می‌کردند.

هر روزنامه‌ای یک مهره داشت، نه مهره عامل [قوه قضاییه]، کسی را داشت، همان که به او زنگ می‌زدند و می‌گفتند کدام کار را بکنید و کدام کار را نکنید، این شخص به مرور تبدیل می‌شد به یک مرتضوی کوچک درون روزنامه و ... خودش خیلی سانسورها را می‌کرد ... اینها در هر روزنامه‌ای یک مرتضوی نیز به وجود آوردند.<sup>۷۹</sup>

با توجه به سانسورهای سردبیرها، بسیاری از روزنامه‌نگاران که حاضر به تحمل مجازاتهای عبور از خط قرمز بودند، به ویژه نسل جوانتر، کنار گذاشته شدند و در نتیجه دنبال رسانه دیگری گشتند تا بتوانند از طریق آن اخبار خود را گزارش کرده و نظرات خود را با دیگران در میان بگذارند.<sup>۸۰</sup> این افراد به اینترنت روی آوردند.

## ۱،۲،۲. انتقال بیان عقیده به اینترنت

جستجوگران شبکه جهانی در ایران به زودی متوجه امکانات موجود در اینترنت شدند. یکی از تحولات چشمگیر، تأسیس خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در ۱۳ آبان ۱۳۷۸ بود. این خبرگزاری متنفاذ که بیشتر کارکنان آن را دانشجویان دانشگاه تشکیل می‌دهند، به پخش اخبار جاری در وبسایت خود می‌پردازد اما اخبار را به صورت روزنامه چاپ نمی‌کند.<sup>۸۱</sup> تا اواخر ۱۳۷۸، خبرگزاریها وبسایتهای خود را تأسیس کردند و تا سال ۱۳۸۰ چند وبلاگ نیز توسط افراد مختلف انتشار یافته بود.<sup>۸۲</sup> در شهریور ۱۳۸۰، حسین درخشان،<sup>۸۳</sup> خبرنگار ایرانی ساکن کانادا، وبلاگی به زبان فارسی تأسیس نمود. مدت کوتاهی پس از آن در پاسخ به درخواست یکی از خوانندگان، وی راهنمایی برای درست کردن وبلاگ به زبان فارسی منتشر نمود. این ابتکار ساده درست در

<sup>۷۸</sup> مگی پور، «هنر روزنامه‌نگاری» [Maggie Pour, *The Art of Journalism*]، نمک، ۲۰۰۵، ص. ۱۸، قابل دسترسی در <http://www.namakmag.com/issue0102/redlines.html> (تاریخ دسترسی ۲۰ آوریل ۲۰۰۹) (به نقل از تقی امیرانی، درباره سانسور روزنامه‌نگاران در ایران گفتگو می‌کند)

<sup>۷۹</sup> مصاحبه با روزبه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.

<sup>۸۰</sup> همان.

<sup>۸۱</sup> برای اطلاعات بیشتر درباره وبسایت خبرگزاری دانشجویان ایران، به طور کلی نگاه کنید به [www.ISNA.ir/ISNA](http://www.ISNA.ir/ISNA) همچنین نگاه کنید به دانیل انگبر، «مشکل خبرگزاری دانشجویان ایرانی چیست؟»، اسلیت [Daniel Engber, *What's with the Iranian Student News*]، SLATE، ۲ فوریه ۲۰۰۶، قابل دسترسی در <http://www.slate.com/id/2135342/> (تاریخ دسترسی ۲۰ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۸۲</sup> اوپن نت اینیشیو، رک. زیرنویس ۱۱، ص. ۵؛ نسرین علوی، «ما ایران هستیم» ص. ۱ (۲۰۰۵). وبلاگ، نوعی یادداشت روزانه یا نشریه است که روی اینترنت منتشر می‌شود. همان.

<sup>۸۳</sup> در حال حاضر درخشان به خاطر آنچه که به نظر می‌رسد توهین به رهبری در وبلاگ شخصی او بوده، در ایران نگاهداشته می‌شود. «قوه قضاییه ایران بازداشت حسین درخشان را تأیید کرد»، بی.بی.سی. فارسی، ۳۰ دسامبر ۲۰۰۸، قابل دسترسی در [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2008/12/081230\\_ag\\_ib\\_derakhshan.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2008/12/081230_ag_ib_derakhshan.shtml) (تاریخ دسترسی ۲۰ آوریل ۲۰۰۹).

زمانی که روزنامه‌های فارسی و دیگر رسانه‌ها شروع به تأسیس سایتهای خود نموده بودند، به افزایش سرسام‌آور وبلاگهای شخصی منجر شد. در حالی که تخمین شمار وبلاگهای فارسی از هزاران تا ده‌ها هزار تفاوت دارد<sup>۸۴</sup> این موضوع غیرقابل انکار است که زبان فارسی بر روی شبکه جهانی اینترنت و به ویژه در وبلاگستان بیش از حد ارائه می‌شود.



حسین درخشان

از نظر بسیاری، حسین درخشان با روی اینترنت گذاشتن دستورالعمل به وجود آوردن وبلاگ به زبان فارسی، بیش از دیگران مسئول رشد سریع وبلاگستان فارسی بوده است. وی در ۱۱ آبان ۱۳۸۷ دستگیر شد و هنوز در زندان به سر می‌برد. وی هنوز در انتظار اعلام جرمی علیه خود می‌باشد، اما چند بار به وی اجازه داده‌اند که با خانواده خود تماس بگیرد.

ایرانیان تقریباً از هر قشری از جامعه به راحتی شروع به استفاده از این وسیله ارتباطی نمودند. در نتیجه وبسایتهای ایرانی و وبلاگها یک شبکه ارتباط عمومی پیچیده را روی اینترنت به وجود می‌آورند که متشکل از وبسایتهای و وبلاگهایی است که به بحث درباره موضوعات متفاوتی مانند سیاست، دین، ورزش، فیلم، هنر، فرهنگ، و به خصوص شعر اختصاص یافته‌اند.<sup>۸۵</sup> برای برخی دیگر از افراد وبلاگها به عنوان وسیله ارتباط با عزیزان خود در سراسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد، چه به طور مستقیم و چه به صورت ثبت فعالیتها و تفکرات آنها در یک دفتر خاطرات روزانه یا هفتگی. گفتگوهای سیاسی و عقیدتی بسیاری از مفسران که نشانگر همه نوع اعتقاد می‌باشد—از سکولار تا اصلاح‌طلب تا محافظه‌کار—موجود است و نظرات آنها را درباره موضوعات بیشماری از جمله حقوق بشر، مواد مخدر و محیط زیست، مطرح می‌سازد.<sup>۸۶</sup>

همانند کشورهای دیگر، سیاستمداران و ارگانهای دولتی ایران نیز شروع به استفاده از اینترنت نمودند. خبرگزاریهای تحت کنترل دولت اولین گزینندگان اینترنت بودند. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) در سال ۱۳۷۵ به اینترنت دست یافت و وبسایت خود را در سال ۱۳۷۶ تأسیس نمود. در سال ۱۳۸۲، محمد علی ابطی، معاون رئیس جمهور وقت محمد خاتمی، شروع به نوشتن وبلاگ موفق‌تری نمود که کماکان فعال می‌باشد. وی در وبلاگ خویش به در

میان گذاردن حکایات جالب و نگارش فعالیتهای روزمره خود پرداخته و از ناامیدیهای خود درباره سیاست ایران سخن می‌گوید.<sup>۸۷</sup> رهبر ایران نیز وبسایتی دارد که افراد می‌توانند سؤالات شرعی خود را در آن مطرح نمایند.

<sup>۸۴</sup> منابع از حدود بیست هزار تا تقریباً هفتاد هزار وبلاگ متغیر است. برای مثال نگاه کنید به علوی، رک. زیرنویس ۸۲، ص. ۱.  
<sup>۸۵</sup> جان کلی و بروس اتلینگ، مرکز اینترنت و جامعه برکمان (دانشگاه هاروارد)، «نقشه‌برداری عرصه مجازی ایران: سیاست و فرهنگ در وبلاگستان فارسی» [JOHN KELLY & BRUCE ETLING, BERKMAN CENTER FOR INTERNET & SOCIETY (HARVARD UNIVERSITY), ]، ص. ۷ (۲۰۰۸)، قابل دسترسی در [http://cyber.law.harvard.edu/publications/2008/Mapping\\_Irans\\_Online\\_Public](http://cyber.law.harvard.edu/publications/2008/Mapping_Irans_Online_Public) (تاریخ دسترسی ۲۰ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۸۶</sup> همان.

<sup>۸۷</sup> نازیلا فتحی، «یک روحانی ایرانی وبلاگ‌نویس اصلاح‌طلب شده است»، نیویورک تایمز [Nazila Fathi, *An Iranian Cleric Turns Blogger for Reform*, N.Y. TIMES, ۱۶ ژانویه ۲۰۰۸، قابل دسترسی در [http://www.nytimes.com/2005/01/16/international/middleeast/16iran.html?\\_r=1](http://www.nytimes.com/2005/01/16/international/middleeast/16iran.html?_r=1) (تاریخ دسترسی ۲۱ آوریل ۲۰۰۹)؛ همچنین نگاه کنید به <http://www.webneveshteha.com/> (تاریخ دسترسی ۲۱ آوریل ۲۰۰۹). ابطی در اعتراض از سمت خود استعفا نمود.

این وبسایت همچنین شامل آرشیو خبر، زندگینامه، کتابخانه قوانین اسلامی و آلبوم تصویر می‌باشد. همچنین دفتر ریاست جمهوری نیز دارای یک وبسایت است. اما با این حال از اواسط ۱۳۸۵ تا اواخر ۱۳۸۶ رئیس جمهور وقت احمدی‌نژاد نیز وبلاگ شخصی خود را بر وبسایت جداگانه‌ای اداره می‌کرد.<sup>۸۸</sup>

همانطور که انتظار می‌رفت فعالان و خبرنگاران نیز پس از مواجهه با سانسور در رسانه‌های مرسوم، به انتشار مطالب خود بر اینترنت روی آوردند.<sup>۸۹</sup> سینا مطلبی روزنامه‌نگاری که برای روزنامه‌های اصلاح‌طلب در تهران کار می‌کرد، وبلاگ خود را در ۱۳۸۰ آغاز نمود زیرا بالاخره آنجا بود که او توانست خود را «آزاد و بی سانسور» حس کند.<sup>۹۰</sup> آرش سیگارچی، روزنامه‌نگار و تهیه‌کننده روزنامه گیلان امروز، وبلاگ‌نویسی خود را در فروردین



**محمد علی ابطحی** رئیس فعلی «مؤسسه بین‌المللی گفتگوی ادیان» می‌باشد، سازمانی که با تشویق گفتمان میان ادیان مختلف، از نقش مذهب در ساختن تمدن بشری حمایت می‌کند. در زمان ریاست جمهوری خاتمی وی به عنوان رئیس دفتر و معاون رئیس جمهور خدمت نمود.

ابطحی از سال ۱۳۸۲ به نگارش وبلاگ پر طرفداری به نام وبنوشت پرداخت که در آن اخبار ملی و بین‌المللی و وقایع جاری را تفسیر می‌کند. وی در ۲۶ خرداد ۱۳۸۸، ۴ روز بعد از دهمین دور انتخابات ریاست جمهوری دستگیر شد و تا زمان انتشار این گزارش در زندان بود.

۱۳۸۱ آغاز نمود و چند ماهی پیش نگذشت که به قدرت این رسانه جدید پی برد:

۸ آذر ۱۳۸۱ بود. در شهر رشت یک دکلهای مخابراتی گذاشته بودند که مثلاً مال آنتن‌دهی تلفنهای همراه بود و در اصل برای پارازیت انداختن روی ماهواره‌ها بود که مردم نتوانند ماهواره‌ها را بگیرند. یکی از این دکلهای جایی گذاشته شده بود که مدرسه دخترانه بود و ممکن بود روی باروری دخترها در آینده تأثیر بگذرد. من روی این مسئله تحقیق کردم و یک گزارش بسیار جنجالی تهیه کردم و قرار

<sup>۸۸</sup> نگاه کنید به <http://www.ahmadinejad.ir/> (تاریخ دسترسی ۲۱ آوریل ۲۰۰۹). به نظر می‌رسد که آقای احمدی‌نژاد در حدود دسامبر ۲۰۰۷ وبلاگ‌نویسی را متوقف کرده است.

<sup>۸۹</sup> علوی، رک. زیرنویس ۸۲، ص. ۴۱؛ مارک گلیزر، «روزنامه‌نگار ایرانی وبلاگها را برای نقش کلیدی که در آزادی او از زندان داشتند ارج می‌نهد»، مروری بر گزارشگری آنلاین [Mark Glaser, Iranian Journalist Credits Blogs for Playing Key Role in His Release] <http://www.ojr.org/ojr/glaser/1073610866.php> [from Prison, ONLINE JOURNALISM REV. ۹ ژانویه ۲۰۰۴، قابل دسترسی در تاریخ دسترسی ۲۱ آوریل ۲۰۰۹]؛ به طور کلی نگاه کنید به شهادتنامه سیگارچی، رک. زیرنویس ۵۹.

<sup>۹۰</sup> کلارک بوید، «بهای که برای وبلاگ نویسی در ایران پرداخت شد» [Clark Boyd, The Price Paid for Blogging Iran]، بی.بی.سی.، ۲۱ فوریه ۲۰۰۵، قابل دسترسی در <http://news.bbc.co.uk/2/hi/technology/4283231.stm> (تاریخ دسترسی ۲۱ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «بهای پرداخته شده برای وبلاگ‌نویسی»]



آرش سیگارچی

آرش سیگارچی، روزنامه نگار، سردبیر و وبلاگنویس، در روز ۷ شهریور ۱۳۸۳ بازداشت شد و پیش از آنکه روز بعد آزاد گردد، مورد بازجویی و ضرب و شتم قرار گرفت. پس از برگزاری یک جلسه دادگاه در ۱۸ دی ۱۳۸۳ وی به جرایم بیشمار متهم گردیده و مجدداً در روز ۱۹ دی به زندان بازگردانده شد. وی مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفت و به ۱۴ سال حبس محکوم شد. پس از استیناف حکم وی به سه سال کاهش یافت و پس از تشخیص بیماری سرطان برای انجام مداوا آزاد شد. در حال حاضر او در واشنگتن دی.سی. اقامت دارد.

بود این گزارش توسط روزنامه ما چاپ بشود. شب قبل از توزیع، مدیر مسئول روزنامه‌ها را از چاپخانه جمع کرد و گفت که اگر این گزارش چاپ بشود روزنامه را توقیف می‌کنند. اما من می‌گفتم ارزش دارد که ما توقیف بشویم اما این خبر را گزارش بدهیم. وقتی که این گزارش را نتوانستم چاپ کنم، از لیج مدیر مسئول روزنامه همان شب آن را روی وبلاگم گذاشتم. سایتهای خبری خیلی سریع این خبر را پوشش دادند و شهرهای دیگر هم متوجه شدند که این اتفاق در آن مناطق هم افتاده است و نسبت به مسئله آگاه شدند. از این به بعد هر جا با مخالفت مدیر مسئول مواجه می‌شدم دیگر بحث نمی‌کردم و مطلب را مستقیم می‌گذاشتم روی وبلاگم.<sup>۹۱</sup>

این تحولات از چشم عناصر محافظه کار همسو با مقام رهبری که افزایش محبوبیت و تأثیر اینترنت را تهدید تلقی می‌کردند، دور نماند. آنها که درباره هرزه‌نگاری و نیز منابع خبری خارجی نگرانی‌هایی داشتند متوجه این مسئله شده بودند که از آنجایی که رسانه‌های مطبوعاتی داخلی از سال ۱۳۷۹ به طور سیستماتیک وادار به سکوت شده بودند، عقاید و اخبار ناراضیان و اصلاح‌طلبان به اینترنت منتقل شده بود.<sup>۹۲</sup>

## ۲. قوانین ایران در خصوص بیان عقیده در اینترنت

پاسخ جمهوری اسلامی ایران به گسترش اینترنت در ایران تغییر و تسلط بر چشم‌انداز شبکه اینترنت و بالا بردن بهای اظهارنظر در اینترنت بوده است. رژیم ایران از طریق فیلتر کردن،<sup>۹۳</sup> مسدود نمودن،<sup>۹۴</sup> و سانسور مطالب به صورت عمده‌ای شبکه اینترنت که در دسترس ایرانیان قرار می‌گیرد را تغییر داده و بر آن تسلط یافته است. رژیم همچنین از طریق دستگیری، بازداشت و شکنجه،

سعی در جلوگیری شدید از بیان دیدگاه‌های مخالف روی اینترنت می‌کند. با این همه رژیم از طریق به کار بستن قوانین کیفری نیز تلاش می‌نماید تا سلطه و کنترل خود را بر اینترنت قابل دسترسی ایرانیان تحمیل نماید. رژیم نه تنها از قانون رایج مطبوعات و قوانین آزادی بیان استفاده می‌کند، بلکه در حال وضع قوانین مخصوص اینترنت و نیز تشکیل چندین ارگان مسئول نظارت بر اینترنت می‌باشد. در نتیجه برای اینکه بتوانند بنیادین‌ترین

<sup>۹۱</sup> شهادتنامه سیگارچی، رک. زیرنویس ۵۹، پاراگراف ۶.

<sup>۹۲</sup> نگاه کنید به رحیمی، رک. زیرنویس ۹، ص. ۴۵ (درباره مهاجرت گروه‌های اصلاح‌طلب و طرفداران اصلاح‌طلبان به اینترنت گفتگو می‌کند).

<sup>۹۳</sup> مقصود از فیلتر، استفاده از نرم افزار فیلترکننده شبکه اینترنت، نرم افزار بازبینی محتوا، یا نرم افزار سانسور است که محتوایی که از طرق مختلف مانند استفاده از کلمات کلیدی در دسترس کاربر قرار می‌گیرد را محدود می‌نماید.

<sup>۹۴</sup> منظور از مسدود نمودن، هدف قرار دادن یک وبسایت به خصوص است به طوری که کاربران دیگر قادر به دستیابی به آن نباشند. این کار را می‌توان روی کامپیوترهای افراد در منازل آنها یا از طریق اداره کنندگان سیستمها یا از طریق رساها انجام داد.

حق خود یعنی ابراز عقیده روی اینترنت را انجام بدهند ایرانیان باید از یک مسیر پیچ در پیچ مملو از موانع اداری و حقوقی عبور نمایند.

این بخش، فهرستی است از قوانین مهم مطبوعاتی و مقررات مخصوص اینترنت که موانعی سر راه کاربران ایرانی گذارده است. بخش بعدی این گزارش، بخش ۳، به تشریح و تحلیل فعالیتهای رژیم در جهت کنترل و تسلط اینترنت قابل دسترسی ایرانیان از طریق مسدود نمودن، فیلتر کردن و سانسور آن می‌پردازد. بخش آخر، بخش ۴، دستگیری، بازداشت و شکنجه وبلاگ‌نویسها و گزارشگران را مستند می‌سازد.

## ۲.۱. قوانین مربوط به آزادی بیان

در غیاب قوانین جامعی که جرایم رایانه‌ای یا اینترنتی را مطرح سازد، قوه قضاییه وبسایتها را بسته و افراد وبلاگ‌نویس را بر اساس قوانین متداول از جمله قانون مطبوعات و قانون مجازات اسلامی که هر دوی آنها رسانه‌های گروهی الکترونیک را در بر می‌گیرند، تحت پیگرد قرار داده است.

### ۲.۱.۱. قانون مطبوعات

قانون مطبوعات که در سال ۱۳۶۵ به تصویب رسید و در ۳۰ فروردین ۱۳۷۹ اصلاح گردید، تمام «نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف ... منتشر می‌شوند»<sup>۹۵</sup> را شامل می‌گردد. مطبوعات حق دارند «نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند». هر یک از نشریات باید حداقل در تحقق یکی از پنج مورد ذیل سهیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و «در مسیر جمهوری اسلامی باشد».<sup>۹۶</sup> این پنج هدف عبارتند از:

أ) روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده یک؛

ب) پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است؛

ج) تلاش برای نفی مرزبندیهای کاذب و تفرقه‌انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته بندی مردم بر اساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و غیره؛

د) مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تبذیر، لغو، تجمل پرستی، اشاعه فحشا و ...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی؛ و

ه) حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی - نه غربی.

<sup>۹۵</sup> قانون مطبوعات، ۱۳۶۴ [مصوب ۱۳۶۴، اصلاح ۱۳۷۹]. ماده ۱، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/iraniancodes.htm> [از این به بعد: «قانون مطبوعات»].

<sup>۹۶</sup> همان، ماده ۲، تبصره.

ماده ۶ قانون مطبوعات تصریح می‌دارد که رسانه‌ها مجازند «به جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی» به نشر مطالب آن طور که در این ماده شرح داده شده بپردازند. موارد ممنوعه عبارتند از:

- نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند؛
- تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج؛
- اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع تقلید؛ و
- انتشار مطلب علیه قانون اساسی.

برای انتشار نشریه پروانه نشر باید از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اخذ بشود. فرد واجد شرایط اخذ پروانه باید حداقل ۲۵ سال سن داشته باشد، دارای وضعیت مالی تثبیت شده باشد، به «فساد اخلاق» مشتهر نباشد، دارای صلاحیت علمی در حد لیسانس باشد و به قانون اساسی پایبند باشد.<sup>۹۷</sup> هر فردی که در اجتماعی به طرفداری از رژیم گذشته سخنرانی کرده باشد، از انتشار نشریه ممنوع است.<sup>۹۸</sup>

مطابق قانون، «هیئت نظارت بر مطبوعات» تشکیل می‌شود که شامل «افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و مؤمن به انقلاب اسلامی» می‌باشد. هیئت نظارت بر مطبوعات می‌تواند به تخلفات مطبوعات رسیدگی نماید. اصلاحیه سال ۱۳۷۹ به هیئت نظارت بر مطبوعات این اختیار را اعطا می‌نماید که یک نشریه را تعطیل نموده و در عرض چند هفته پرونده را جهت پیگرد قانونی به دادگاه تقدیم نماید.<sup>۹۹</sup> قانون مقرر می‌کند که جرایم «می‌توانند به وسیله دادگاه‌های صالحه عمومی یا انقلابی بر طبق قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی، مورد محاکمه قرار گیرند» و «در هر حال دادگاه باید علنی و با حضور هیئت منصفه برگزار گردد».<sup>۱۰۰</sup>

اصلاحیه سال ۱۳۷۹ همچنین گستره قانون مطبوعات را توسعه داده تا آنجا که تمام نشریات الکترونیکی را نیز فرا گیرد.<sup>۱۰۱</sup> اگر نوشته‌های وبلاگ‌نویسان و گزارشگران بر روی اینترنت، «انتشار» محسوب می‌شوند، پس آنها باید از هیئت نظارت بر مطبوعات پروانه اخذ نمایند. با وجود صلاحدید حق اعمال قضاوت شخصی که بر اساس قانون مطبوعات به ارگانهای نظارتی اعطا گردیده، بررسی سوابق پیگرد وبلاگ‌نویسان توسط رژیم، نشان می‌دهد که محاکم قضایی از انجام پیگرد بر اساس این قانون خودداری می‌کنند. این احتمالاً به این سبب است که اصل ۱۶۸ قانون اساسی ایران مصرح می‌دارد که «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت

<sup>۹۷</sup> همان، ماده ۹.

<sup>۹۸</sup> همان، ماده ۹، تبصره ۵.

<sup>۹۹</sup> همان، ماده ۱۲، تبصره.

<sup>۱۰۰</sup> همان، ماده ۳۴.

<sup>۱۰۱</sup> همان، ماده ۱، تبصره ۳.

منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد.<sup>۱۰۲</sup> برای فرار از الزام داشتن یک دادگاه علنی و هیئت منصفه، دادستانها عموماً هنگامی که افراد را به دلیل فعالیتهای آنها در زمینه ابراز عقاید و نظرات هدف قرار می‌دهند، جرایمی را بر علیه افراد اعلام می‌کنند که بر اساس قانون مجازات اسلامی که به مراتب محدودتر است باشد و نه اساس قانون مطبوعات.<sup>۱۰۳</sup>

قانون مطبوعات آشکارا ناقض تعهدات حقوقی بین‌المللی ایران است. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آزادی بیان عقیده سیاسی را تضمین می‌نماید.<sup>۱۰۴</sup> این ماده می‌گوید:

۱. همه حق داشتن عقیده بدون دخالت دیگران را دارا می‌باشند.
۲. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به محدودیتهای مرزی، شفاهاً یا کتباتاً به صورت چاپ یا هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود شخص می‌باشد.
۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیتهای خاصی است و لذا ممکن است تابع محدودیتهای معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

(أ) احترام حقوق یا حیثیت دیگران؛

(ب) حفظ امنیت یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

کمیته حقوق بشر<sup>۱۰۵</sup> این نکته را کاملاً روشن نموده است که همراه با ماده ۲۵، ماده ۱۹ تأیید می‌کند که شهروندان باید از حق دستیابی گسترده به اطلاعاتی که به آنها اجازه دهد در محدوده اجتماعی و سیاسی جامعه خود مشارکت داشته باشند، برخوردار گردند.<sup>۱۰۶</sup>

---

<sup>۱۰۲</sup> قانون اساسی ایران، رک. زیرنویس ۴۸، اصل ۱۶۸؛ قانون مطبوعات، رک. زیرنویس ۹۵، مواد ۴۴-۳۶. اصل ۱۶۸ قانون اساسی ایران ملزم می‌دارد که دولت به منظور محافظت از زندانیان سیاسی «جرائم سیاسی» را دقیقاً تعریف نماید. اما علیرغم این فرمان، دولت در تصویب قوانینی که این مورد خاص را تعیین کند، ناکام مانده است. بنا بر عقیده مهرانگیز کار حقوقدان ایرانی، ناتوانی دولت در تعریف جرایم سیاسی، امکان سوءاستفاده رژیم از این سیستم برای سرکوب مخالفان سیاسی را میسر ساخته است. مهرانگیز کار، «خاموش کردن صدای دگراندیشان: تجزیه و تحلیل حقوقی»، صص. ۱۵-۱۴ (انتشار توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۲۰۰۷، قابل دسترسی در [www.iranhrdc.org](http://www.iranhrdc.org)).

<sup>۱۰۳</sup> نگاه کنید به قانون مطبوعات، رک. زیرنویس ۹۵، ماده ۱، تبصره ۲؛ نگاه کنید به «نامه شاهرودی درباره توقیف سایتهای اینترنتی»، بی.بی.سی. فارسی، ۱۳۸۷/۶/۹، قابل دسترسی در [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2008/08/080830\\_shahroudi\\_filtering.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2008/08/080830_shahroudi_filtering.shtml) (تاریخ دسترسی ۲۲ آوریل ۲۰۰۹) (که درباره تلاش دادستان کل تهران برای به محاکمه کشیدن اداره کنندگان پایگاه‌ها بر اساس قانون مجازات اسلامی و نه قانون مطبوعات گفتگو می‌کند). اما با این حال باید توجه داشت که قانون مطبوعات هم به قانون مجازات اسلامی ارجاع می‌دهد. برای مثال نگاه کنید به قانون مطبوعات، رک. زیرنویس ۹۵، ماده ۶، تبصره ۲.

<sup>۱۰۴</sup> «نکالولا امپاندانجیلا و همکاران بر علیه زئیر» [Nqalula Mpandanjila et al. v. Zaire]، پیام شماره ۱۳۸/۱۹۸۳ (۲۶ مارس ۱۹۸۶)، سند سازمان ملل Supp. No. 40 (A/41/40) بخش ۱۲۱ (۱۹۸۶)، «هنری کالنگا علیه زامبیا» [Henry Kalenga v. Zambia]، پیام شماره ۳۲۶/۱۹۸۸، سند سازمان ملل CCPR/C/48/D/326/1988، «آدویوم و همکاران علیه توگو» [Aduayom et al. v. Togo]، پیامهای شماره ۴۲۳/۱۹۹۰، ۴۲۴/۱۹۹۰ و ۴۲۳/۱۹۹۰، پیامهای شماره ۴۲۳/۱۹۹۰ و ۴۲۴/۱۹۹۰.

<sup>۱۰۵</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل برای نظارت بر پیروی کشورها از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تأسیس شد. این کمیته می‌تواند درباره مکاتبات دریافتی از شهروندانی که مدعی لطمه خوردن در نتیجه نقض حقوق تضمین شده توسط این میثاق می‌باشند و کشورهای متبوع آنها



اختیارات وسیع هیئت نظارت بر مطبوعات بر پایه اعمال قضاوت شخصی برای اعطاء و لغو پروانه به افراد، و ارجاع پرونده‌ها برای پیگرد قانونی، ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را نقض می‌نماید. بر اساس قانون مطبوعات، هیئت نظارت بر مطبوعات می‌تواند بر اساس یک چنین تخلفات گنگ و مبهمی مانند نشر مطالب مخالف موازین اسلامی، ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند، تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران، اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید، و انتشار مطلب علیه قانون اساسی، از یک متقاضی سلب صلاحیت کرده و یا او را [به دادگاه] ارجاع دهد.<sup>۱۰۷</sup> داشتن چنین اختیاری بر پایه اعمال قضاوت شخصی برای اعطاء و لغو پروانه بدون طی هیچگونه مراحل برای بررسی مؤثر پرونده، مانع و رادعی اساسی در راه بهره‌مندی از آزادی بیان است.<sup>۱۰۸</sup>

ممنوعیتهای مبهم مذکور در این مقررات، قوانین بین‌المللی را نیز نقض می‌کنند.<sup>۱۰۹</sup> فهرست گسترده مطالب ممنوعه، به شدت بیان نظراتی که مرتبط با هرزه‌نگاری، امنیت ملی و یا هر دلیل ظاهراً موجه دیگری که برای محدود ساختن بیان عقیده قانونی جلوه می‌کنند را سرکوب می‌کند. بر طبق قانون مطبوعات، اکثر فلسفه‌های سیاسی، بخش بزرگی از قانون ایران و بسیاری از رهبران مهم سیاسی، موضوعات ممنوعه می‌باشند. علاوه بر آن حتی اگر این محدودیتهای شدید مجاز هم باشند، اینقدر مبهم و نامشخص هستند که بی‌معنی بوده و بنابراین قابل اجرا نیستند. این قوانین قادر نیستند برای شهروندان ایرانی توضیحات کافی ارائه دهند که چه موضوعاتی مجاز نیستند، و در نتیجه دستگیریه‌ها و محاکمات خودسرانه را تشویق می‌کنند.

نیاز به ثبت نام به ویژه در مورد وبلاگ‌نویسان محدودیت ایجاد می‌کند. اگرچه کمیته حقوق بشر در مورد ثبت نام وبلاگ‌نویسان هیچ موردی را بررسی ننموده است اما درباره حدود ثبت نام در موارد مشابه، احکامی را صادر نموده است: پخش جزوات. در مورد پرونده لپتزوویچ علیه بلاروس، کمیته حقوق بشر حکم کرد که فردی که در یک میدان عمومی جزوه پخش می‌کند نباید مجبور به ثبت نام جزوه بشود و اینکه چنین نیازی مطابق ماده ۱۹

---

تصویب‌کننده تفاهم نامه اختیاری این میثاق هستند اظهارنظر نماید. ایران این تفاهم نامه اختیاری را تصویب نموده است. نگاه کنید به میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۲۴، مواد ۴۵-۲۸.

<sup>۱۰۶</sup> «رابرت و. گوتیر علیه کانادا» [Robert W. Gauthier v. Canada]، پیام شماره ۶۳۳/۱۹۹۵، سند سازمان ملل CCPR/C/65/D/633/1995، پاراگراف ۱۳/۴ (۵ مه ۱۹۹۹) («شهروندان باید به اطلاعات، به ویژه از طریق رسانه‌ها دسترسی گسترده داشته و امکان یابند اطلاعات و نظرات درباره فعالیتهای ارگانهای انتخابی و اعضاء آنها را منتشر سازند»). ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی تضمین می‌نماید: «هر شهروند باید بدون در نظر گرفتن هیچیک از تبعیضات مذکور در ماده ۲، و نیز بدون محدودیتهای غیرمعقول حق و امکان داشته باشد».<sup>۱۰۷</sup> قانون مطبوعات، رک. زیرنویس ۹۵، ماده ۶.

<sup>۱۰۸</sup> نتیجه مشاهدات کمیته حقوق بشر: لسوتو [Concluding observations of the Human Rights Committee: Lesotho]، سند سازمان ملل CCPR/C/79/Add.106، پاراگراف ۲۳ (۱۹۹۹)، قابل دسترسی در [http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/\(Symbol\)/CCPR.C.79.Add.106.En?Opendocument](http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/(Symbol)/CCPR.C.79.Add.106.En?Opendocument)

<sup>۱۰۹</sup> برای مثال نگاه کنید به قانون مطبوعات، رک. زیرنویس ۹۵، ماده ۲، تبصره. این تبصره می‌گوید: «هر یک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق‌الذکر سهمیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد».

پاراگراف ۳ قانونی نیست.<sup>۱۱۰</sup> مشابهاً، وبلاگها نیز توسط مردم و برای ابراز نظرات و عقاید شخصی آنها منتشر می‌شوند. الزام شدید به ثبت نام مانعی می‌سازد که ضرورت نداشته و شدیداً آزادی وبلاگ‌نویسها را برای بیان نظرات خود و نیز حقوق دیگران را برای دریافت نظرات آنها محدود می‌سازد.

## ۲،۱،۲. قانون مجازات اسلامی

رژیم ایران همچنین به قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی تکیه نموده تا به این ترتیب ابراز عقاید در اینترنت را شدیداً سرکوب کند. مجازاتهای کیفری برای انتقاد از رژیم و مخالفت با آن، چه واقعی و چه تخیلی، کاملاً فراگیر است. وبلاگ‌نویسان و گزارشگران اینترنتی، به جرایم جدی متهم و محکوم گردیده‌اند از جمله به مخاطره انداختن امنیت ملی،<sup>۱۱۱</sup> توهین به چهره‌های مقدس اسلام یا مقام رهبری،<sup>۱۱۲</sup> تبلیغ بر علیه رژیم،<sup>۱۱۳</sup> عضویت در گروههای براندازی رژیم،<sup>۱۱۴</sup> و جاسوسی به نفع اجانب.<sup>۱۱۵</sup> علاوه بر آن، مقررات قانون مجازات عمومی انتقاد از مقامات دولتی، چه منتخب و چه منصوب، در سمتهای عالی و یا پایین، را غیرقانونی اعلام می‌کند.<sup>۱۱۶</sup> این قانون همچنین هجو کردن و بدنام ساختن افراد را نیز جرم می‌شناسد.<sup>۱۱۷</sup>

مطابق ماده ۱۹، پاراگراف ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آن طور که توسط کمیته حقوق بشر تعریف شده، جرم شناختن هر نوع انتقاد از جمهوری اسلامی، نمی‌تواند تعریفی از «ضرورت» ارائه دهد.<sup>۱۱۸</sup> پاراگراف ۳ تصریح می‌کند که قانون باید به منظور احترام به حقوق و حیثیت دیگران یا برای امنیت ملی، محدودیتهایی قائل

---

<sup>۱۱۰</sup> «ولادیمیر پتروویچ لپتسوویچ علیه بلاروس» [Vladimir Petrovich Laptsevich v. Belarus]، پیام شماره ۷۸۰/۱۹۹۷، سند سازمان ملل CCPR/C/68/D/780/1997، پاراگراف ۸،۱ (۲۰۰۰).

<sup>۱۱۱</sup> قانون مجازات اسلامی جرایم علیه امنیت ملی را عنوان می‌نماید. قانون مجازات اسلامی، رک. زیرنویس ۶۳، مواد ۴۹۸-۵۱۲. این شامل ماده ۴۹۸ (که برای توطئه‌چینی با فرد یا افراد دیگر به منظور برهم زدن امنیت ملی کشور دو تا سه سال حبس در نظر می‌گیرد)، ماده ۴۹۹ (که برای فردی که عضو یکی از گروه‌های مذکور در ماده ۴۹۸ باشد از سه ماه تا پنج سال حبس در نظر می‌گیرد مگر آنکه ثابت بشود از اهداف آن گروه بی‌اطلاع بوده)، و ماده ۵۰۰ (که برای هر کس که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم شده) می‌شود. مقررات مربوط به امنیت ملی همچنین اعمالی که جاسوسی به حساب می‌آید را هم مطرح می‌سازد. برای مثال نگاه کنید به همان، مواد ۵۰۱-۵۱۰، و ترغیب دیگران به برهم زدن امنیت ملی. برای مثال نگاه کنید به مواد ۵۰۴، ۵۱۲. برای مقررات امنیت ملی مطروحه در قانون مجازات اسلامی، «گروه» از تجمع دو نفر یا بیش از آن تعریف شده است. همان، مواد ۶۱۰-۶۱۱.

<sup>۱۱۲</sup> قانون مجازات اسلامی توهین به چهره‌های مقدس مذهبی (یعنی ائمه، پیامبران بزرگ و خانواده ایشان و غیره) را جرم می‌شناسد. اگر این توهینها به حضرت محمد باشد، مجازات آن مرگ خواهد بود. در غیر این صورت فرد به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد. همان، ص. ۵۱۳. توهین به آیت‌الله خمینی یا مقام رهبری از شش ماه تا دو سال حبس خواهد داشت. همان، ماده ۵۱۴.

<sup>۱۱۳</sup> همان، ماده ۵۰۰ («هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد»).

<sup>۱۱۴</sup> همان، ماده ۴۹۹.

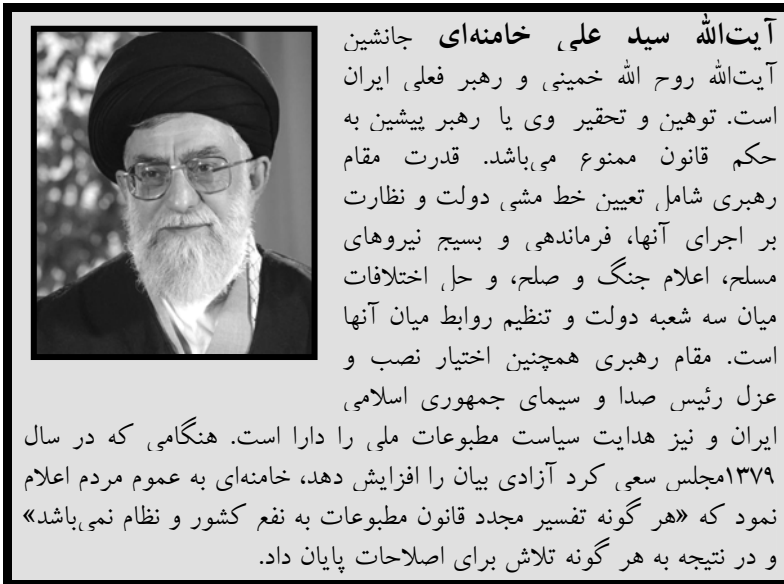
<sup>۱۱۵</sup> همان، مواد ۵۰۲-۵۰۱.

<sup>۱۱۶</sup> همان، ماده ۶۰۹.

<sup>۱۱۷</sup> برای مثال نگاه کنید به همان، ماده ۷۰۰ («هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود»).

<sup>۱۱۸</sup> «رافائل مارکوس دمورایس علیه آنگولا» [Rafael Marques de Morais v. Angola]، پیام شماره ۱۱۲۸/۲۰۰۲، سند سازمان ملل CCPR/C/83/D/1128/2002، پاراگراف ۶،۸ (۲۰۰۵) [از این به بعد: «مورایس علیه آنگولا»].

شود.<sup>۱۱۹</sup> در پرونده کیم علیه جمهوری کره، کمیته حقوق بشر حق مردی که مطالبی منتشر ساخته و در آن دولت کره جنوبی را علاوه بر اتهامات مختلف، «رژیم نظامی ارتجاعی» نامیده بود را ابرام نمود.<sup>۱۲۰</sup> این کمیته توضیح داد که کره جنوبی نتوانسته است ثابت نماید که اعمال این مرد، تهدید جدی بر علیه امنیت ملی ایجاد کرده است.<sup>۱۲۱</sup> با وجود اینکه این مرد قبلاً هم به شرکت در تظاهرات غیرقانونی و راه اندازی اعمال خشونت آمیز محکوم شده بود.<sup>۱۲۲</sup>



**آیت‌الله سید علی خامنه‌ای** جانشین آیت‌الله روح الله خمینی و رهبر فعلی ایران است. توهین و تحقیر وی یا رهبر پیشین به حکم قانون ممنوع می‌باشد. قدرت مقام رهبری شامل تعیین خط مشی دولت و نظارت بر اجرای آنها، فرماندهی و بسیج نیروهای مسلح، اعلام جنگ و صلح، و حل اختلافات میان سه شعبه دولت و تنظیم روابط میان آنها است. مقام رهبری همچنین اختیار نصب و عزل رئیس صدا و سیمای جمهوری اسلامی

ایران و نیز هدایت سیاست مطبوعات ملی را دارا است. هنگامی که در سال ۱۳۷۹ مجلس سعی کرد آزادی بیان را افزایش دهد، خامنه‌ای به عموم مردم اعلام نمود که «هر گونه تفسیر مجدد قانون مطبوعات به نفع کشور و نظام نمی‌باشد» و در نتیجه به هر گونه تلاش برای اصلاحات پایان داد.

در این مورد نیز مشابهاً حتی اگر جلوگیری از توهین به مقام رهبری، جزء منافع قانونی جمهوری اسلامی باشد، حدود اینگونه محدودیت بیان باید با ارزش این منافع متناسب باشد.<sup>۱۲۳</sup> در پرونده‌ای که مربوط به چند خبر درباره انتقاد از رئیس جمهور آنگولا می‌شد، کمیته حقوق بشر توضیح داد که مجازاتهای زندان برای توهین به نمادهای کشور

(مانند رئیس جمهور) را نمی‌توان متناسب دانست زیرا افراد چه حیات داشته باشند و چه وفات کرده باشند، به عنوان چهره‌های مردمی محسوب می‌گردند و موضوع انتقاد و مخالفت قرار می‌گیرند.<sup>۱۲۴</sup> بنابراین محکوم کردن رافائل مارکوس موریاس به «افترا و تهمت به عالیجناب رئیس جمهور» بر اساس چند مقاله که رئیس جمهور آنگولا را به نابود ساختن ملت، و ترویج بی‌لیاقتی، اختلاس و فساد متهم می‌نماید، نقض قوانین بین‌المللی محسوب شد.<sup>۱۲۵</sup>

<sup>۱۱۹</sup> میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۲۴، ماده (۳) ۱۹.

<sup>۱۲۰</sup> «کیون- تای کیم علیه جمهوری کره» [Keun-Tae Kim v. Republic of Korea]، پیام شماره ۵۷۴/۱۹۹۴، سند سازمان ملل CCPR/C/64/D/574/1994، پاراگراف ۱۰،۴ و ۱۲،۵ (۱۹۹۹) [از این به بعد: «کیم علیه جمهوری کره»]. همچنین نگاه کنید به «درگاجف علیه بلاروس» که در آن کمیته حقوق بشر اعلام کرد نصب پستری که بر روی آن به شهروندان گفته شده بود «دیگر به دروغهای [دولت] گوش فرا ندهید» کاملاً جزو حقوق یک فرد می باشد. «لکساندر درگاجف علیه بلاروس» [Alexandre Dergachev v. Belarus]، پیام شماره ۹۲۱/۲۰۰۰، سند سازمان ملل CCPR/C/74/D/921/2000، پاراگراف ۱،۲ (۲۰۰۲).

<sup>۱۲۱</sup> همان، پاراگراف ۱۰،۴.

<sup>۱۲۲</sup> همان، پاراگراف ۴،۲.

<sup>۱۲۳</sup> «موریاس علیه آنگولا»، رک. زیرنویس ۱۱۸، پاراگراف ۶،۸.

<sup>۱۲۴</sup> همان، پاراگراف ۶،۸. همچنین نگاه کنید به «نتیجه مشاهدات کمیته حقوق بشر: تاجیکستان»، [Concluding observations of the Human Rights Committee: Tajikistan]، سند سازمان ملل CCPR/CO/84/TJK، پاراگراف ۲۲ (۲۰۰۵)، که در آن کمیته حقوق بشر در مورد وجود جرایمی که آزادی بیان را محدود می‌سازد، مانند «آسیب رساندن به شأن و مقام رئیس جمهور» اظهار نگرانی نمود.

<sup>۱۲۵</sup> «رافائل مارکوس موریاس علیه آنگولا»، رک. زیرنویس ۱۱۸، پاراگراف ۲،۶.

کمیته حقوق بشر چنین دریافته که قوانینی که آزادی بیان را جرم می‌دانند، گفتمان سیاسی را متوقف می‌سازند<sup>۱۲۶</sup> و از دولتها مصرماً خواسته است تا این قوانین را منسوخ نموده و راههای دیگری برای اطمینان یافتن از مسئولیت‌پذیری مطبوعات بیابند.<sup>۱۲۷</sup> با منعکس نمودن این دیدگاه در سال ۱۳۸۳، هیئت ویژه حل اختلاف سازمان ملل در خصوص حق آزادی بیان و عقیده، مصرانه از ایران خواست از مجازات زندانی نمودن افرادی که نظرات صلح‌جویانه خود را بیان می‌دارند خودداری نماید.<sup>۱۲۸</sup> وی توضیح داد که ابزار مناسب برای برخورد با سوء استفاده از آزادی بیان، طرح دعوی مدنی بوده و نیز در حالی که مجازات حبس واضحاً نامتناسب می‌باشد، شلاق زدن حتی از آن هم بدتر است و می‌تواند رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و یا حتی شکنجه به حساب آید.<sup>۱۲۹</sup>

### ۲،۱،۳. قوانین دیگر

نماینده هیئت ویژه حل اختلاف همچنین متوجه گردید که آزادی بیان در ایران نه تنها مطابق قانون مطبوعات و قانون مجازات عمومی مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد بلکه بر اساس قانون اقدامات تأمینی تحت پیگرد قرار می‌گیرد.<sup>۱۳۰</sup> این قانون که در سال ۱۳۳۹ برای برخورد با مجرمین خطرناک و متخلفین سابقه دار به تصویب رسیده، مکرراً برای منع انتشار مطبوعات برای مدت زمان نامعلوم، به کار گرفته شده است.<sup>۱۳۱</sup> ماده ۱ مقرر می‌دارد که دادگاهها برای جلوگیری از تکرار جرم درباره مجرمین خطرناک، می‌توانند محدودیتهایی را تحمیل نمایند. مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتكابی، آنان را در مضان ارتكاب جرم در آینده قرار دهد. صدور حکم اقدام تأمینی وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد.<sup>۱۳۲</sup>

علاوه بر آن، روحانیون مطابق آیین نامه دادرها و دادگاههای ویژه روحانیت محاکمه می‌گردند. بر اساس ماده ۱۸، «هر فعلی یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه یا احکام شرعیه قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و

<sup>۱۲۶</sup> «نتیجه مشاهدات کمیته حقوق بشر: کرواسی» [Concluding observations of the Human Rights Committee: Croatia]، سند سازمان ملل CCPR/CO/71/HRV، پاراگراف ۱۷ (۲۰۰۱).

<sup>۱۲۷</sup> «نتیجه مشاهدات کمیته حقوق بشر: زامبیا» [Concluding observations of the Human Rights Committee: Zambia]، سند سازمان ملل CCPR/C/ZMB/CO/3، پاراگراف ۲۵ (۲۰۰۷).

<sup>۱۲۸</sup> گزارش لیگابو، رک. زیرنویس ۶۶، ص. ۲.

<sup>۱۲۹</sup> همان، پاراگرافهای ۳۳-۳۴.

<sup>۱۳۰</sup> قانون اقدامات تأمینی ۱۳۳۹، ماده ۱ («اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند. مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتكابی آنان را در مضان ارتكاب جرم در آینده قرار دهد از این که قانوناً مسئول باشند یا غیرمسئول. صدور حکم اقدام تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد»).

<sup>۱۳۱</sup> گزارش لیگابو، رک. زیرنویس ۶۶، پاراگراف ۴۲.

<sup>۱۳۲</sup> همان.

تربیتی باشد، جرم محسوب می‌گردد».<sup>۱۳۳</sup> تبصره الحاقی این ماده سپس اضافه می‌نماید که «اعمالی که عرفاً موجب هتک حیثیت روحانیت و انقلاب اسلامی باشد، برای روحانیون جرم تلقی می‌شود».<sup>۱۳۴</sup>

دیگر قوانین هم صرفاً توسط ارگانهای دولتی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی اعلام می‌شوند. برای مثال در بهمن ۱۳۸۱ شورای عالی امنیت ملی دستور داد اعضای مطبوعات از صحبت کردن با یک سری از رسانه‌های خارجی از جمله رادیو فردا ممنوع می‌باشند.<sup>۱۳۵</sup>

## ۲.۲. قوانین مخصوص اینترنت

ریشه پاسخ قانونی جمهوری اسلامی به اینترنت در فرمان اردیبهشت ۱۳۸۰ رهبر ایران با عنوان «سیاستهای کلی شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای» قرار دارد. وی دستور داد که دستیابی به شبکه جهانی اینترنت باید فقط به وسیله نهادهای مجاز صورت گیرد.<sup>۱۳۶</sup> در پاسخ به این دستور، شورای عالی انقلاب فرهنگی تا آبان ۱۳۸۰، قطعنامه‌ای به نام «مقررات و ضوابط مربوط به شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای»<sup>۱۳۷</sup> را تهیه نمود. این مصوبه دستور می‌داد که نقطه تماس بین‌المللی (ASP) تحت کنترل دولت انجام گیرد و رساها یا واحدهای ارائه کننده خدمات اطلاع رسانی (ISP) تمام وبسایتهای ضد دولت و ضد اسلام را از شبکه‌های اطلاع رسانی خود حذف نمایند.<sup>۱۳۸</sup> این مصوبه همچنین از رساها می‌خواست از فناوری فیلتر کردن بهره جسته و با استفاده از اینترنت مشتریان خود را زیر نظر گرفته و سوابق آنها را ضبط نمایند.<sup>۱۳۹</sup> این قطعنامه در پایان مشخص می‌ساخت که افرادی که برای دریافت مجوز رسا اقدام می‌کنند نباید عضو گروه‌های غیرقانونی یا ضد انقلاب باشند. برای

---

<sup>۱۳۳</sup> آیین نامه داسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت، ۱۳۸۴ [مصوب ۱۳۶۹، اصلاح ۱۳۸۴]، ماده ۱۸، قابل دسترسی در [http://daneshpajuh.ir/Ghavanin/Ghavanin\\_6\\_1.html](http://daneshpajuh.ir/Ghavanin/Ghavanin_6_1.html) (تاریخ دسترسی ۲۲ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۳۴</sup> همان.

<sup>۱۳۵</sup> شهادتنامه سیگارچی، رک. زیرنویس ۵۹، پاراگراف ۸؛ مصاحبه با روزبه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.

<sup>۱۳۶</sup> مرکز آموزش و تحقیقات اداره مرکزی آمار ایران، «گزارشی درباره وضعیت اینترنت در ایران» [IRAN'S CSOS TRAINING & RESEARCH CENTER, A REPORT ON THE STATUS OF THE INTERNET IN IRAN] ص. ۸ (۲۰۰۵)، قابل دسترسی در [http://www.frontlinedefenders.org/files/en/2506\\_Report%20on%20Internet%20Access%20in%20Iran.pdf](http://www.frontlinedefenders.org/files/en/2506_Report%20on%20Internet%20Access%20in%20Iran.pdf) (تاریخ دسترسی ۲۲ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۳۷</sup> ۲۲ آوریل ۲۰۰۹ [از این به بعد: «گزارش مرکز تحقیقات»].

<sup>۱۳۸</sup> نگاه کنید به مقررات ۱۵ آبان ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی (درباره مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای) (ایران)، قابل دسترسی در <http://www.iranculture.org/provs/view.php?id=1230> (تاریخ دسترسی ۲۲ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۳۹</sup> در ایران شرکتهای ASP (نقطه تماس بین‌المللی) برای رساها پهنای باند تهیه می‌کنند و آنها هم سپس این حسابها را به کاربران می‌فروشند. رحیمی، رک. زیرنویس ۹، ص. ۴۶. وبسایتهای اجازه ندارند مطالبی منتشر سازند که با مبانی اسلام، ارزشهای انقلابی، افکار امام خمینی یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد یا به آنها توهین نماید. آنها همچنین از انتشار مطالبی که انسجام ملی را به خطر اندازد، در میان مردم نسبت به مشروعیت یا کارایی دولت حاکمه ایجاد بدبینی نماید، تصویر خوبی از گروه‌های غیرقانونی ارائه دهد، اطلاعات محرمانه را افشا نماید یا منکراتی از قبیل کشیدن سیگار را تشویق نماید، منع می‌باشند. گزارش مرکز تحقیقات، رک. زیرنویس ۱۳۶، ص. ۹.

<sup>۱۴۰</sup> همان، ص. ۸.

دریافت مجوز، متقاضی باید تابعیت ایرانی داشته باشد، به قانون اساسی پایبند باشد، و به یکی از ادیان شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی معتقد باشد.<sup>۱۴۱</sup>

## ۲،۲،۱. قانون جرایم رایانه‌ای

در اواخر ۱۳۸۰ آیت‌الله شاهرودی رئیس قوه قضاییه، کمیته‌ای را برای مبارزه با جرایم رایانه‌ای تشکیل داد تا روی قانون جرایم رایانه‌ای کار کند،<sup>۱۴۲</sup> و پیشنهاد نمود که دادگاه جدیدی برای رسیدگی به تخلفات رایانه‌ای تشکیل گردد.<sup>۱۴۳</sup> این کمیته در سال ۱۳۸۵ پیش‌نویس قانون جزای جرایم رایانه‌ای را تهیه و به مجلس تقدیم نمود.<sup>۱۴۴</sup> اگرچه قسمت اعظم مقررات پیش‌نویس این لایحه در خصوص مسائلی از قبیل ایمنی اطلاعات می‌باشد، اما چندین ماده مهم آن مستقیماً بر آزادی بیان در اینترنت تأثیر می‌گذارد. برای مثال فصل چهارم (مواد ۱۷-۱۳) جرایم مربوط به محتوا را تعریف می‌کند.<sup>۱۴۵</sup>

ماده ۱۴ تولید، ارسال و انتشار محتویات «مستهجن» را غیرقانونی می‌داند.<sup>۱۴۶</sup> ماده (۳) ارتکاب به «جرایم علیه عفت» و یا دیگر اعمال غیرقانونی یا خشونت‌آمیز و تحریک دیگران به ارتکاب چنین جرایمی را جرم می‌شناسد.<sup>۱۴۷</sup> ماده ۱۷ نشر «کاذب» که سبب «تشویش اذهان عمومی» گردد را غیرقانونی اعلام می‌کند. ماده ۱۸ تصریح می‌کند که چنانچه رساها از مخبره محتویات ممنوعه جلوگیری نکنند، قابل مجازات خواهند بود. آنها باید محتویات غیرقانونی را به مقامات نیروهای انتظامی گزارش نموده و اقدامات لازم را برای ممانعت از ارسال آن انجام داده و در صورت امکان، محتوای مجرمانه را از سیستم حذف نمایند.<sup>۱۴۸</sup>

در آذر ماه ۱۳۸۷ مرتضوی دادستان کل تهران اعلام نمود که اداره دادستانی، شعبه ویژه‌ای برای جرایم رایانه‌ای و اینترنتی تأسیس نموده است.<sup>۱۴۹</sup> این بخش قبل از تأیید پیش‌نویس قانون مزبور تأسیس یافت.<sup>۱۵۰</sup> مطابق ماده ۲۷ پیش‌نویس این لایحه، قوه قضاییه باید بخشهای خاصی از دادگاههای عمومی و انقلاب را برای رسیدگی به

<sup>۱۴۱</sup> همان، ص. ۹. طبق قانون اساسی ایران، تنها مذاهبی که به طور رسمی پذیرفته شده‌اند عبارتند از: شیعه اثنی عشری، دیگر «فرق اسلامی» (یعنی سنی)، زرتشتی، یهودی و مسیحی. قانون اساسی ایران، رک. زیرنویس ۴۸، مواد ۱۳-۱۲.

<sup>۱۴۲</sup> رحیمی، رک. زیرنویس ۹، صص. ۴۷-۴۶؛ اوپن نت اینیشیتیو، رک. زیرنویس ۱۲، ص. ۳.

<sup>۱۴۳</sup> رحیمی، رک. زیرنویس ۹، ص. ۴۷؛ اوپن نت اینیشیتیو، رک. زیرنویس ۱۲، ص. ۳.

<sup>۱۴۴</sup> اوپن نت اینیشیتیو، رک. زیرنویس ۱۲، ص. ۳.

<sup>۱۴۵</sup> برای مثال نگاه کنید به قانون جرایم رایانه‌ای (پیش‌نویس) مواد ۱۷-۱۳، قابل دسترسی در <http://www.ictna.ir/summon/archives/001089.html> (تاریخ دسترسی ۲۷ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «قانون جرایم رایانه‌ای (پیش‌نویس)»].

<sup>۱۴۶</sup> محتویات «مستهجن» به عنوان مطالبی تعریف می‌شوند که دارای ماهیت هرزه‌نمایی یا جنسی باشند. همان، ماده ۱۴.

<sup>۱۴۷</sup> «جرایم علیه عفت» شامل استعمال مواد مخدر، خودکشی و «انحرافات جنسی» می‌شود اما به آنها محدود نمی‌گردد. همان، ماده ۱۴ (ج).

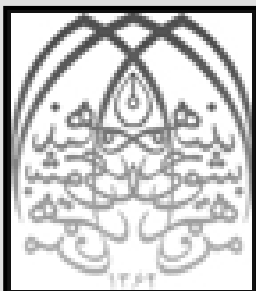
<sup>۱۴۸</sup> همان، ماده ۱۹.

<sup>۱۴۹</sup> «لایحه جرایم رایانه‌ای در ایران: گام اول»، رادیو فردا، ۱۳۸۷/۹/۲۷، قابل دسترسی در [http://www.radiofarda.com/content/f1-computer\\_crimes/477374.html](http://www.radiofarda.com/content/f1-computer_crimes/477374.html) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹)؛ همچنین نگاه کنید به «تشکیل دادرسی ویژه جرایم رایانه‌ای و اینترنت در ایران»، رادیو فردا، ۱۳۸۷/۹/۱۱، قابل دسترسی در [http://www.radiofarda.com/content/f3\\_internet\\_filtering\\_trial/475223.html](http://www.radiofarda.com/content/f3_internet_filtering_trial/475223.html) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۵۰</sup> قانون جرایم رایانه‌ای (پیش‌نویس)، رک. زیرنویس ۱۴۵، مواد ۲۹-۲۶.

جرایم اینترنتی اختصاص دهد.<sup>۱۵۱</sup> حقوقدانان تأسیس دادگاههای ویژه جرایم رایانه‌ای را مورد انتقاد قرار داده و با توجه به اینکه در حال حاضر قانون مدونی که جرایم اینترنتی را دقیقاً تعریف نماید موجود نیست، آنرا عملی شتابزده دانسته‌اند.<sup>۱۵۲</sup> پیش‌نویس این قانون هنوز تحت مطالعه و بررسی است.

## ۲،۲،۲. طرح تشدید مجازات اخلال در امنیت روانی



**شورای عالی انقلاب فرهنگی** که در ابتدا به نام ستاد انقلاب فرهنگی نامیده می‌شد، در بهار ۱۳۵۹ در تهران تأسیس یافت. این شورا از طریق کنترلی که بر نظام آموزشی کشور، شامل برنامه آموزشی، فعالیتهای اردویی، و فعالیتهای مربوط به پذیرش و استخدام در دانشگاه‌های ایران دارد سیاستهای فرهنگی جمهوری اسلامی را هدایت می‌کند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی از ۳۷ عضو تشکیل شده که شامل رئیس جمهور ایران، رئیس قوه قضاییه، نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان تبلیغات اسلامی، جهاد دانشگاهی، حوزه‌های علمیه، وزارت آموزش و پرورش، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز رسیدگی به امور مساجد، و مرکز امور مشارکت زنان می‌باشد. همچنین نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان رئیس این شورا عمل می‌کند.

مجلس ایران همچنین در حال طرح لایحه‌ای در ارتباط با جنایات هولناک است که با هدف ایجاد اخلال در نظم و امنیت عمومی انجام می‌شود. در ۴ اسفند ۱۳۸۷، کمیسیون در مجلس پیش‌نویس طرح فوریت تشدید مجازات جرایم اخلال در امنیت روانی عمومی را به تصویب رساند.<sup>۱۵۳</sup> اگرچه تصویب پیش‌نویس این لایحه به همراه قانون جرایم رایانه‌ای

تحت مطالعه و بررسی است، اما این مقررات، قوانین مجزایی هستند با هدف افزایش میزان جرایمی که شخص را محارب<sup>۱۵۴</sup> یا مفسد فی الارض<sup>۱۵۵</sup> دانسته و در نتیجه مطابق قانون مجازات عمومی چنین افرادی را به اعدام یا تنبیه بدنی محکوم نماید.<sup>۱۵۶</sup>

<sup>۱۵۱</sup> همان، ماده ۲۷.

<sup>۱۵۲</sup> «ایران از برخورد با سایتهای «الحادی» خبر داد»، بی.بی.سی. فارسی، ۱۳۸۷/۹/۲۰، قابل دسترسی در [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2008/12/081210\\_m\\_internet\\_mortezavi.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2008/12/081210_m_internet_mortezavi.shtml) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۵۳</sup> «رأی کمیسیون فرهنگی مجلس به تشدید مجازات اخلال در امنیت روانی»، رادیو فردا، ۱۳۸۷/۱۲/۵، قابل دسترسی (به فارسی) در [http://www.radiofarda.com/content/F7\\_Iran\\_Parliament\\_/1497931.html](http://www.radiofarda.com/content/F7_Iran_Parliament_/1497931.html) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹)؛ همچنین

نگاه کنید به «تشکیل دادرسی ویژه جرایم رایانه‌ای و اینترنت در ایران»، رک. زیرنویس ۱۴۹.

<sup>۱۵۴</sup> قانون مجازات اسلامی محارب و مفسد فی الارض را این طور تعریف می‌کند: «هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض می‌باشد». همان، ماده ۱۸۳. ماده ۱۸۷ این قانون محارب و مفسد فی الارض را این طور تعریف می‌کند: «هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی مؤثر و یا وسائل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند».

<sup>۱۵۵</sup> مواد ۹۶-۱۹۰ قانون مجازات اسلامی، مجازاتهای مختلفی را برای «محارب» و «مفسد فی الارض» تعیین نموده که شامل اعدام، قطع اعضاء بدن و تبعید می‌باشد.

<sup>۱۵۶</sup> «رأی کمیسیون فرهنگی مجلس به تشدید مجازات اخلال در امنیت روانی»، رک. زیرنویس ۱۵۳.

ماده (۴) ۲ پیش‌نویس لایحه «تشکیل و راه‌اندازی وبلاگها و وب‌سایتهای مروج فساد، فحشاء و مطالب الحادی» را جرمی جدی عنوان می‌کند.<sup>۱۵۷</sup> پیش‌نویس این طرح، تشکیل کمیسیونهای قضایی را پیشنهاد می‌کند که مسئولیت آنها تعیین جرایمی است که فرد را محارب یا مفسد فی‌الارض می‌کند.<sup>۱۵۸</sup> چنین جرایمی در شعب ویژه‌ای از دادگاه‌های عمومی و انقلاب اولویت پیگرد دارند.<sup>۱۵۹</sup> بر اساس گزارشهای خبری، این کمیسیونها برای ارگانهای موجود درون قوه قضاییه که وظیفه فعلی آنها تعریف و تشخیص جرایم فوق‌الذکر می‌باشد، مشروعیت رسمی یا حقوقی ایجاد می‌کند.<sup>۱۶۰</sup>

کانون مدافعان حقوق بشر ایران بیانیه‌ای صادر نموده است که اظهار می‌دارد تصویب نهایی این قانون «آزادی بیان را محدود ساخته، حقوق شهروندی را به مخاطره انداخته و تعداد اعدامها را افزایش خواهد داد».<sup>۱۶۱</sup> سازمان خبرنگاران بدون مرز نیز پیش‌نویس لایحه مزبور را «به دلیل اینکه بر اساس مفاهیم نامشخص طرح شده و به قضات کاملاً امکان اعمال قضاوت شخصی می‌دهد» مورد انتقاد قرار داده است.<sup>۱۶۲</sup>

نقشه قانونی و اداری طراحی شده توسط رژیم ایران، امکان استفاده از آزادی بیان و دستیابی به اطلاعات روی شبکه جهانی اینترنتی را بدون دلیل مشکل می‌سازد و از آنچه که مطابق ماده ۱۹ پاراگراف ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، قانونی محسوب می‌گردد، فراتر می‌رود. در سال ۱۳۸۱ هیئت ویژه حل اختلاف در موضوع آزادی بیان و عقیده، تأیید نمود که در ارتباط با انتشار و دستیابی، اینترنت به عنوان یک وسیله مهم برای کسب اطلاعات و عقاید و پیشبرد عدالت اجتماعی و احترام به حقوق بشر به شمار می‌رود.<sup>۱۶۳</sup> وی قبول داشت که برخی کنترلها روی محتویات اینترنت مانند محدود کردن تبلیغات نئونازیسم، مناسب و باعث خشنودی است،<sup>۱۶۴</sup> اما اعلام داشت که هر گونه محدودیتی باید مطابق ماده ۱۹، پاراگراف ۳ قانونی باشد. کمیته

<sup>۱۵۷</sup> «طرح تشدید مجازات اخلاف در امنیت روانی جامعه»، ماده (۴) ۲ (ایران)، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1157320> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۵۸</sup> همان، مواد ۹-۱۰. مواد ۱۸۳-۱۸۸ قانون مجازات اسلامی ایران معیارهای مورد استفاده برای محکوم کردن فرد به «محارب» یا «مفسد فی‌الارض» را ذکر می‌کند.

<sup>۱۵۹</sup> «طرح تشدید مجازات اخلاف در امنیت روانی جامعه»، رک. زیرنویس ۱۴۹. رایانه‌ای و اینترنت در ایران»، رک. زیرنویس ۱۴۹.

<sup>۱۶۰</sup> نگاه کنید به «ستادهای تشخیص محارب در راهند؟»، روز آنلاین، ۱۳۸۷/۱۲/۵، قابل دسترسی در [http://www.roozonline.com/archives/2009/02/post\\_11744.php](http://www.roozonline.com/archives/2009/02/post_11744.php) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۶۱</sup> «تشکیل دادرسی ویژه جرایم رایانه‌ای و اینترنت در ایران»، رک. زیرنویس ۱۴۹.

<sup>۱۶۲</sup> اطلاعیه مطبوعاتی، گزارشگران بدون مرز، «مجلس در حال تصویب لایحه‌ای است که مجازات اعدام را شامل حال جرایم اینترنتی نیز می‌نماید؛ دادگاه مجدداً برای یک روزنامه‌نگار مجازات اعدام صادر نمود» (۷ ژوئیه ۲۰۰۸)، قابل دسترسی در <http://www.ifex.org/en/content/view/full/95122/> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۶۳</sup> کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، «گزارش هیئت ویژه حل اختلاف در مورد تشویق و حق آزادی عقیده و بیان، حقوق سیاسی و مدنی، عابد حسین، شامل سؤال درباره آزادی بیان» [ U.N. Commission on Human Rights, Report of the Special Rapporteur on the promotion and the right to freedom of opinion and expression, Civil and Political Rights, Abid Hussain, Including the Question of Freedom of Expression ], پاراگراف ۸۸ سند سازمان ملل E/CN.4/2002/75 (۳۰ ژانویه ۲۰۰۲)، قابل دسترسی در [http://www.unhcr.org/refugees/refugees.nsf/e06a5300f90a0238025668700518ca4/9c822779c7f603b2c1256b9d004c8f56/\\$FILE/G0210396.pdf](http://www.unhcr.org/refugees/refugees.nsf/e06a5300f90a0238025668700518ca4/9c822779c7f603b2c1256b9d004c8f56/$FILE/G0210396.pdf) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «گزارش عابد حسین»].

<sup>۱۶۴</sup> همان، پاراگراف ۹۳.



حقوق بشر همچنین عنوان نمود که با ممنوع ساختن بیان عقاید آزادیخواهانه و نقض حقوق بشر، نمی‌توان امنیت و اتحاد ملی و نظم عمومی را تقویت و تضمین نمود.<sup>۱۶۵</sup>

### ۳. روشهای فنی مورد استفاده برای کنترل و تغییر شبکه جهانی در ایران

جمهوری اسلامی ایران به عنوان قسمتی از تلاشهای خود برای کنترل و احاطه آزادی بیان در میان مردم ایران، شبکه اینترنتی را که توسط ایرانیان قابل دستیابی است، تغییر داده و سانسور می‌کند. روشهای مورد استفاده، شامل بستن وبسایتهای از مبداء، مسدود نمودن وبسایتهای به خصوص به طوری که کاربران نتوانند به آنها دسترسی داشته باشند، فیلتر کردن قسمتهای عمده‌ای از شبکه جهانی، محدود کردن سرعت اینترنت، و تغییر دادن شبکه جهانی با پر کردن آن از عقاید و نظرات رژیم.

#### ۳.۱. دوران اصلاحات (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶)

از سال ۱۳۷۹، مقامات ایرانی وبسایتهای وابسته به چندین روزنامه اصلاح طلب را که قبلاً تعطیل شده بودند، بستند.<sup>۱۶۶</sup> در طی دو سال بعد، قدغن کردن وبسایتهای بیش از پیش سازمان یافته و علنی گردید. در آذر ماه ۱۳۸۱، «کمیته تعیین مصادیق پایگاه‌های اینترنتی غیرمجاز»، تأسیس گردید.<sup>۱۶۷</sup> این کمیته که از نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت اطلاعات، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و وزارت دادگستری<sup>۱۶۸</sup> تشکیل شده است، هم معیارهای شناسایی وبسایتهای غیرقانونی را تعیین می‌کند و هم چنین وبسایتهایی را به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات گزارش می‌کند تا سانسور بشوند.<sup>۱۶۹</sup>

در اسفند ماه ۱۳۸۱، مقامات ایرانی بسیاری از وبسایتهای را به علت محتویات سیاسی یا آن طور که ادعا شد محتویات مبتذل آنها مسدود نمودند.<sup>۱۷۰</sup> این وبسایتهای شامل ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون ایالات متحده آمریکا که به زبان فارسی برنامه پخش می‌کردند و در میان مردم از محبوبیت زیادی برخوردار بودند نیز می‌شد.<sup>۱۷۱</sup> تا اردیبهشت ماه آن سال رساها را تهدید کردند که در صورت فیلتر نکردن یک لیست حاوی ۱۵,۰۰۰ سایت،

<sup>۱۶۵</sup> «ووما موکونگ علیه کامرون» [Womah Mukong v. Cameroon]، پیام شماره ۴۵۸/۱۹۹۱، سند سازمان ملل CCPR/C/51/D/458/1991، پاراگراف ۴/۱ (۱۹۹۴). این پرونده به وسیله یک روزنامه‌نگار و فعال سیاسی مطرح شد که هنگام گفتگو با یک رسانه خبری خارجی خط مشی عمومی را مورد انتقاد قرار داده بود. وی توسط دولت کامرون دستگیر و به «مسموم سازی افکار ملی و بین‌المللی» متهم گردید. اگرچه کامرون اظهار می‌داشت که آزادی بیان باید زمینه سیاسی و فضای حاکم بر یک کشور را نیز در نظر بگیرد، اما کمیته حقوق بشر با این نظر مخالفت نمود.

<sup>۱۶۶</sup> رحیمی، رک. زیرنویس ۹، ص. ۴۶.

<sup>۱۶۷</sup> گزارش مرکز تحقیقات، رک. زیرنویس ۱۳۶، ص. ۹.

<sup>۱۶۸</sup> مرکز تحقیقات اعضاء کمیته را نمایندگان وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی و سازمان تبلیغات اسلامی نام برد. گزارش مرکز تحقیقات، رک. زیرنویس ۱۳۶، ص. ۹.

<sup>۱۶۹</sup> همان، ص. ۹. همچنین نگاه کنید به رحیمی، رک. زیرنویس ۹، ص. ۴۷.

<sup>۱۷۰</sup> رحیمی، رک. زیرنویس ۹، صص. ۴۷-۴۶.

<sup>۱۷۱</sup> همان، صص. ۴۷، ۵۵ زیرنویس ۲۸.

اقدامات قانونی لازم علیه آنها انجام خواهد شد.<sup>۱۷۲</sup> در آذر ماه کاربران اینترنت در ایران متوجه شدند که قسمت عظیمی از جستجوگر گوگل قابل دسترسی نیست و خشم خود را به هنگام اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی، با درج این مطلب بر روی شبکه جهانی اینترنتی نشان دادند.<sup>۱۷۳</sup> در این اجلاس محمد خاتمی با سؤالاتی درباره مسدود نمودن وب توسط رژیم ایران، روبرو گردید که در پاسخ، ادعا کرد این محدودیتها فقط درباره محتویات مستهجن انجام می‌شود.<sup>۱۷۴</sup> احمد معتمدی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز در یک گردهمایی در پاسخ به سؤالاتی در همین مورد، توضیح داد که لیست وبسایتهای ممنوعه به رساها داده شده و مطبوعات نیز از محتوای آن لیست آگاه هستند. اما با این حال چنین فهرستی هرگز منتشر نشد.<sup>۱۷۵</sup>

سانسور رسانه‌های مرسوم و نیز اینترنت پیش از انتخابات مجلس بهمن ۱۳۸۲ افزایش یافت.<sup>۱۷۶</sup> اگرچه تا آن هنگام راه‌های قانونی متعددی برای مسدود نمودن یک تعداد وبسایتهای به خصوص وجود داشت، مقامات رسمی فناوری، از جمله وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، متوجه شدند که مسدود شدن تعدادی از وبسایتهای خارج از قلمرو قانونی صورت گرفته است.<sup>۱۷۷</sup> برای مثال پیش از انتخابات، سایتهای خبری «امروز» و



«رویداد» به فرمان قوه قضاییه مسدود شدند. هر دوی این سایتهای نماینده مجامع سیاسی اصلاح طلب بودند. نخستین آنها، سایت خبری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود و دومین سایت نیز به جبهه مشارکت ایران

<sup>۱۷۲</sup> «ایران سانسور اینترنت را افزایش می‌دهد»، بی.بی.سی، ۱۲ مه ۲۰۰۳، قابل دسترسی در <http://news.bbc.co.uk/2/hi/technology/3019695.stm> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۷۳</sup> «ویلاگ نویسان ایرانی علیه سانسور تظاهرات می‌کنند»، بی.بی.سی، ۱۱ دسامبر ۲۰۰۳، قابل دسترسی در <http://news.bbc.co.uk/2/hi/technology/3310493.stm> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۷۴</sup> محمد خاتمی، رئیس‌جمهور سابق ایران، «تظاهرات در اجلاس سران جامعه اطلاعاتی جهان» (۱۱ دسامبر ۲۰۰۳)، قابل دسترسی در قالب صوتی در [http://www.itu.int/wsis/geneva/coverage/archive.asp?lang=en&c\\_type=pci11](http://www.itu.int/wsis/geneva/coverage/archive.asp?lang=en&c_type=pci11) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «تظاهرات خاتمی در اجلاس سران»].

<sup>۱۷۵</sup> «رویاریویی با وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران»، دیلی سامیت [Iran's ICT Minister Confronted, THE DAILY SUMMIT], ۱۱ دسامبر ۲۰۰۳، قابل دسترسی در [http://www.dailysummit.net/english/archives/2003/12/11/irans\\_ict\\_minister\\_confronted.asp](http://www.dailysummit.net/english/archives/2003/12/11/irans_ict_minister_confronted.asp) (شامل متن مصاحبه‌ای با احمد معتمدی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران). معتمدی اصرار می‌ورزید که ایران فقط ۲۴۰ سایت را ممنوع ساخته است. با در نظر گرفتن ممنوع‌سازی محتویات هرزه‌نمایی، این رقم به طور غیرقابل باوری کوچک به نظر می‌رسد.

<sup>۱۷۶</sup> اوپن نت اینیشیاتیو، رک. زیرنویس ۱۱، ص. ۱۲.

<sup>۱۷۷</sup> «وزیر ارتباطات و فناوری: ظاهراً فیلترینگ برخی سایتهای طرف دستگاه قضایی و رأساً صورت گرفته؛ بهتر است فیلترینگ بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد»، ایسنا، ۱۳۸۳/۱۰/۲۱، قابل دسترسی در <http://isna.ir/Isna/NewsView.aspx?ID=News-479646> همچنین نگاه کنید به «دیدگاه‌های دادستانی تهران و رئیس شورای هماهنگی نظارت بر فعالیتهای ارتباطی وزارت ارتباطات درباره فیلترینگ»، ایسنا، ۱۳۸۳/۱۰/۲۲، قابل دسترسی در <http://isna.ir/Isna/NewsView.aspx?ID=News-480466> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

اسلامی تعلق داشت. هر دوی این سایتها منابع خبری کاملاً شناخته شده‌ای بودند که توسط مدافعان سیاسی برجسته اصلاح طلب اداره می‌شدند. سردبیر «رویداد»، سید محمد رضا خاتمی، برادر رئیس جمهور بود.

مسدود نمودن این سایتها به عنوان یک تصمیم غیرقانونی که به طور یک طرفه توسط قوه قضاییه گرفته شده بود، مورد اعتراض قرار گرفت.<sup>۱۷۸</sup> اما با این حال مرتضوی دادستان کل تهران، از این اقدام دفاع نموده و ادعا کرد که مجوز بستن چنین سایتهایی در دست تهیه است.<sup>۱۷۹</sup> این امر نامعلوم است که آیا چنین جوازی هرگز صادر شده یا خیر ولی مرتضوی مکرراً به اقدام برای بستن وبسایتها بدون داشتن اختیارات قانونی متهم گردیده است.<sup>۱۸۰</sup>

در مرداد ماه ۱۳۸۳، مرتضوی بدون هراس از چیزی، اقدامات خود را علیه «رویداد» و «امروز» افزایش داد. در آن هنگام این دو سایت توسط چندین رسا مسدود شده بودند، اما به طور رسمی ممنوع نگردیده بودند. سید محمد رضا خاتمی، سردبیر «رویداد»، شکایت کرد که مأموران اماکن برای شرکتهای فناوری اطلاعاتی که به «رویداد» خدمات عرضه می‌کنند، مزاحمت ایجاد کرده‌اند.<sup>۱۸۱</sup> به فاصله چند روز از یکدیگر، اصغر وطنخواه، مسئول تبلیغات سایت «امروز»، و مسعود قریشی، از کارشناسهای شاغل در همین سایت خبری، دستگیر گردیدند. منازل آنها تفتیش و کامپیوترها و فایل‌های آنها توقیف شدند.<sup>۱۸۲</sup> به دنبال آن، شش تن دیگر از کادر فنی «رویداد» به نامهای: فرید ثانی، آرش نادرپور، مانی جوادی، کیاوش قادملی، مژگان قوبدل، و مهدی درایتی نیز دستگیر گردیدند.<sup>۱۸۳</sup> اگرچه اکثر جرایم اعلام شده علیه آنان بعداً حذف شد، اما دستگیری کادر فنی — به جای سردبیرها و گزارشگران — همه بخشی از برنامه حذف اینگونه سایتهای خبری بودند. کارشناسان را مجبور ساختند تا رمز عبور و دیگر داده‌های مهم را در اختیار آنها قرار دهند که بعداً از آنها برای بازبینی و بستن سایتها استفاده نمودند.<sup>۱۸۴</sup>

در اواخر ۱۳۸۳، جمهوری اسلامی ایران علناً اظهار داشت که از یک نرم افزار فیلتر کننده به نام اسمارت فیلتر (SmartFilter) که توسط شرکتی به نام سکيور کامپیوتینگ (Secure Computing) در ایالات متحده تولید

---

<sup>۱۷۸</sup> «یک مقام رسمی ایرانی مدافع آزادی مطبوعات، از بستن وبسایتها اظهار تأسف نمود»، پیوند، اخبار ایران [Iranian Official Advocating] *Press Freedom Deplores Closure of Websites*, PAYVAND'S IRAN NEWS، ۲۳ فوریه ۲۰۰۴، قابل دسترسی در <http://www.payvand.com/news/04/feb/1172.html> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۷۹</sup> همان.

<sup>۱۸۰</sup> اوپن نت اینیشیاتیو، رک. زیرنویس ۱۱، ص. ۱۲.

<sup>۱۸۱</sup> «دبیر کل مشارکت در نامه به معاون رئیس جمهور: از احضار تلفنی تعدادی از افراد منتصب به جبهه مشارکت خبر داد و خواهان رسیدگی شد»، ایسنا، ۱۳۸۳/۶/۱، قابل دسترسی در <http://isna.ir/Isna/NewsView.aspx?ID=News-422135> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «نامه جبهه مشارکت ایران اسلامی»].

<sup>۱۸۲</sup> دیده‌بان حقوق بشر، «آزادی کاذب: سانسور اینترنت در خاورمیانه و آفریقای شمالی» [HUMAN RIGHTS WATCH, FALSE FREEDOM: ONLINE CENSORSHIP IN THE MIDDLE EAST AND NORTH AFRICA] صص. ۴۹-۵۰ (۲۰۰۵)، قابل دسترسی در [http://www.hrw.org/reports/2005/mena1105/5.htm#\\_Toc119125729](http://www.hrw.org/reports/2005/mena1105/5.htm#_Toc119125729) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «آزادی کاذب»].

<sup>۱۸۳</sup> همان، ص. ۵۰.

<sup>۱۸۴</sup> اوپن نت اینیشیاتیو، رک. زیرنویس ۱۱، صص. ۱۲-۱۳.

شده است، استفاده می‌کند. در آن هنگام سازمان اوپن نت اینیشیاتیو اقدامات مربوط به استفاده از این نرم افزار در ایران و عربستان سعودی را مورد مطالعه قرار داد و دریافت که این نرم افزار برای پالایش بیش از حد معمول طراحی شده است.<sup>۱۸۵</sup> مثلاً این نرم افزار سایتهای آموزش روابط جنسی، سایتهایی که در ارتباط با شناخت هویت و تمایلات جنسی باشند، سایتهای حقوق زنان و حتی سایتهای ترجمه را نیز مسدود می‌سازد.<sup>۱۸۶</sup> این بررسیها همچنین نشان داد که بسیاری دیگر از سایتهای مانند سایت خبری صدای آمریکا نیز هدف قرار گرفته و مسدود شده‌اند.<sup>۱۸۷</sup>

### ۳.۲. دوران پس از اصلاحات

پس از انتخاب محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری در تابستان ۱۳۸۴، و با به قدرت رسیدن کامل محافظه‌کاران، مقامات رژیم ایران کوشش خود را بر این قرار دادند که با استفاده از روشهای فناوری و دیوان سالاری، آزادی بیان بر روی اینترنت را محدود نمایند. در اردیبهشت ۱۳۸۵، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، تشکیل اداره‌ای را اعلان نمود که مسئول پالایش محتویات غیرقانونی، شناسایی کاربران متخلف و ردیابی سایتهایی که مورد بازدید آنها قرار می‌گیرد، بود.<sup>۱۸۸</sup>

دادستان مرتضوی تأکید نمود که رسیدگی به وبسایتهای غیرقانونی و ضددینی جزو اختیارات قوه قضاییه می‌باشد.<sup>۱۸۹</sup> پیش از انتخابات ریاست جمهوری، شرکت مخابرات ایران به بسیاری از دستورهای قوه قضاییه مبنی بر مسدود نمودن شبکه اجتماعی ارکات (Orkut) و سایت میزبان وبلاگی به نام پرشین بلاگ (Persian blog) که توسط ایرانیان برای ایجاد صفحات و وبلاگهای شخصی مورد استفاده قرار می‌گرفت، ترتیب اثر نمی‌داد.<sup>۱۹۰</sup> اما به دنبال انتخاب احمدی‌نژاد، مقامات همان سازمان با افتخار اعلام داشتند که ۱۰ میلیون وبسایت را پالایش نموده‌اند و اظهار کردند که قوه قضاییه به آنان دستور می‌دهد که هر ماه در حدود هزار صفحه را مسدود نمایند.<sup>۱۹۱</sup> علاوه بر آن با وجود آنکه هدف قرار دادن وبسایتهای، مسئولیت «کمیته تعیین مصادیق پایگاههای

<sup>۱۸۵</sup> همان، صص. ۱۹-۱۸.

<sup>۱۸۶</sup> همان.

<sup>۱۸۷</sup> همان.

<sup>۱۸۸</sup> به طور کلی نگاه کنید به اوپن نت اینیشیاتیو، رک. زیرنویس ۱۱.

<sup>۱۸۹</sup> کمیسرهای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، «سیر وقایع در ایران، ژانویه ۲۰۰۵» [UN HIGH COMMISSIONER FOR REFUGEES, ] [CHRONOLOGY OF EVENTS IN IRAN, JANUARY 2005]، ص. ۳ (۲۰۰۶)، قابل دسترسی در <http://www.unhcr.org/refworld/docid/447fef1e4.html> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «وقایع ژانویه ۲۰۰۵»].

<sup>۱۹۰</sup> همان.

<sup>۱۹۱</sup> «مدیر کل مدیریت و پشتیبانی فنی شبکه شرکت فناوری اطلاعات خبر داد: فیلترینگ بیش از ۱۰ میلیون سایت اینترنتی / بیش از ۹۰ درصد سایتهای فیلتر شده غیراخلاقی بودند / موارد اعتراضی به مسدودسازی سایتهای خبری، اجتماعی و سیاسی باز می‌گردد»، سینتا، ۱۳۸۵/۶/۲۰، قابل دسترسی در <http://www.citna.ir/435.html> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

اینترنتی غیرمجاز» می‌باشد، گزارشهای اخیر بر این دلالت دارند که اداره اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دفتر جرایم رایانه‌ای خود را تأسیس نموده است.<sup>۱۹۲</sup>



در طی چند سال گذشته مسدود نمودن و فیلتر سایتهای شدیدتر شده و اغلب سایتهای خبری بزرگ هدف قرار می‌گیرند. برای مثال در اواخر ۱۳۸۴ برای اولین بار سایت اینترنتی بی.بی.سی. فارسی مسدود شد.<sup>۱۹۳</sup> این روال ادامه یافت و در دی ماه ۱۳۸۷ سایتهای خبری صدای آلمان (Deutsche Welle)، رادیوی بین‌المللی فرانسه (RFI) و العربیه (Al-Arabiya) فیلتر شدند.<sup>۱۹۴</sup> وبسایتهای و سایتهای خبری فارسی

کوچکتر نیز مرتباً هدف قرار می‌گیرند. برای مثال وبسایت ادبی «هفت تن» و دو سایت حامی شهردار محمد باقر قالیباف، که رقیب سیاسی احمدی‌نژاد بود، در اواسط دی ماه ۱۳۸۷ مسدود شدند.<sup>۱۹۵</sup> یک ماه بعد، در بهمن ۱۳۸۷، دو سایت دیگر که تلاشهای کوتاه مدت انتخاباتی محمد خاتمی را مورد حمایت قرار داده بودند، مسدود شدند.<sup>۱۹۶</sup> وبسایتهای «یاری نیوز» و «یاری» به ویژه پیش از نامزد شدن خاتمی برای ریاست جمهوری، درست شده بودند و اگر چه در خارج از کشور قابل دسترسی بودند، اما از داخل دسترسی به آنها مسدود بود.<sup>۱۹۷</sup>

دستگاه اداری احمدی‌نژاد همچنین بر کند نمودن پیشرفتهای فناوری تمرکز بیشتری داشته است. در ۱۲ مهر ۱۳۸۵، خبرگزاری فناوری اطلاعات (ITNA) صدور دستوری از طرف وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را

<sup>۱۹۲</sup> «سپاه پاسداران شبکه‌های براندازی اینترنتی را منهدم کرده است»، بی.بی.سی. فارسی، ۱۳۸۷/۱۲/۲۹، قابل دسترسی (به فارسی) در [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/03/090319\\_he\\_pasdars\\_internet.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/03/090319_he_pasdars_internet.shtml) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹). این گزارش درباره دستگیری و حبس چند تن توسط سپاه پاسداران خبر می‌دهد که گفته می‌شود در استفاده از اینترنت برای پیشبرد یک انقلاب مخملی در ایران دست داشته‌اند.

<sup>۱۹۳</sup> «ایران وبسایت بی.بی.سی. فارسی را مسدود می‌کند»، بی.بی.سی. [Iran Blocks BBC Persian Website, B.B.C.], ۲۴ ژانویه ۲۰۰۶، قابل دسترسی در [http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle\\_east/4644398.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/4644398.stm) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۹۴</sup> اطلاعیه مطبوعاتی، گزارشگران بدون مرز، «وبسایتهای بیشتری مسدود شدند، از جمله: رادیو فرانسه و صدای آلمان» [Press Release, Reporters Without Borders, More websites blocked, including RFI and Deutsche Welle], (۲۸ ژانویه ۲۰۰۹)، قابل دسترسی در [http://www.rsf.org/print.php3?id\\_article=30131](http://www.rsf.org/print.php3?id_article=30131) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «وبسایتهای بیشتری مسدود شدند»].

<sup>۱۹۵</sup> همان.

<sup>۱۹۶</sup> «ایران وبسایتهای طرفدار خاتمی اصلاح طلب را مسدود می‌نماید»، آسوشیتد پرس [Iran Blocks Web Sites Promoting Reformist], Khatami, ASSOCIATED PRESS, ۲۱ فوریه ۲۰۰۹، قابل دسترسی در [http://www.cbsnews.com/stories/2009/02/21/world/main4817728.shtml?source=related\\_story](http://www.cbsnews.com/stories/2009/02/21/world/main4817728.shtml?source=related_story) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۹۷</sup> همان.

گزارش نمود که نتیجه آن محدود ساختن دسترسی به اینترنت با سرعت بالا است.<sup>۱۹۸</sup> یک هفته بعد مقامات تأیید نمودند که رساها از این به بعد دیگر به کاربران خصوصی یا عمومی اجازه دسترسی به سرعت‌های بالاتر از ۱۲۸ کیلوبایت در ثانیه را نخواهند داد و ادعا نمودند که سرعت‌های بالاتر از این، ضروری نیستند.<sup>۱۹۹</sup> استثنائات بیشماری از ادارات دولتی و برخی شرکتهای خصوصی گزارش شده‌اند.<sup>۲۰۰</sup> ONI می‌گوید که این دستور با طرح پنج ساله توسعه ایران مبنی بر لزوم وجود ۱,۵ میلیون ورودیه اینترنت با سرعت بالا در سراسر ایران که در سال ۱۳۸۳ توسط مجلس به تصویب رسید، مغایرت دارد.<sup>۲۰۱</sup> این فرمان جدید همچنین شرکتهای خصوصی را که دو سال پیش از آن جواز خریده و از آن زمان برای تهیه خدمات باند پهن در میان کاربران خصوصی مفضلاً سرمایه‌گذاری نموده بودند، دچار مشکل ساخت.<sup>۲۰۲</sup>

در تلاشی دیگر برای تحمیل مشکلات بزرگتر بر بیان نظرات روی اینترنت و نیز به دست آوردن نقشه‌ای بهتر از وبلاگستان ایران،<sup>۲۰۳</sup> وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۸۵ اطلاعیه‌ای صادر کرد که در آن از کلیه صاحبان وبلاگها و وبسایتهای می‌خواست ظرف سه ماه آنها را ثبت نمایند.<sup>۲۰۴</sup> این اطلاعیه از تمام ثبت نام کنندگان می‌خواست مشخصات شخصی خود را ارائه داده و تعهد نمایند از گذاشتن یک سری اطلاعات به خصوص بر روی سایتها خودداری نمایند. بر اساس این اطلاعیه تمام وبلاگهایی که ظرف مدت مقرر اقدامات لازم را انجام ندهند، غیرقانونی محسوب گردیده و بسته خواهند شد.<sup>۲۰۵</sup> اگرچه دلیل تعطیل برخی از وبسایتهای تا حدی عدم ثبت نام آنها بود (از جمله سایت خبری محافظه‌کار «بازتاب»)،<sup>۲۰۶</sup> اما به طور کلی این عملیات ثبت نام موفقیت‌آمیز نبود و پس از آنکه فقط چند وبلاگ اطاعت نمودند، بی‌سر و صدا متوقف گردید.<sup>۲۰۷</sup>

---

<sup>۱۹۸</sup> «اینترنت پرسرعت هنوز در دسترس نمی‌باشد»، ای‌تنا، ۱۳۸۵/۱۱/۲۴، قابل دسترسی در <http://www.itna.ir/archives/report/006301.php> (تاریخ دسترسی ۲۷ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۱۹۹</sup> همان. مدیر روابط عمومی سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی گفت این دستور موقتی است. بعداً سلیمانی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات گفت که این دستور ممکن است دائمی باشد. وی مردم را تشویق نمود که در صورت بروز مشکل، به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات خبر دهند، اما گفت که کاربران خصوصی در منازل به سرعت‌های بالاتر از ۱۲۸ کیلو بایت در ثانیه نیاز ندارند.

<sup>۲۰۰</sup> «کاهش سرعت برای اینترنت پرسرعت در ایران»، بی.بی.سی. فارسی، ۱۳۸۵/۷/۲۸، قابل دسترسی در [http://www.bbc.net.uk/persian/science/story/2006/10/061020\\_fb\\_rsh\\_adsl.shtml](http://www.bbc.net.uk/persian/science/story/2006/10/061020_fb_rsh_adsl.shtml) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۰۱</sup> اوپن نت اینیشیاتیو، رک. زیرنویس ۱۲، ص. ۲.

<sup>۲۰۲</sup> «کاهش سرعت برای اینترنت پرسرعت در ایران»، رک. زیرنویس ۲۰۰. اگرچه تعاریف مختلفی برای باند پهن وجود دارد اما معمولاً مقصود سرعتی معادل یا بیش از ۲۵۶ کیلو بایت در ثانیه است. نگاه کنید به [http://www.oecd.org/document/7/0,3343,en\\_2649\\_34225\\_38446855\\_1\\_1\\_1\\_1\\_00.html](http://www.oecd.org/document/7/0,3343,en_2649_34225_38446855_1_1_1_1_00.html)

<sup>۲۰۳</sup> منظور از وبلاگستان تمام وبلاگهایی است که در دسترس عموم بوده و تمام موضوعات مختلف و ارتباطات متقابل میان آنها را در بر می‌گیرد.  
<sup>۲۰۴</sup> این خط مشی با سیاستی که بر اساس قانون مطبوعات باشد متفاوت است. قانون مطبوعات شامل وبسایتهای (پایگاه‌های خبری یا وبلاگها) می‌شود که مرتباً به روز درآمده و خوانندگان آنها به حد کافی زیاد است تا توسط مقامات نشریه الکترونیک محسوب شوند.

<sup>۲۰۵</sup> نگاه کنید به اوپن نت اینیشیاتیو، رک. زیرنویس ۱۲، ص. ۳.

<sup>۲۰۶</sup> «بازتاب» به دیوان عدالت اداری استیناف نموده و رفع توقیف شد. اوپن نت اینیشیاتیو، رک. زیرنویس ۱۲، ص. ۴.

<sup>۲۰۷</sup> ایوان درکاچ، «وبلاگ‌نویسان ایرانی در برابر سانسور ایستادگی می‌کنند»، آلترنِت [Evan Derkacz, *Iranian Bloggers Defy*]، قابل دسترسی در <http://www.alternet.org/module/printversion/46639/?type=blog>، ۱۲ ژانویه ۲۰۰۷، (Censorship, ALTERNET) [تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹]؛ «وبلاگ‌نویسان ایرانی علی‌رغم انسدادها، پیش می‌روند»، بی.بی.سی. [Iran's Bloggers Thrive Despite]

بالاخره اینکه رژیم سعی دارد با گسترش حضور خود در وب، آن را تغییر دهد. این شیوه، ماورای تأسیس وبسایت برای ادارت و وزارتخانه‌های دولتی است. تحقیقات اخیر نشان داده است که وبلاگستان ایران، محلی برای ابراز مخالفتها به صورت مجازی نیست و «محافظه‌کاران مذهبی در وبلاگستان ایران حضور گسترده‌ای دارند».<sup>۲۰۸</sup> حضور این مذهبیبون را می‌توان به عنوان نشانه‌ای برای تمایل محافظه‌کاران به گفتگو روی این رسانه جدید و متفاوت ابراز عقیده، تلقی نمود. در واقع وبسایتهای محافظه‌کار و وبلاگهای طرفدار رژیم به انتقاد از سیاستمداران برجسته و شعبات دولت مشغول هستند. اما با این حال اعلامیه‌هایی مانند اعلامیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آبان ۱۳۸۷ را نیز نباید از خاطر دور کرد که در آن اینترنت ابزاری برای وقوع یک انقلاب مخملی در ایران اعلام شد و برای مقابله با آن، سپاه پاسداران ۱۰,۰۰۰ وبلاگ برپا نمود.<sup>۲۰۹</sup>

### ۳,۳. تحلیل حقوقی روشهای فناوری ایران

فیلتر، مسدود نمودن، و دیگر روشهایی که وسیعاً برای کنترل و سلطه شبکه جهانی اینترنت که قابل دسترسی ایرانیان می‌باشد صورت گرفته، قوانین داخلی ایران و قوانین بین‌المللی را نقض می‌نماید. در عمل هیچ تفاوتی میان قدغن کردن یا مسدود نمودن وبسایتهای و تعطیل روزنامه‌ها و دیگر منابع اطلاعاتی سنتی وجود ندارد. اینگونه اقدامات هم نقض حقوق مربوط به گسترش اطلاعات و هم نقض حقوق جویندگان آن می‌باشد. در نتیجه، جلوگیری از دستیابی به وبسایتهای مدافعان حقوق بشر و فعالان سیاسی، به عنوان زیر پا گذاشتن ماده ۱۹ کمیته حقوق بشر مطرح می‌گردد.<sup>۲۱۰</sup>

هیئت ویژه حل اختلاف در موضوع آزادی عقاید و نظرات اعلام کرد که فیلتر ورودیه‌ها توسط رژیم ایران، دسترسی به شبکه جهانی را بیش از حد کنترل می‌کند.<sup>۲۱۱</sup> توجیه رژیم ایران در این باره، یعنی کنترل وبسایتهای غیراخلاقی و مغایر با اسلام،<sup>۲۱۲</sup> با معیار ضرورت که در پاراگراف ۳ اصل ۱۹ بیان شده، مطابقت ندارد. پالایش بیش از حد، ایجاد محدودیت کرده و توانایی بالقوه اینترنت را برای اطمینان از «محترم شمردن عملی حق آزادی بیان»<sup>۲۱۳</sup> از بین می‌برد. با توجه به تنوع محتویات و تعداد کثیر سایتهایی که فیلتر می‌شوند، جمهوری اسلامی ایران تعهد خود به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، نسبت به تضمین امکان دسترسی گسترده به اطلاعات برای شهروندان خود را نقض می‌نماید.

---

[Blocks, B.B.C.]، ۱۵ دسامبر ۲۰۰۸، قابل دسترسی در [http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle\\_east/7782771.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/7782771.stm) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۰۸</sup> کلی و اتلینگ، رک. زیرنویس ۸۵، ص. ۷.

<sup>۲۰۹</sup> شهرام رفیع‌زاده، «پاسداران درباره وقوع یک انقلاب مخملی اینترنتی اخطار می‌دهد»، ۲۳ نوامبر ۲۰۰۸، قابل دسترسی در [http://www.roozonline.com/english/archives/2008/11/passdaran\\_warns\\_about\\_a\\_velvet.html](http://www.roozonline.com/english/archives/2008/11/passdaran_warns_about_a_velvet.html) (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۱۰</sup> نتیجه مشاهدات کمیته حقوق بشر: جمهوری عربی سوریه، سند سازمان ملل CCPR/CO/84/SYR پاراگراف ۱۳ (۲۰۰۵).

<sup>۲۱۱</sup> گزارش عابد حسین، رک. زیرنویس ۱۶۳، پاراگراف ۹۳.

<sup>۲۱۲</sup> «اظهارات خاتمی در اجلاس سران»، رک. زیرنویس ۱۷۴.

<sup>۲۱۳</sup> گزارش عابد حسین، رک. زیرنویس ۱۶۳، پاراگراف ۹۳.

علاوه بر آن تشکیل و استفاده از ارگانهای اجرایی با مسئولیت کنترل اینترنت نقض بالقوه قانون اساسی ایران است. اصل ۱۶۸ قانون اساسی ایران مصرح می‌دارد که:

رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

رژیم ایران به جای برگزاری محاکمات علنی با حضور هیئت منصفه، «کمیته تعیین مصادیق پایگاه‌های اینترنتی غیرمجاز» را تشکیل داد، یعنی یک هیئت اجرایی که یگانه هدف آن ممنوع و مسدود ساختن وبسایتها بود. اعمال ستیزه‌جویانه این کمیته، منتقدان حقوقی داخل ایران را بر آن داشته تا مشروعیت چنین سازمان اجرایی که درگیر اتخاذ تصمیمات مقننه و قضایی علیرغم قانون اساسی ایران می‌باشد را مورد سؤال قرار دهند.<sup>۲۱۴</sup> آنها می‌گویند تصمیم‌گیری درباره حدود و قید و بندهای مربوط به حقوق مردم، بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران در اختیار قوه قضاییه می‌باشد.<sup>۲۱۵</sup>

دادستان مرتضوی با ادعای داشتن حق صلاحیت قضایی ذاتی در ارتباط با تمام وبسایت‌های غیرقانونی، اعلام داشت که وی به تأیید این کمیته نیازی ندارد. وی همچنین ادعا نموده است که «این کمیته خود بیانیه عمومی صادر کرده که به قوه قضاییه اختیار می‌دهد مستقلاً وبسایت‌هایی را که با موازین مذهبی و اخلاقی جامعه ایرانی مغایرت دارد، مسدود نماید».<sup>۲۱۶</sup> اما با این حال، صرف نظر از اینکه چه بخشی از دولت وبسایتها را ممنوع یا مسدود می‌سازد، چنین اعمالی تعهدات ایران نسبت به مواد ۱۹ و ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را نادیده می‌انگارد، حتی اگر قوانین زیربنایی آن نیز صحیح باشند. عدم برگزاری محاکمات برای تعیین مشروعیت مسدود نمودن سایت‌های خبری مانند «رویداد» و «امروز»، و نیز مسدود کردن اخیر سایت‌هایی مانند «یاری نیوز» و «یاری»، نقض قانون اساسی ایران به شمار می‌رود.

#### ۴. دستگیری، حبس، و شکنجه روزنامه‌نگاران اینترنتی و وبلاگ‌نویسها

با وجود توسعه یک سیستم حقوقی و دیوان سالاری پیچیده توسط رژیم به منظور کنترل و تحمیل سلطه خود بر شبکه جهانی اینترنتی در دسترس ایرانیان، روزنامه‌نگاران اینترنتی و وبلاگ‌نویسها هنوز هدف قرار می‌گرفتند. حداقل از سال ۱۳۸۱ تاکنون روزنامه‌نگاران اینترنتی و وبلاگ‌نویسان خودسرانه دستگیر و زندانی گردیده‌اند و در معرض رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی قرار گرفته‌اند. هدف از اینگونه اعمال، عموماً افزایش بهای آزادی بیان و به ویژه بیان نظرات در اینترنت است.

<sup>۲۱۴</sup> نگاه کنید به اوپن نت اینیشیاتیو، رک. زیرنویس ۱۲، ص. ۴.

<sup>۲۱۵</sup> اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران می‌گوید: «قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است: ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می‌کند. ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع. ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین. ۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام. ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

<sup>۲۱۶</sup> وقایع ژانویه ۲۰۰۵، رک. زیرنویس ۱۸۹، ص. ۳.



## ۴،۱. دستگیریه‌ها در تهران در دوران اصلاحات



سینا مطلبی

سینا مطلبی، روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نویس در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۸۲ دستگیر و در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۲ آزاد گردید. او تحت خشونت مورد بازجویی قرار گرفت و اکثر دوران حبس را در زندان انفرادی گذراند. وی پس از آزادی ایران را ترک گفت و مقیم هلند شد. او در حال حاضر رئیس تلویزیون فارسی بی.بی.سی. است که یک کانال تلویزیون ماهواره‌ای می‌باشد.

در روز ۲۱ آذر ۱۳۸۱، قاسم شعله سعدی، عضو سابق مجلس، پروفیسور حقوق و روزنامه‌نگار، نامه‌ای سرگشاده خطاب به علی خامنه‌ای رهبر ایران را روی اینترنت منتشر ساخت. این نامه مشروعیت مذهبی<sup>۲۱۷</sup> خامنه‌ای و نیز سیاستهای داخلی و خارجی<sup>۲۱۸</sup> وی را مورد سؤال قرار می‌داد. این نامه از طریق ایمیل در سطح وسیعی منتشر گردید و توجه زیادی را به خود معطوف داشت. در روز ۵ اسفند ۱۳۸۱، شعله سعدی پس از بازگشت از سفری به پاریس، در فرودگاه مهرآباد تهران دستگیر شد.<sup>۲۱۹</sup> به وی اجازه دادند که فقط یک تماس تلفنی با همسر خود داشته باشد سپس اجازه هیچگونه ملاقاتی به وی داده نشد و وی برای چندین هفته در زندان انفرادی نگاه داشته شد. وی در واکنش به این نوع طرز رفتار از ۱۷ اسفند دست به اعتصاب غذا زد.<sup>۲۲۰</sup> وی سپس آزاد شده و بعدها در مصاحبه‌ای با رادیوی بین‌المللی فرانسه اظهار داشت که طی اقامت در زندان اوین مورد شکنجه قرار گرفته و مجبور به ضبط نوار اعترافات شده است.<sup>۲۲۱</sup>

یک ماه بعد در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۸۲، سینا مطلبی، روزنامه‌نگاری مطبوعاتی که دارای وبلاگ نیز بود دستگیر شد. او از اولین افرادی در جهان به شمار می‌رود که به دلیل محتویات وبلاگ خود دستگیر شده است.<sup>۲۲۲</sup> وی

<sup>۲۱۷</sup> سید علی خامنه‌ای در زمان انتصاب به مقام «ولی فقیه» از حمایت اکثریت در تشکیلات روحانیون برخوردار نبود زیرا هنوز اعتبار مذهبی لازم را کسب نکرده بود. به منظور گشودن راه برای انتخاب وی به مقام رهبری، قانون اساسی اصلاح شد. مجید محمدی، «اصلاحات و سازماندهی مجدد در ایران قرن بیستم: کشور سازی، تجددگرایی و اسلام‌گرایی» [ MAJID MOHAMMADI, JUDICIAL REFORM AND REORGANIZATION IN 20<sup>TH</sup> CENTURY IRAN: STATE-BUILDING, MODERNIZATION AND ISLAMICIZATION ] صص. ۵۸-۱۵۷ (۲۰۰۸)، افشاری، رک. زیرنویس ۴، صص. ۱۸-۱۷، ۲۲۵، صنم وکیل، «عروسک‌گردان اصلی ایران»، ایشیا تایمز [ Sanam Vakil, Iran's Master Puppeteer, ASIA ]، ۲۰ ژانویه ۲۰۰۶، قابل دسترسی در <http://www.atimes.com/atimes/Middle East/HA20Ak01.html> (تاریخ دسترسی ۲۴ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۱۸</sup> نامه قاسم شعله سعدی، عضو سابق مجلس به آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران (۱۶ آذر ۱۳۸۱)، چاپ مجدد و قابل دسترسی در <http://www.iranian.com/Opinion/2002/December/Sadi/index2.html> (تاریخ دسترسی ۲۴ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۱۹</sup> نازیلا فتیحی، «دگراندیش در فرودگاه دستگیر شد»، نیویورک تایمز [Nazila Fathi, Dissident Arrested at Airport, N.Y. TIMES]، ۲۶ فوریه ۲۰۰۳، قابل دسترسی در <http://www.nytimes.com/2003/02/26/world/world-briefing-middle-east-iran-dissident-arrested-at-airport.html?n=Top/Reference/Times%20Topics/People/F/Fathi.%20Nazila> (تاریخ دسترسی ۲۴ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۲۰</sup> «وضعیت نامعلوم شعله سعدی»، پیک نت، قابل دسترسی در [http://peiknet.net/v\\_na\\_m\\_saeedi.htm](http://peiknet.net/v_na_m_saeedi.htm) (تاریخ دسترسی ۲۴ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۲۱</sup> «نخستین گزارش مستقیم شکنجه وحشیانه دانشجویان»، پیک نت [PEIKNET.NET]، قابل دسترسی در <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/egypt-releases-blogger-jailed-for-45-days-after-insulting-president-404865.html> (تاریخ دسترسی ۲۴ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۲۲</sup> جف بلک، «دگراندیشان اینترنتی»، نشریه ایندپندنت [Jeff Black, Online Dissidents, THE INDEPENDENT]، ۲۱ ژوئن ۲۰۰۶، قابل دسترسی در <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/egypt-releases-blogger-jailed-for-45-days-after-insulting-president-404865.html> (تاریخ دسترسی ۲۴ آوریل ۲۰۰۹).

در سال ۱۳۸۰ پس از آنکه با سانسور مطبوعات مواجه گردید، نوشتن وبلاگ خود را آغاز نمود.<sup>۲۲۳</sup> مطلبی به مدت پنج ماه پیش از دستگیری مکرراً به یکی از شعبات دادسرا احضار می‌شد.<sup>۲۲۴</sup> به وی گفته بودند که این

ملاقاتها سری است و او اجازه ندارد آنها را در وبلاگ خود گزارش کند.<sup>۲۲۵</sup> با وجود این، هنگامیکه مطلبی را به اماکن احضار نمودند، او در وبلاگ خود نوشت که گمان می‌کند این بار دستگیر خواهد شد.<sup>۲۲۶</sup>

از من درباره وبلاگم پرسیدند و من را به انجام اعمال ضدامنیتی متهم کردند ... هم به دلیل نوشته‌های وبلاگ و هم به دلیل مصاحبه‌های من با رادیوهای بیگانه ... قبل از آنکه من را در ۳۱ فروردین دستگیر کنند، پنج بار برای سؤال و جواب خواستند. روز ۳۰ فروردین به من تلفن کردند و خواستند که به دایره ویژه نیروی انتظامی بروم ... چون من را به دادگاه احضار نکرده و در عوض به اداره اماکن احضار کردند، که بقیه روزنامه‌نگاران را دستگیر کرده بود، مطمئن بودم که اینبار من را دستگیر خواهند کرد. به همین دلیل در مورد این احضار مطلبی روی وبلاگم نوشتم ... فکر می‌کنم که آن مطلب به من بسیار کمک کرد چون هنگامی که من را دستگیر کردند و در بازجویی به من گفتند «هیچکس راجع به پرونده تو نمی‌داند». و من گفتم «نه، من مطلبی در این مورد روی وبلاگم نوشتم».<sup>۲۲۷</sup>

مطلبی مکرراً درباره مقالات خود در روزنامه‌ها، مصاحبه‌های خود با رادیوهای خارجی، و مطالبی که در وبلاگ خود نوشته بود مورد بازجویی قرار گرفت. در واقع بازجویان به یک نسخه چاپی از مطالب مندرج در وبلاگ وی که حاوی یادداشتهایی بود اشاره می‌کردند.<sup>۲۲۸</sup> در یک مرحله نیز سعید مرتضوی، دادستان کل تهران وی را مورد بازجویی قرار داد.<sup>۲۲۹</sup> بازجویان به وی گفتند که او نه تنها مسئول مطالبی است که شخصاً در وبلاگ خود نوشته بلکه نسبت به نظراتی که خوانندگان این وبلاگ در پاسخ به گفته‌های او نوشته‌اند نیز مسئول خواهد بود.<sup>۲۳۰</sup>

<sup>۲۲۳</sup> «بهای پرداخته شده برای وبلاگ‌نویسی»، رک. زیرنویس ۹۰.

<sup>۲۲۴</sup> «بازداشت یک وبلاگ‌نویس و منتقد سینمایی»، ایسنا، ۱۳۸۲/۱/۳۱، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-217268> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۲۵</sup> «واقعه عفو بین‌الملل»، رک. زیرنویس ۳.

<sup>۲۲۶</sup> گلیرز، رک. زیرنویس ۸۹.

<sup>۲۲۷</sup> همان. (به نقل از نسخه ویرایش یافته مصاحبه‌ای تلفنی با سینا مطلبی).

<sup>۲۲۸</sup> گلیرز، رک. زیرنویس ۸۹.

<sup>۲۲۹</sup> همان. «یک بار با چشم‌بند از من بازجویی می‌کردند. سعید مرتضوی ... در اطاق حضور داشت و من وی را به راحتی از صدایش شناختم ... او از من درباره برخی مطالبی که روی وبلاگم نوشته بودم سؤال کرد و سپس گفت «حالا ما از تو برای دیگر وبلاگ‌نویسان درس عبرتی می‌سازیم و نشان می‌دهیم که وبلاگ‌نویسی [طریقه اظهار نظر] آزاد و بدون هزینه نیست. ما نشان خواهیم داد که اینگونه افراد باید هزینه‌های سنگین این نوع نگارش را بپردازند». همان.

<sup>۲۳۰</sup> گلیرز، رک. زیرنویس ۸۹.

چون وی را درباره تعداد کثیری از مطالب ارسال شده بر روی وبلاگ او مورد سؤال قرار دادند، او هرگز نتوانست تشخیص دهد کدام موضوع یا نظر به خصوص سبب دستگیری او شده بود.<sup>۳۳۱</sup> در حقیقت به نظر مطلبی می‌رسید که وی به دلیل ارسال پیامی بر روی وبلاگ خود دستگیر شده است:

من در وبلاگم نوشته بودم که وبلاگ‌نویسی روش آزادی برای ابراز نظرات و عقاید است، بدون پرداختن هیچ بهایی، بدون نیاز به داشتن پول یا اطلاعات فنی یا چیزهایی از این قبیل. بازجو به من گفت: «ما می‌خواهیم به تو ثابت کنیم که اشتباه می‌کنی. بهای هنگفتی هست [که باید پردازی]. وبلاگ‌نوشتن بهای بسیار بالایی دارد و ما می‌خواهیم تو را عبرت دیگران بکنیم. بله، ما نمی‌توانیم تمام وبلاگ‌نویسانی که از دولت انتقاد می‌کنند را ردیابی کنیم، ولی می‌توانیم آنها را بترسانیم.»<sup>۳۳۲</sup>

مطلبی تأثیر شکنجه‌های روانی وارده را اینطور توصیف نمود:

نمی‌دانم. شاید من ضعیف بودم، اما پیش از سه هفته در زندان تعادل روانی خودم را از دست دادم. صداهایی می‌شنیدم و نظرها و ایده‌های ضد و نقیضی در سرم داشتم. بعضی اوقات داخل سلول، خودم را در فکر خودم بازجویی می‌کردم تا زمانی که عقلم بر می‌گشت و می‌گفتم «اینها حقیقت ندارند. اینها چیزی هستند که بازجو می‌خواهد من باور کنم.»<sup>۳۳۳</sup>

دستگیری مطلبی اعتراضی بین‌المللی به راه انداختن از جمله ارسال دادخواستی روی اینترنت که هزاران نفر آن را امضاء کرده بودند.<sup>۳۳۴</sup> روز پیش از اولین جلسه محاکمه مطلبی در دادگاه ویژه فرودگاه بین‌المللی مهرآباد، ۷ اردیبهشت ۱۳۸۲، قاضی ظفرقندی از پذیرفتن وکلانامه وی امتناع ورزید.<sup>۳۳۵</sup> این قاضی وکیل او را به این بهانه رد نمود که چون پرونده مطلبی هنوز در مراحل اولیه تحقیقات قرار دارد، هیچ وکیلی نمی‌تواند دفاع از پرونده را عهده‌دار شود.<sup>۳۳۶</sup> پس از گذراندن ۲۳ روز در بازداشت که تقریباً تمامی آن در حبس انفرادی و تحت بازجویی مداوم سپری شد و بعد از آنکه یکی از دوستان خانوادگی مطلبی ۳۰۰ میلیون ریال وثیقه سپرد، وی سرانجام در روز ۲۲ اردیبهشت از زندان آزاد گردید.<sup>۳۳۷</sup> اندکی پس از آن، وی ایران را به قصد هلند ترک گفت.<sup>۳۳۸</sup>

<sup>۳۳۱</sup> «واقعه عفو بین‌الملل»، رک. زیرنویس ۳.

<sup>۳۳۲</sup> همان.

<sup>۳۳۳</sup> همان.

<sup>۳۳۴</sup> «وبلاگ نویساها برای نبرد متحد می‌شوند»، بی.بی.سی. [Bloggers Unite to Fight, BBC]، ۲ مه ۲۰۰۳، قابل دسترسی در <http://news.bbc.co.uk/2/hi/technology/2992401.stm> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۳۳۵</sup> «وکالت حیدری شهباز در مرحله مقدماتی پرونده سینا مطلبی پذیرفته نشد»، ایسنا، ۱۳۸۲/۲/۶، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-219404> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «حیدری پذیرفته نشد»].

<sup>۳۳۶</sup> همان. روز بعد از پذیرفته نشدن حیدری، مطلبی که در برابر قاضی ظفرقندی سخن می‌گفت توضیح داد که نمی‌خواهد وکیلی داشته باشد چون پرونده او در مراحل مقدماتی است. «سینا مطلبی: ترجیح می‌دهم فعلاً درباره موارد اتهامی صحبت نکنم؛ نمی‌خواهم در افکار عمومی پیش داور به وجود آید»، ایسنا، ۱۳۸۲/۲/۷، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-219899> (تاریخ دسترسی ۲۳ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «نمی‌خواهم صحبت کنم»].

<sup>۳۳۷</sup> «واقعه عفو بین‌الملل»، رک. زیرنویس ۳.

<sup>۳۳۸</sup> «بهای پرداخته شده برای وبلاگ‌نویسی»، رک. زیرنویس ۹۰.



### شهرام رفیع‌زاده

شهرام رفیع‌زاده در ۱۷ شهریور ۱۳۸۳ دستگیر شد. وی در ابتدا به جرایم بسیاری مانند شرکت در تأسیس سازمان غیرقانونی، عضویت در سازمانهای غیرقانونی، تبلیغ بر علیه رژیم، نشر اکاذیب، و برهم زدن نظم عمومی متهم گردید. اعترافات کاذب وی سبب شد که در ۱۶ بهمن ۱۳۸۷ به ۹ ماه حبس و ۲۰ ضربه شلاق محکوم گردد. وی در حال حاضر با خانواده خود در تورنتو، کانادا سکونت دارد.

سرعت دستگیریها که بخشی از عملیات آغاز شده توسط دادستان کل مرتضوی را تشکیل می‌داد، در پاییز ۱۳۸۳ افزایش یافت. همانطور که در آغاز شرح داده شد، در مرداد ۱۳۸۳ مرتضوی فرمان دستگیری کارشناسهای نشریات اینترنتی «رویداد» و «امروز» را صادر نمود.<sup>۲۳۹</sup> در ۱۷ شهریور ۱۳۸۳ بابک غفوری آذر و شهرام رفیع‌زاده دستگیر شدند. رفیع‌زاده ویراستار بخش فرهنگی روزنامه معتبر اصلاح‌طلب «اعتماد» بود. وی همچنین درباره قتل‌های داخلی و دیگر جنایات نهادهای اطلاعاتی موازی رژیم، کتب و مقالاتی نگاشته بود.<sup>۲۴۰</sup> غفوری آذر روزنامه‌نگاری است که برای روزنامه اقتصادی «حیات نو» کار می‌کرد اما گفته می‌شد که به دلیل نوشته‌های او برای سایت خبری «رویداد» زندانی شده بود.<sup>۲۴۱</sup> هر دو این روزنامه‌نگاران وبلاگهایی داشتند که مرتباً به روز شده و عقاید خود را در آن منعکس می‌ساختند. غفوری آذر دو هفته پس از دستگیری از زندان آزاد شد.<sup>۲۴۲</sup> وی در ایران به سر می‌برد و به انتشار مطالب در اینترنت ادامه می‌دهد.

رفیع‌زاده توسط مأموران اماکن که ظاهراً فقط می‌خواستند با وی خارج از دفتر کارش صحبت کنند، دستگیر شد. هنگامی که یکی از همکاران او می‌خواست شماره خودروی حامل این افراد را یادداشت کند، یکی از مأموران یادداشت او را گرفته و به او گفت این دستگیری قانونی است. پس از اینکه به رفیع‌زاده چشم‌بند زدند او را برای بازجویی به محل نامعلومی بردند.<sup>۲۴۳</sup>

در اماکن ماشین عوض شد. این بار داخل یک ماشین سیاه من را نشانند که پرده داشت. با یکدیگر برای مدتی حرف زدند. بعد یکی از آنها از پشت من را زد و گفت «سرت را پایین بینداز». ورق دیگر برگشت. چشم‌بند به چشمانم بستند و به جایی دیگر من را بردند. تصور کنم داخل یک حیاطی شدیم. از راهرویی که سمت چپ حیاط بود من را داخل یک منزلی که ظاهراً بازداشتگاه بود کردند.

<sup>۲۳۹</sup> «نامه جبهه مشارکت ایران اسلامی»، رک. زیرنویس ۱۸۱.

<sup>۲۴۰</sup> «شهادتنامه شهرام رفیع‌زاده»، که توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران تهیه شده و توسط شهود به تأیید رسیده (۲۶ فوریه ۲۰۰۹)، پاراگراف‌های ۱-۲ [از این به بعد: «شهادتنامه رفیع‌زاده»]. مرکز اسناد حقوق بشر ایران در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۸ با شهرام رفیع‌زاده مصاحبه کرد، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/pdfs/WitnessStatements/SRWS.pdf>؛ «آخرین اخبار از وضعیت حنیف مزروعی، بابک غفوری آذر، و شهرام رفیع‌زاده»، ایسنا، ۱۳۸۳/۶/۲۰، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-429185> (تاریخ دسترسی ۲۴ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۴۱</sup> گزارشگران بدون مرز، «ایران - گزارش سالانه (۲۰۰۵)» [REPORTERS WITHOUT BORDERS, IRAN - ANNUAL REPORT (2005)] قابل دسترسی در [http://www.rsf.org/article.php3?id\\_article=13306](http://www.rsf.org/article.php3?id_article=13306) (تاریخ دسترسی ۲۴ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «گزارش سالانه (۲۰۰۵) گزارشگران بدون مرز»].

<sup>۲۴۲</sup> «بابک غفوری آذر آزاد شد»، ایسنا، ۱۳۸۳/۷/۱، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-434347> (تاریخ دسترسی ۲۴ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۴۳</sup> «شهادتنامه رفیع‌زاده»، رک. زیرنویس ۲۴۰، پاراگراف‌های ۲۹-۲۴.



حنیف مزروعی

حنیف مزروعی، گزارشگر اینترنتی در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۸۳ دستگیر و به مدت ۲ ماه بدون دسترسی به وکیل یا تماس با خانواده در زندان نگاه داشته شد. وی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و مجبور به اعتراف به جرایم اخلاقی مانند زنای محصنه گردید. پدر او، رجبعلی مزروعی، رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران بود. وی دولت اصلاح طلب را تحت فشار گذاشت تا دستگیریهای مربوط به اینترنت را مورد بررسی قرار دهند. پدر و پسر هر دو ساکن ایران می باشند.

عینک و کمر بندم را گرفتند و کفشهایم را درآوردند. در آهنی باز شد و من را توی آن انداختند. سلول تاریک تاریک بود. هواکش بزرگی در آن روشن بود. دو ساعتی شاید همانجا ماندم. صداهای عجیب و غریبی به گوش می رسید. نفهمیدم که صداها از چه بودند.<sup>۲۴۴</sup>

رفیع زاده ۸۶ روز زندانی شد که ۷۳ روز آن را در حبس انفرادی گذراند. هنگام اقامت در زندان، مضروب ساختن شخص فقط به مشت و لگد و کوبیدن به دیوار محدود نمی شد:

ضرب و شتم فیزیکی به مشت و لگد خلاصه نمی شد. یک بار با یک کاسه ظرفشویی که در اتاق بازجویی بود به سرم زدند. در موارد دیگر، با کابل بر پشت و پاهایم می زدند. وقتی با کابل می زدند، از اول من را می خوابانند بعد با کابل بر کف پاهایم می زدند. وقتی مقاومت می کردم با کابل بر همه بدنم می زدند، پشتم، باسنم، پاهایم - تا پاشنه پا می زدند. نمی دانم هر بار چند ضربه کابل می زدند. گاهی ۱۰ ضربه، گاهی ۲۰ ضربه و گاهی ۳۰ ضربه کابل و گاهی نیز بیشتر از آن می زدند. میان شکنجه ها وقفه های کوتاهی وجود داشت که آن هم با بازپرسی سؤالات همیشگی بازجوها می گذشت. اگر بازجوها جواب دلخواه خود را نمی گرفتند شکنجه ادامه می یافت.<sup>۲۴۵</sup>

رفیع زاده در ابتدا از دستگیر شدن خود متعجب بود زیرا در عرض ده ماه گذشته در مطبوعات رایج مقاله ای ننوشته بود.<sup>۲۴۶</sup> وی به مرکز اسناد حقوق بشر ایران توضیح داد که:

تا مدتی حتی نمی فهمیدم که چرا دستگیر شده ام. تا بالاخره متوجه شدم اکثر بازداشت شدگان وبلاگر و کارمندان فنی و طراحی وبلاگها بودند و تعدادی نیز به جرم نشر کتابهای غیرمجاز که به شکل زیراکسی تکثیر می شدند دستگیر و زندانی بودند. تنها کسی که در میان آنها مقالاتی در وبلاگها می نوشت من بودم. ازین رو فهمیدم که من را در رابطه با کارهای وبلاگ نویسی ام گرفته اند.<sup>۲۴۷</sup>

اما با این حال رفیع زاده مدتی بود که درباره شیوه های مورد استفاده عناصر سرکوب گر رژیم ایران تحقیق کرده بود و بنابراین از روشهای مورد استفاده نهادهای اطلاعاتی موازی که وی را دستگیر کرده بودند چندان متعجب

<sup>۲۴۴</sup> همان، پاراگراف ۲۹.

<sup>۲۴۵</sup> همان، پاراگراف ۳۲. رفیع زاده همچنین تهدیدهای مکرری نسبت به جان خود، دستگیری و شکنجه پدر و همسر، و تهدید نسبت به جان همسر و فرزندان خود را گزارش نمود: «می توانستند فامیلم را در اثر تصادف عمدی ماشین از بین ببرند و بعد قضیه را سانحه ترافیکی جلوه دهند. صداها سانحه ترافیکی هر روز در تهران اتفاق می افتاد و یکی از آنها می توانست این حادثه باشد». همان، پاراگراف ۳۳.

<sup>۲۴۶</sup> همان، پاراگراف ۲۳.

<sup>۲۴۷</sup> همان، پاراگراف ۳۶.

نمود.<sup>۲۴۸</sup> به نظر وی سرکوب و بلاگ‌نویسان یک پروژه مشخص و خاص بود که عناصر محافظه‌کار جمهوری اسلامی ایران با طرح‌هایی مفصل و مشروح با معاونت دادستان مرتضوی و قاضی ظفرقندی یا حتی هدایت ایشان راه‌اندازی نموده بودند.<sup>۲۴۹</sup> دستگیری و بازداشت وی با طرح دیگر دستگیریها مطابقت داشته و عقاید وی را تأیید می‌نمود.

در روز ۱۸ شهریور ۱۳۸۳، یک روز پس از دستگیری رفیع‌زاده و غفوری آذر، حنیف مزروعی احضاریه‌ای مبنی بر دستگیری خود دریافت داشت. مزروعی روزنامه‌نگاری است که برای چند خبرنگار اصلاح‌طلب، از جمله وب‌سایت اصلاح‌طلب «رویداد» مطلب می‌نوشت.<sup>۲۵۰</sup> در پاسخ به این احضاریه، پدر مزروعی، رجبعلی مزروعی، رئیس انجمن صنفی مطبوعات و عضو سابق مجلس، پسرش را تا اداره پلیس همراهی نمود و در آنجا مزروعی بازداشت گردید. در طی ۶۶ روز بازداشت مزروعی، به پدرش اجازه ملاقات با وی داده نشد.<sup>۲۵۱</sup> از این مدت، ۵۹ روز آن در زندان انفرادی در یک سلول ۲ در ۱٫۵ متر سپری شد. به جز زمان بازجویی، وی فقط سه بار در روز اجازه داشت برای استفاده از دستشویی، هر بار به مدت سه دقیقه، از سلول خارج شود. طی اولین جلسه بازجویی، مزروعی در حالیکه چشمنبد داشته و رو به دیوار نشسته بود اتهام خود را پرسید. به وی گفتند که باید فقط پاسخ سؤالهای بازجو را درباره اعمال غیراخلاقی و روابط نامشروع خود بدهد. هنگامی که وی چنین اعمالی را انکار نمود، مورد ضرب و شتم قرار گرفت.<sup>۲۵۲</sup> وی پس از گذاشتن ۱۵۰ میلیون ریال وثیقه آزاد گردید.

درست همان روز دستگیری حنیف مزروعی، مأموران سعید مطلبی، پدر سینا مطلبی را نیز دستگیر کرده و تهدید نمودند در صورتی که پسر او فعالیت‌های نگارندگی خود در هلند را متوقف ننماید، وی محبوس خواهد شد.<sup>۲۵۳</sup> سینا مطلبی که یک سال قبل ایران را به قصد هلند ترک گفته بود، سایت خبری «روزنگار» را در تبعید اداره می‌نمود.<sup>۲۵۴</sup> همانطور که سینا مطلبی هم اذعان می‌کند این دستگیری، شیوه‌ای هوشمندانه بود:

یک سال بعد از آنکه آزاد شدم، هنگامی که کشور را ترک کرده بودم و در هلند زندگی می‌کردم ... پدرم را دستگیر کردند و برای ۱۰ روز او را در زندان نگاه داشتند. آن زمان بود که فکر کردم:

<sup>۲۴۸</sup> همان، پاراگراف ۳۰.

<sup>۲۴۹</sup> همان، پاراگرافها ۷-۶.

<sup>۲۵۰</sup> «گزارش سالانه (۲۰۰۵) گزارشگران بدون مرز»، رک. زیرنویس ۲۴۱.

<sup>۲۵۱</sup> کمیسریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، «سیر تاریخی وقایع در ایران»، [UN HIGH COMMISSIONER FOR REFUGEES, ] <http://www.unhcr.org/refworld/docid/43146ce24.html> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹). [CHRONOLOGY OF EVENTS IN IRAN]، ۶ سپتامبر ۲۰۰۴ (۲۰۰۴)، قابل دسترسی در

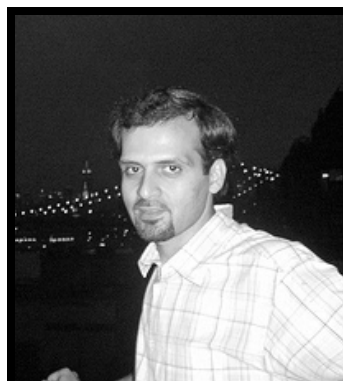
<sup>۲۵۲</sup> نامه رجبعلی مزروعی، رئیس انجمن صنفی مطبوعات ایران به محمد خاتمی، رئیس جمهور ایران (۲۲ آذر ۱۳۸۳) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران) [از این به بعد: «نامه مزروعی»].

<sup>۲۵۳</sup> اطلاعیه مطبوعاتی، گزارشگران بدون مرز، بازداشت پدر روزنامه نگار سینا مطلبی [Reporters Without Borders, Detention of the father of journalist Sina Motallebi]، (۱۴ سپتامبر ۲۰۰۴)، قابل دسترسی در [http://www.rsf.org/print.php3?id\\_article=11384](http://www.rsf.org/print.php3?id_article=11384) (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹). بنا بر گزارشها سعید مطلبی را تهدید کرده بودند که از او «پورزند دیگری» خواهند ساخت. این اشاره‌ای به سیامک پورزند بود که از سال ۱۳۸۲ زندانی گردیده است. نگاه کنید به سازمان اسناد حقوق بشر ایران، «تمسخر عدالت: پرونده‌سازی بر علیه سیامک پورزند» (۲۰۰۸)، قابل دسترسی در <http://iranhrdc.org/httpdocs/English/reports.htm>.

<sup>۲۵۴</sup> اطلاعیه مطبوعاتی، گزارشگران بدون مرز، رک. زیرنویس ۲۵۳.

«نمی‌توانم! نمی‌توانم این هزینه را پردازم. هرچه که می‌خواهند با من انجام بدهند را قبول دارم اما نمی‌توانم این بار سنگین را بر دوش خانواده خود بگذارم».<sup>۲۵۵</sup>

سعید مطلبی در ۲۹ مهر آزاد گردید و چهار روز بعد، متهم به جرم «فراری دادن یک متهم» شد. پرونده وی در آبان ماه توسط شعبه ۱۱۵۹ دادگاه فرودگاه مورد رسیدگی قرار گرفت. بر اساس گزارشها، وکیل وی اظهار داشته بود که سینا مطلبی ایران را به طور قانونی ترک گفته و ظاهراً سعید مطلبی محکوم نگردید.<sup>۲۵۶</sup>



روزبه میرابراهیمی

بیست روز پس از دستگیری سعید مطلبی، در روز ۶ مهر ۱۳۸۳، روزبه میرابراهیمی، روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نویس در منزل خود دستگیر شد. میرابراهیمی سردبیر بخش سیاسی نشریه «اعتماد» بود و بعدها معاون سردبیر نشریه «جمهوریت» شد. اگرچه وی وبلاگی داشت اما هرگز خود را وبلاگ‌نویس به حساب نمی‌آورد تا آنکه مقامات رژیم با زدن برچسب وبلاگ‌نویس وی را دستگیر نمودند.<sup>۲۵۷</sup> طی چند هفته او شاهد دستگیری بسیاری از همکاران خود بود و با آنکه دوستان و بستگان به وی پیشنهاد می‌کردند ایران را ترک کند، او مصمم به ماندن بود چون قانونی را زیر پا نگذاشته بود.<sup>۲۵۸</sup>

میرابراهیمی، روزنامه‌نگار، ویراستار و وبلاگ‌نویس در تاریخ ۶ مهر ۱۳۸۳ دستگیر شد. وی به عضویت در گروه‌های غیرقانونی، تبلیغ بر علیه رژیم، نشر اکاذیب، توهین به مقام رهبری و بر هم زدن نظم عمومی متهم شد. اعترافات کاذب وی سبب شد که در ۱۶ بهمن ۱۳۸۷ به دو سال حبس و تحمل ۸۴ ضربه شلاق محکوم گردد. او در حال حاضر با همسرش ساکن نیویورک می‌باشد.

مأموران اماکن داخل منزل میرابراهیمی شده و در حالیکه وی و همسر او آنها را نظاره می‌کردند، اساس میرابراهیمی را تفتیش کردند.<sup>۲۵۹</sup> یکی از مأموران به آن دو برگه جلیبی نشان داد:

ساعت ۸ صبح ... داخل دستشویی بودم که زنگ در را زدند و خانم در را باز کرد ... من که از دستشویی آمدم بیرون دیدم که پشت در خانه هستند ... اول چیزی نگفتند. بعد گفتند «چند تا سؤال داریم». گفتم «شما از کجا هستید؟ حکم دارید؟» گفتند «ما از دادستانی آمده‌ایم». حکم من هم یک کاغذ باطله بود که تا کرده بودند و پشت آن چیزهایی با خط بد نوشته شده بود ... یعنی نه مهری و

<sup>۲۵۵</sup> «واقعۀ عفو بین‌الملل»، رک. زیرنویس ۳.

<sup>۲۵۶</sup> «دادگاه پدر سینا مطلبی تشکیل شد: وکیل مدافع: اتهام فراری دادن متهم درباره موکل مصداق ندارد»، ایسنا، ۱۳۸۳/۸/۲۶، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-456456> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۵۷</sup> مصاحبه با روزبه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.

<sup>۲۵۸</sup> همان.

<sup>۲۵۹</sup> همان.

نه سر برگی ... نوشته هم این را نوشته بود که به منزل فلائی مراجعه شود و پس از بازرسی خانه فلائی به بازداشتگاه منتقل شود.<sup>۲۶۰</sup>

مأموران میرابراهیمی را دستگیر کردند و به همسر او گفتند که وی به زودی پس از پاسخگویی به چند سؤال آزاد خواهد شد.<sup>۲۶۱</sup> درست مانند رفیع‌زاده، میرابراهیمی نیز ابتدا به اداره اماکن برده شد. در آنجا وی را به یک وانت با شیشه‌های تیره منتقل کرده، به وی چشم‌بند زده و دستهای او را با دستبند اسرائیلی بستند. در طی بیست دقیقه رانندگی سر او را زیر صندلی هل داده و پس از ورود، لباسهای او را درآوردند، به طوری که فقط یک چشم‌بند داشت. در واقع در طول شصت روزی که وی در زندان بود به جز در مواقعی که در سلول تاریک خود یا در دستشویی بود، چشمان او را بسته بودند.<sup>۲۶۲</sup>

در ابتدا برای مجبور کردن میرابراهیمی به اعتراف به جرایم اخلاقی مانند زنای محصنه و روابط نامشروع، او را مورد بازجویی قرار دادند. هر گونه عدم همکاری از جانب وی منجر به مشت، لگد و کوبیدن سر او به دیوار می‌شد.

من را انداخت داخل سلول ... نزدیک ۱۲ ظهر آن روز بود. من چشمانم را باز کردم تا ببینم کجا هستم. کمتر از یک دقیقه دوباره در را باز کرد و گفت «چشمانت را ببند، چشم بندت را بستی؟» گفتم باشد. چشمانم را بستم ... من را از سلول آورد بیرون و برد به اتاق بازجویی. این هم یکی از تکنیکهای آنها است. یعنی به شما اجازه نمی‌دهند که خودت را در آن فضای جدید پیدا کنی ... روی صندلی نشستم تا بازجو بیاید ... گفت «هر چه می‌نویسم جوابش را بنویس». روی برگه‌های بازجویی نوشت «کلید روابط نامشروع خودت را بنویس». چشم‌بندم را آنقدر بالا بردم که بتوانم بنویسم و نوشتم من هیچ گونه روابط نامشروعی نداشتم. به من گفت که بلند شوم. پا شدم. به محض آنکه بلند شدم یک چک محکم به من زد ... گفت «دروغ می‌گویی؟!» گفتم که دروغی برای گفتن ندارم. مدتی من را زد و سپس گفت بنشین. دوباره نوشت کلید روابط نامشروع خودت را بنویس و من دوباره نوشتم که من هیچگونه رابطه نامشروعی نداشتم ... دوباره گفت که بلند شوم و زد تو شکم و سینه من و چند تا مشت و لگد و نیز زد که خوردم به دیوار و ... خلاصه هی می‌زد و بعد می‌نوشت و من هم همان را می‌نوشتم که من رابطه‌ای نداشتم ... تا ساعت ۹ شب همین ادامه داشت.<sup>۲۶۳</sup>

پس از یک هفته مقاومت، میرابراهیمی قبول کرد که با جملاتی کوتاه بنویسد که روابط نامشروع داشته است. این برای بازجوها کافی نبود. آنها از او می‌خواستند تا همکاران خود را نام برده و شرحی مفصل از روابط نامشروع خود با همکار و روزنامه‌نگار معروف دیگری برای آنها تهیه کند. میزان جزئیاتی که بازجوها از

<sup>۲۶۰</sup> همان.

<sup>۲۶۱</sup> «روزبه میرابراهیمی بازداشت شد»، ایسنا، ۱۳۸۳/۷/۶، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-436208> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۶۲</sup> مصاحبه با روزبه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.

<sup>۲۶۳</sup> همان.



میرابراهیمی می‌خواستند به حدی بود که تکرار آن برای وی شرم‌آور بود. نهایتاً نقش او نگاشتن شرحی بی‌پرده از ماجرای شده بود که توسط بازجوها ساختهو پرداخته و به او دیکته می‌شد.<sup>۲۶۴</sup>

در اواسط مهر ماه ۱۳۸۳ روزنامه دولتی کیهان نظرات شرعی چند روحانی عالیرتبه را منتشر کرد که اصرار می‌ورزیدند وبسایتهای غیرمذهبی و غیراخلاقی حرام بوده و باید فیلتر بشوند.<sup>۲۶۵</sup> به دنبال آن، سرمقاله‌ای از حسین شریعتمداری، سردبیر روزنامه کیهان، درباره آنچه که او آن را شبکه‌ای تخریبی متشکل از روزنامه‌نگاران اینترنتی و وبلاگ‌نویسها به حساب می‌آورد، انتشار یافت.<sup>۲۶۶</sup> شریعتمداری که مستقیماً توسط مقام رهبری به مدیریت مؤسسه کیهان منتصب شده است، نمایانگر محافظه‌کارترین قشر دولت می‌باشد. در آن زمان، حسین درخشان، وبلاگ‌نویسی که توضیح چگونگی ساختن وبلاگ فارسی را نوشته بود به مبارزاتی اینترنتی برای متوقف نمودن سانسور شبکه جهانی اینترنت در ایران دست زده بود. وی در وبلاگ خود نوشت:

بر اساس تجربیات گذشته می‌بینیم که کیهان همیشه پس از آنکه هر یک از این صحنه‌ها با چند دستگیری آغاز می‌شود، تمام ماجرا را به تصویر می‌کشد. بنابراین همه ما باید از سرنوشت تمامی این جوانان بیگناه روزنامه‌نگار نگران باشیم که احتمالاً به صرف بدشاندگی در این داستان هولناکی که سعی می‌کند دست سازمان سیا را در تمامی قسمتهای سیاسی فعال اینترنت فارسی بیابد، جور درآمده‌اند.<sup>۲۶۷</sup>



امید معماریان

امید معماریان در ۱۹ مهر ۱۳۸۳ دستگیر و تا ۱۲ آذر آن سال در زندان بود تا آنکه با سپردن وثیقه ۵۰۰ میلیون ریالی آزاد گردید. او به عضویت در گروه‌های غیرقانونی، همکاری با آن گروه‌ها، تبلیغ علیه نظام، نشر اکاذیب، و داشتن ورق بازی، به دو سال و نیم حبس محکوم شد. معماریان نیز مجبور به اعترافات دروغین گردید.

سرمقاله شریعتمداری که عنوان «خانه عنکبوت»<sup>۲۶۸</sup> را داشت چارچوبی فکری برای بدگویی از روزنامه‌نگاران اینترنتی و وبلاگ‌نویسها فراهم آورده و زمینه را برای توجیه مشروعیت تلاشهای رژیم برای سرکوب آنها مهیا می‌ساخت. نکات مهمی که شریعتمداری مطرح کرده بود، به شرح زیر است:

<sup>۲۶۴</sup> همان.

<sup>۲۶۵</sup> مطلب چاپ شده حسین درخشان در وبسایت «سانسور ما را متوقف کنید»، قابل دسترسی در [http://stop.censoring.us/archives/2004\\_09.php](http://stop.censoring.us/archives/2004_09.php) (۲۶ سپتامبر ۲۰۰۴) (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۶۶</sup> حسین شریعتمداری، «یادداشت روز: خانه عنکبوت»، کیهان، ۱۳۸۳/۷/۸، قابل دسترسی در <http://blog.gooya.com/archives/000108.php> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۶۷</sup> مطلب چاپ شده حسین درخشان در وبلاگ «سردبیر: خودم»، قابل دسترسی در <http://hoder.com/weblog/archives/012304.shtml> (۲۹ سپتامبر ۲۰۰۴) (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۶۸</sup> این عنوان اشاره به سوره «عنکبوت» در قرآن است که اخطار می‌کند «آنان که به غیر از الله پروردگاری برگزیده‌اند» مانند «عنکبوت هستند که برای خود خانه‌ای می‌سازد و همانا که سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است.» قرآن سوره «عنکبوت»، آیه ۲۹ (ترجمه) قابل دسترسی در <http://www.seyed.com/quran2/029ankab.htm> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).



جواد غلام تمیمی

جواد غلام تمیمی در ۲۷ مهر ۱۳۸۳ دستگیر گردید. عاقبت او را به عضویت در گروه‌های غیرقانونی، خیانت علیه کشور، تبلیغ علیه رژیم، و نشر اکاذیب متهم نموده و در مجموعه قضایی شهید بهشتی مورد محاکمه قرار دادند. تمیمی به سه سال و سه ماه حبس و تحمل ۱۰ ضربه شلاق محکوم شد. وی در ۱۵ آذر همان سال مجبور به نوشتن نامه‌ای مبنی بر انکار هر گونه بدرفتاری با او در زندان شد و سپس این نامه از داخل زندان اوین به خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) با نامبر مخابره شد.

• وبلاگ‌نویسها و روزنامه‌نگاران بخشی از یک شبکه بین‌المللی تحت حمایت دولتهای خارجی هستند که برای حمله به دولت جمهوری اسلامی ایران طرح شده‌اند. این شبکه «هویت آمریکایی و شناسنامه ایرانی» دارد.

• مرکز اصلی هدایت این گروه در آمریکا قرار داشته و مراکز کمکی آن در اروپا ست.

• این شبکه از طریق سایتهای اینترنتی، روزنامه‌ها و گروه‌های «افراطی» که «مدعی اصلاحات هستند ... به علاوه عواملی که در دولت دارند» حملات خود را انجام می‌دهند. «امروز» و «گویا» دو سایت اصلی متعلق به این شبکه هستند.

• اعضاء بین‌المللی این شبکه با استفاده از وبلاگها و اطاقهای گپ (chatroom) جوانان بیگناه را اغوا نموده و آنان را به مراکز فساد و فحشاء معرفی می‌کنند.

• همکاران آنها در ایران که توسط تصمیم‌گیرندگان خارجی هدایت می‌شوند، درباره مسائل خاصی می‌نویسند. سپس خبرگزاریهای خارجی آن گزارشها را بر می‌گزینند و شروع به انتقاد و حمله به دولت جمهوری اسلامی، مقامات عالی‌رتبه آن و اسلام می‌کنند. بعضی از این همکاران در ایران «جوانان جویای شهرت» هستند که با وعده‌های دریافت مقامات عالی پس از برانداختن رژیم یا با وعده تحصیلات

رایگان در کشورهای اروپایی و آمریکایی تطمیع می‌شوند، برخی دیگر نیز آگاهانه در این فعالیتها درگیر هستند.

• بعضی از این سایتها را نمی‌توان فیلتر کرد.<sup>۲۶۹</sup>

این سرمقاله مخالفین را به عنوان عوامل خارجی و مخرب جلوه داد و با حالتی تهدیدآمیز، افراد و وب‌سایتهایی را که به همکاری با خانه عنکبوت متهم شده بودند نام برد.<sup>۲۷۰</sup> در میان افرادی که نام آنها عنوان شده بود رفیع‌زاده (با نام «شهرام ر.»)، میرابراهیمی (با نام «روزبه م.»)، غفوری آذر (با نام «بابک ق.»)، درایتی (با نام «مهدی د.»)، و مزروعی (با نام «حنیف م.») ذکر شده بودند که تمام آنها در آن هنگام دستگیر شده بودند. تمام این

<sup>۲۶۹</sup> شریعتمداری، رک. زیرنویس ۲۶۶.

<sup>۲۷۰</sup> همان. این افراد شامل ۱۳ تن می‌باشند که در خارج از ایران به سر می‌برند (با ذکر نام به طور کامل) و ۱۳ تن که مقیم ایران بوده و با پایگاه‌ها و روزنامه‌های مختلف همکاری دارند (با ذکر نام و حرف اول نام خانوادگی)، و ۷ تن که در دولت صاحب مقام هستند از جمله محمد علی ابطی (با ذکر نام و حرف اول نام خانوادگی). همان.

افراد به جز غفوری آذر در زندان ماندند. این مقاله همچنین از امید معماریان (با نام «امید م.») نام برده بود که اندکی بعد دستگیر شد.<sup>۲۷۱</sup>

مقامات در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۸۳ به دفتر کار امید معماریان رفتند. وی که در جشنواره ملی مطبوعات ایران در ۱۳۸۰ برنده جایزه «قلم طلایی» شده بود، روزنامه‌نگار مشهوری بود که در ۱۳۸۱ نگارش در وبلاگ خود را آغاز کرده بود. در آخرین مطلبی که پیش از دستگیری در این وبلاگ نوشته بود، وی دستگیری پدر سینا مطلبی را محکوم کرده و نتیجه گرفته بود چنین حرکاتی نشانگر نگرانی عوامل محافظه کار دولت درباره تأثیر و نفوذ وبلاگ‌نویسها است.<sup>۲۷۲</sup>

دستگیری وی مشابه دستگیری شهرام رفیع‌زاده و روزبه میرابراهیمی بود. وی به دنبال یورش مأموران به خانه خود که در طی آن کامپیوتر و نوشته‌های او توقیف شدند، دستگیر گردید.<sup>۲۷۳</sup> بعد از گذشت بیش از یک هفته خانواده معماریان قادر به کشف محل نگهداری وی نبودند. وکیل وی نعمت احمدی تلاش کرد تا از طریق دادسرای فرودگاه با او تماس بگیرد اما موفق نشد. وی همچنین نسبت به عدم صدور برگه جلب برای دستگیری معماریان اعتراض نموده و درخواست کرد تا پرونده وی از دادگاه مهرآباد به دادگاه دیگری منتقل گردد.<sup>۲۷۴</sup> در پاسخ فقط به او گفتند محل نگهداری معماریان به زودی اعلام خواهد شد.<sup>۲۷۵</sup>

در روز ۱۷ مهر جواد غلام تمیمی، ویراستار روزنامه اصلاح طلب مردم سالاری، پس از احضار توسط دادسرای شعبه فرودگاه،<sup>۲۷۶</sup> دستگیر گردید. کمی بیش از یک هفته بعد، یعنی در ۷ آبان، فرشته قاضی، روزنامه‌نگار اینترنتی، با تلفن به همان شعبه دادسرا احضار شد. قاضی به دلیل نوشتن درباره مسائل زنان و نیز کمک برای نجات جان افسانه نوروزی، که به دلیل قتل فردی که قصد تجاوز به وی را داشت حکم اعدام دریافت کرده بود، در لیست سیاه رژیم قرار گرفته بود.<sup>۲۷۷</sup> در روز ۶ آبان، وی با پیروی از احضاریه به شعبه ۹ رفت که در آنجا بازداشت شد. او چهل روز بعد با سپردن وثیقه ۵۰۰ میلیون ریالی آزاد گردید. پس از آزادی در نتیجه اثرات یک

---

<sup>۲۷۱</sup> شریعتمداری، رک. زیرنویس ۲۶۶. رویداد، وبسایتی بود که با جناح اصلی اصلاح‌طلبان، یعنی جبهه مشارکت ایران اسلامی مرتبط بود. پدران مزروعی و درایتی اعضاء عالی‌رتبه این جناح بوده و فعالانه درباره آزادسازی همکاران این پایگاه‌ها صحبت می‌نمودند. نگاه کنید به نامه مزروعی، رک. زیرنویس ۲۵۲.

<sup>۲۷۲</sup> مطالب چاپ شده توسط امید معماریان در وبلاگ امید معماریان، قابل دسترسی در [http://omidmemarian.blogspot.com/2004\\_09\\_01\\_omidmemarian\\_archive.html](http://omidmemarian.blogspot.com/2004_09_01_omidmemarian_archive.html) (۱۷ سپتامبر ۲۰۰۴) (تاریخ دسترسی ۲۷ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۷۳</sup> اطلاعیه مطبوعاتی، گزارشگران بدون مرز: «روزنامه‌نگار در تلاش برای سرکوب اینترنت بازداشت شد» [Press Release, Human Rights Watch, Iran: Journalist Detained in Internet Crackdown] (۱۳ اکتبر ۲۰۰۴)، قابل دسترسی در <http://www.hrw.org/en/news/2004/10/13/iran-journalist-detained-internet-crackdown> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۷۴</sup> «محل نگهداری امید معماریان فردا به وکیل وی اعلام می‌شود»، ایسنا، ۱۳۸۳/۷/۲۶، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-444694> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۷۵</sup> همان.

<sup>۲۷۶</sup> اطلاعیه مطبوعاتی، گزارشگران بدون مرز: «حمایت روزنت‌های معتبر جهانی از وب‌نگاران زندانی در ایران»، (۱۳۸۳/۷/۲۹)، قابل دسترسی در <http://www.rsf-persan.org/article11656.html> (تاریخ دسترسی ۲۷ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۷۷</sup> علوی، رک. زیرنویس ۸۲، صص. ۳۳۷-۳۳۸.

اعتصاب غذای بیست و سه روزه و شکستگی بینی، وی مستقیماً به بیمارستان انتقال داده شد.<sup>۲۷۸</sup> قاضی تنها پس از آزادی خود توانست وکیل بگیرد.<sup>۲۷۹</sup>

اگرچه دستگیری قاضی با دیگر دستگیریها در یک زمان واقع شد اما برخی می‌پرسند آیا دستگیری وی به علت فعالیت‌های وبلاگ‌نویسی او بوده یا خیر و معتقد هستند که وی به این دلیل هدف واقع شد که بی‌لیاقتی قوه قضاییه را فاش ساخته و با نشریه اصلاح‌طلب «امروز» همکاری داشت. اگر چه او با بسیاری دیگر از روزنامه‌نگاران اینترنتی و وبلاگ‌نویسان علاقمند کار کرده بود، اما شخصاً به ندرت در وبلاگ شخصی خود مطلب می‌نوشت.<sup>۲۸۰</sup> صرف نظر از دلایل دستگیری، پس از بهبود یافتن، وبلاگ‌نویسی بخشی مهم از روش بیان عقاید برای او شد:

زندان به من آموخت که باید در روزنامه نوشت، در وبلاگ و بر روی وبسایتها، روی دیوارها و هر جای دیگر که بتوان، باید نوشت. به خاطر می‌آورم هنگامی که [تلویزیون تحت کنترل دولت] پخش ترانه‌های حسین زمان را ممنوع کرد، او گفت: «بگذار ترانه‌هایم را منع کنند. من آنها را در خیابانها و کوچه‌ها خواهم خواند.»<sup>۲۸۱</sup>

در آبان ماه ۱۳۸۳ در واکنش به موج دستگیریها، یک سخنران در جلسه انجمن صنفی مطبوعات پیشنهاد نمود بهتر است همه روزنامه‌نگاران تهران و کالتنامه‌ای امضاء نموده و وکیلی برای خود برگزینند و آن را نزد یکی از بستگان خود بگذارند تا اگر دستگیر شدند، مورد استفاده قرار گیرد. فرد دیگری به شوخی گفت بهتر خواهد بود اگر به جای آن وصیت نامه خود را بنویسند.<sup>۲۸۲</sup> با شدت یافتن تنشها، سخنگوی قوه قضاییه، جمال کریمی‌راد، در روز ۱۲ آبان با اعضای انجمن ملاقات نموده و ادعا نمود پانزده تن از دستگیرشدگان به علت جرایم امنیتی و هشت نفر دیگر به دلیل ارتکاب به جرایم اخلاقی دستگیر شده‌اند.<sup>۲۸۳</sup>

---

<sup>۲۷۸</sup> مطالب چاپ شده توسط محمد علی ابطحی در «وبنوشت، سایت شخصی محمد علی ابطحی»، قابل دسترسی در <http://webneveshteha.com/weblog/?id=-1723924679> (۱۲ ژانویه ۲۰۰۵) (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹). بر خلاف بسیاری از زندانیان مرد، قاضی به زندان اوین فرستاده شد، اگرچه که در آنجا با خشونت با وی رفتار شد. نگاه کنید به «فرشته قاضی: چرا همه رفتارهای غیر قانونی را در شکستگی بینی من خلاصه کرده‌اند؟»، ایسنا، ۱۳۸۳/۱۱/۱۶، قابل دسترسی در <http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-490239> (تاریخ دسترسی ۲۷ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۷۹</sup> «اخبار کوتاه حقوقی: سیف‌زاده وکالت فرشته قاضی را قبول کرد»، ایسنا، ۱۳۸۳/۹/۲۱، قابل دسترسی در <http://isna.ir/Isna/NewsView.aspx?ID=News-466687> (تاریخ دسترسی ۲۷ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۸۰</sup> مصاحبه با روزبه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.

<sup>۲۸۱</sup> علوی، رک. زیرنویس ۸۲، ص. ۳۳۹ (که از وبلاگ فرشته قاضی در [www.fereshteh.blogfa.com](http://www.fereshteh.blogfa.com) نقل قول می‌کند).

<sup>۲۸۲</sup> فرانسیس هاریسون، «اعتراضات بر علیه دستگیری وبلاگ‌نویسان ایرانی»، بی.بی.سی. [Frances Harrison, *Protests Against Iran Blog*]. [http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle\\_east/376482.stm](http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/376482.stm)، ۲۱ اکتبر ۲۰۰۴، قابل دسترسی در [http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle\\_east/376482.stm](http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/376482.stm) (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۸۳</sup> «مجلس نمی‌تواند در امور قضایی و اختیارات قوه قضائیه تحقیق و تفحص کند»، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۳/۸/۱۲، قابل دسترسی در <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8308120169> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).



مجیدی سمیع نژاد

سمیع نژاد، وبلاگ نویسی که خبر دستگیری و طرز رفتار با روزنامه نگاران و دیگر وبلاگ نویسیها را در اینترنت منتشر می ساخت در ۱۰ آبان ۱۳۸۳ دستگیر شد. او به بدترین جرایمی که در اختیار دادستان بود متهم شده و با حکم اعدام مواجه گشت. با کمک وکیل خود محمد سیف زاده، وی موفق شد در برابر این جرایم از خود دفاع کند. او به دو سال و ده ماه حبس محکوم شد. اما در خرداد ۱۳۸۵ آزاد شد. وی هنوز ساکن ایران است و به وبلاگ نویسی ادامه می دهد.

در پاسخ به این اعلامیه، انجمن صنفی مطبوعات به رهبری رجبعلی مزروعی، پدر حنیف مزروعی، نامه ای به هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه نوشت و اظهار نمود اگر عملیات احضار، تعقیب و بازداشت روزنامه نگاران و خبرنگاران ادامه یابد، نتیجه ای جز ویرانی کشور به همراه نخواهد داشت.<sup>۲۸۴</sup> این نامه همچنین درخواست کرد که دستگیریها و بازداشتها متوقف گردند و کمیته ای برای سامان دادن به روابط میان قوه قضاییه و انجمن صنفی مطبوعات تشکیل گردد.<sup>۲۸۵</sup> دادستان مرتضوی، بدون اعتنا به این نامه به انجمن اظهار نمود که اعتراضات آنها را تحمل نخواهد نمود. یک ماه بعد، وی در نامه ای به انجمن و مزروعی اظهار نمود که:

به استحضار می رساند حمایت از مجرمینی که دارای اتهاماتی مثل جاسوسی و خیانت به کشور هستند و خود به اعمال خلاف قانون انجام شده اذعان و اعتراف دارند و مدارک مجرمانه آن کشف و ضبط شده است و فراخوان برای تجمع، آن هم در محل ساختمان کاخ دادگستری در حمایت از اینگونه مجرمین از مصادیق ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی<sup>۲۸۶</sup> می باشد، لذا در صورت تحقق امر حاضر که نتیجه آن اخلال در نظم و آسایش جامعه است با جناب عالی و عاملین این فراخوان غیرقانونی و مخل امنیت برخورد جدی و قانونی صورت خواهد گرفت.<sup>۲۸۷</sup>

دادستان مرتضوی همچنین به افرادی که کماکان در بازداشت به سر می بردند - شهرام رفیع زاده، روزبه میرابراهیمی، جواد غلام تمیمی، و امید معماریان، معامله ای پیشنهاد نمود.<sup>۲۸۸</sup> بر اساس شرایط این معامله هر بار یکی از این افراد

آزاد می شد به شرط آنکه هر یک از آنها ندامت نامه ای نوشته و در آن از رفتار انسان دوستانه ای که با آنها شده تعریف نمایند، به جرایمی که مرتکب شده اند اعتراف نمایند، و اذعان نمایند که آنچه مرتکب شده اند اشتباه و غیرقانونی بوده است. اگر اولین وبلاگ نویسی که آزاد می شود از نوشتن چنین نامه ای امتناع ورزد و یا از انتشار

<sup>۲۸۴</sup> «نامه سرگشاده انجمن صنفی مطبوعات به هاشمی شاهرودی، بامداد»، گویا نیوز، ۱۳۸۳/۸/۱۵، قابل دسترسی در <http://akhbar.gooya.com/politics/archives/018516.php> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۸۵</sup> همان.

<sup>۲۸۶</sup> ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی در ارتباط با بی نظمی عمومی و رفتارهای مخل آسایش و آرامش مردم می باشد.

<sup>۲۸۷</sup> «تجمع انجمن صنفی روزنامه نگاران غیرقانونی است»، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۳/۹/۱۴، قابل دسترسی در <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8309140272> (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۸۸</sup> مصاحبه با روزبه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.



کیانوش سنجری

کیانوش سنجری از آغاز جوانی فعالیت خود را در ایران آغاز کرد. وی برای جلب توجه مردم به وضعیت زندانیان سیاسی در ایران شروع به وبلاگ‌نویسی و انتشار مطالب بر روی اینترنت نمود. وی به دفعات به دلیل شرکت در تظاهرات و اعتراضات دستگیر شد. اما فعالیتهای وبلاگ‌نویسی او سبب شد تعداد زیادی از مأموران نیروی انتظامی با هجوم به آپارتمان وی، او را در منزل خود دستگیر نمایند. پس از آخرین دستگیری، وی ایران را ترک گفته و در حال حاضر در واشنگتن دی.سی. اقامت دارد.

آن خودداری نماید، هیچیک از افراد دیگر آزاد نخواهند شد. همین روش شامل حال نفر بعد نیز خواهد شد تا تمامی آنها آزاد گردند.<sup>۲۸۹</sup>

ابتدا در روز ۵ آذر میرابراهیمی آزاد شد و ندامت نامه خود را پنج روز بعد منتشر کرد. معماریان در روز ۱۱ آذر آزاد شد و رفیع‌زاده و تمیمی حدود یک هفته بعد آزاد شدند. تمام آنها ندامت نامه نوشته و رفتار خوبی که در زندان با آنها شده بود را شرح داده و مسئولیت برخی از جرایمی که به آن متهم شده بودند را پذیرفتند. آنها همچنین برای آنکه این همه مشکلات ایجاد کرده بودند عذرخواهی نمودند. دادستان مرتضوی علناً ادعا کرد که حق به جانب او بوده است.<sup>۲۹۰</sup>

اما رجبعلی مزروعی در نامه‌ای به تاریخ ۲۲ آذر خطاب به رئیس جمهور خاتمی، به این نامه‌ها پاسخ گفته و شرح داد چگونه پسرش حنیف در دوران زندان مورد آزار و بدرفتاری قرار گرفته است.<sup>۲۹۱</sup>

اگر نبود انتشار نامه‌هایی منسوب به روزنامه‌نگاران بازداشتی مرتبط با پروژه برخورد با سایت‌های اینترنتی از سوی خبرگزاری قوه قضاییه، انگیزه انتشار عمومی این نامه را نمی‌یافتیم اما گرد و غباری را که دست‌اندرکاران این پروژه از طریق انتشار این ندامت‌نامه‌ها خواستند بر اعمال غیرقانونی، ضداخلاقی و ظالمانه خود بکشند مرا وادار به انتشار این نامه کرد. امیدواریم همچنان که دادستانی تهران برخی مطبوعات را به چاپ و انتشار آن نامه‌ها اجبار کرد اجازه چاپ و انتشار نامه بنده را بدهد و به سانسور متوسل نشود تا «طالبان حقیقت و دوستداران عدالت» بتوانند در پس گرد و غبارها به

واقعیت آنچه بر سر بازداشت‌شدگان مرتبط با سایت‌های اینترنتی آمده، دست یابند.

وی همچنین تلاشهای بی‌ثمر خود را برای ملاقات پسر خود در زندان شرح داد. او توصیف کرد چگونه از وی خواستند که به شعبه ۹ دادرسی فرودگاه رفته و برای پسر خود وثیقه بگذارد. در آنجا او متوجه شد که هیچ یک از دفاتر ثبت اداره دادستانی نام زندانیان یا بازداشت‌شدگان اینترنتی را قید نکرده‌اند و هیچگونه پرونده یا اسنادی در ارتباط با آنها وجود ندارد.<sup>۲۹۲</sup> وی همچنین به محمد خاتمی گزارش نمود که قوه قضاییه از ذکر محل

<sup>۲۸۹</sup> همان.

<sup>۲۹۰</sup> همان.

<sup>۲۹۱</sup> نامه مزروعی، رک. زیرنویس ۲۵۲.

<sup>۲۹۲</sup> نامه مزروعی، همان.

زندانی که پسرش را در آن نگاهداشته بودند خودداری ورزیده و ادعا نموده‌اند که زندان مزبور غیرقانونی بوده و خارج از قلمرو نظارت سازمان زندانهای کشور عمل می‌کند.<sup>۲۹۳</sup>

در پاسخ به نامه مزروعی و نیز نامه مشابهی از شوهر فرشته قاضی، احمد محمد بیگلو، رئیس جمهور خاتمی دستور تشکیل کمیسیونی از طرف ریاست جمهوری برای رسیدگی و نظارت بر اجرای قانون اساسی را صادر نمود تا درباره اتهامات شکنجه و دستگیریهای اینترنتی تحقیقاتی را انجام دهد. در اولین جلسه استماع این کمیسیون که در روز ۵ دی ۱۳۸۳ برگزار گردید، زندانیان سابق از جمله حنیف مزروعی و فرشته قاضی درباره دستگیریها و بازداشت خویش شهادت دادند. در دومین جلسه استماع در تاریخ ۱۲ دی ۱۳۸۳ و پس از آنکه هر چهار زندانی آزاد شده بودند، میرابراهیمی و معاریان در برابر کمیسیون ریاست جمهوری شهادت دادند و فوراً مطالب مندرج در ندامت نامه‌های خود را تکذیب نمودند.<sup>۲۹۴</sup> کمیسیون ریاست جمهوری بعداً گزارش کرد که:

اگر حتی قسمتی از آن اظهارات ... درست باشد ... نشان‌دهنده روند خطرناکی در نظام تعقیب و پیگیری جرم و مجرم و دادرسی است که با اصول قانون اساسی و مبنای اسلامی آن مغایرت آشکار دارد ... در عین حال، لازم به یادآوری است که حسب ادعاهای مطرح شده بسیاری از این اقدامات نادرست انجام شده در اداره اماکن و اطلاعات ناجا و بازداشتگاه‌های متعلق به نیروی انتظامی صورت گرفته است و طبق قانون نیروی انتظامی وابسته به وزارت کشور است.<sup>۲۹۵</sup>

این وبلاگ‌نویسان سپس به کمیسیون اصل نود مجلس شکایت نموده و با تحت فشار گذاشتن مداوم، بالاخره موفق شدند ملاقاتی با رئیس قوه قضاییه آیت‌الله شاهرودی<sup>۲۹۶</sup> داشته باشند. شاهرودی به آنها گفت که از آن پس دیگر به احضاریه‌ها اعتنا نکنند و در روز ۲۳ دی ماه اعلام شد که شاهرودی یک کمیسیون سه نفره برای تحقیق و رسیدگی به این بازداشتها تشکیل داده است.<sup>۲۹۷</sup>

در ۳۱ فروردین ۱۳۸۴، سخنگوی قوه قضاییه تأیید نمود که اعترافات رفیع‌زاده، میرابراهیمی، معاریان و تمیمی تحت اعمال زور و فشار گرفته شده است. با این وجود، در ۱۵ بهمن ۱۳۸۷ و به دنبال محاکمات غیرعلنی، هر چهار تن به حبس، جریمه نقدی، و شلاق محکوم شدند.<sup>۲۹۸</sup> فرجام خواهی آنها در حال تعلیق است. رفیع‌زاده، میرابراهیمی، و معاریان ایران را ترک کرده‌اند.

<sup>۲۹۳</sup> همان.

<sup>۲۹۴</sup> مصاحبه با روزبه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.

<sup>۲۹۵</sup> نامه دکتر حسین مهرپور به محمد خاتمی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، (۱۵ دی ۱۳۸۳) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

<sup>۲۹۶</sup> مصاحبه با روزبه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.

<sup>۲۹۷</sup> «برگزاری دادگاه چهار روزنامه نگار در ۲۶ تیر»، روزآنلاین، ۱۳۸۶/۴/۱۸، قابل دسترسی در [http://www.roozonline.com/archives/2007/07/26\\_1.php](http://www.roozonline.com/archives/2007/07/26_1.php) (تاریخ دسترسی ۲۵ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۲۹۸</sup> همان.

مجتبی سمیع‌نژاد، دانشجو و وبلاگ‌نویسی که چندین مقاله درباره دستگیری و بازداشت بسیاری از روزنامه‌نگاران اینترنتی بر وبلاگ خود گذاشته بود در تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۸۳ دستگیر گردید. وی ۸۸ روز را در حبس انفرادی گذراند و مورد بازجویی و شکنجه قرار گرفت. او در ۸ بهمن ۱۳۸۳ آزاد شد و اگر چه علیه وی اعلام جرمی صورت نگرفت اما کماکان تحت نظر بوده و به وی اخطار شد که در صورتی که بخواهد از شیرین عبادی و محمد سیف‌زاده، وکلای برجسته و فعال حقوق بشر، برای دفاع از خود استفاده کند مجدداً زندانی خواهد شد.<sup>۲۹۹</sup>



مجتبی لطفی

مجتبی لطفی، روزنامه نگار و طلبه، ابتدا در اواسط اردیبهشت ۱۳۸۳ به دلیل انتشار مقاله‌ای در ارتباط با حقوق بشر بر سائیتی جدید دستگیر شد. وی دو ماه و نیم بعد از زندان آزاد گردید. در مرداد ماه، لطفی توسط دادگاه ویژه روحانیت در قم به ۴۶ ماه حبس محکوم گردید. او در ۶ شهریور ۱۳۸۴ به دنبال یک مرخصی کوتاه مدت به مناسبت جشنی مذهبی، آزاد شد اما در مهر ماه ۱۳۸۷ مجدداً دستگیر شد. در حال حاضر وی دوران محکومیت چهار ساله خود را که در آذر ماه ۱۳۸۷ دریافت کرده بود، سپری می‌کند.

بلافاصله پس از آزادی، سمیع‌نژاد نزد سیف‌زاده رفته و درخواست کمک نمود. در ۱۳ بهمن ۱۳۸۳، او با تلفن احضار شده و زندانی شد.<sup>۳۰۰</sup> این بار او به جرم ارتداد، توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی (مطابق ماده ۵۱۴ قانون مجازات عمومی)، اقدام بر علیه امنیت ملی (ماده ۵۰۰)، و اتهامات ضمنی داشتن روابط نامشروع، ترویج فساد و فحشاء، و ایجاد اغتشاش در میان مردم (مواد ۶۷۳، ۶۳۹ و ۶۹۸) محاکمه شد. این اتهامات میان شعبات ۷۸ و ۱۰۸۴ دادگاه کیفری استان و شعبه ۱۳ دادگاه انقلاب اسلامی تقسیم شده بود.

مجازات اتهام اول او یعنی ارتداد مطابق قانون شرع اسلام اعدام می‌باشد اما در قانون مجازات اسلامی ایران جرمی به نام ارتداد عنوان نشده است. این موضوع سبب نگرانی قاضی شعبه ۷۸ گردید:

ریاست شعبه که روحانی باسواد و روشن ضمیر و انسانی بود، پرونده را مسترد داشت و نوشت اولاً بر طبق اصل [۳۶ قانون اساسی و الزام] قانونی بودن جرم و مجازات، جرمی به نام ارتداد نداریم، ثانياً اگر در جرمی اعتقاد به تعقیب دارید باید با صدور کیفرخواست پرونده را به دادگاه صالح بفرستید (قاضی مقدس و ابواب جمعی او این امور

<sup>۲۹۹</sup> «بازخوانی پرونده مجتبی سمیع‌نژاد توسط وکیل او، محمد سیف‌زاده»، روزآنلاین، [تاریخ ندارد]، قابل دسترسی در <http://man-namanam.blogspot.com> (۲۲ سپتامبر ۲۰۰۵) (تاریخ دسترسی ۲۷ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «مطلب سیف‌زاده»].

<sup>۳۰۰</sup> هنگامی که سمیع‌نژاد در بازداشت به سر می‌برد، گروهی که با حزب‌الله، جنبش اسلام‌گرایان تندرو ایرانی مرتبط بودند، وبلاگ او را هک کردند و آدرس وبلاگ او به وبلاگ این گروه (<http://irongroup.blogspot.com>) منتقل شد. پس از آزادی، او آدرس جدیدی برای وبلاگ خود برگزیده و آن را مجدداً دایر ساخت (<http://8mdr8.blogspot.com>) که همین کار ممکن است دلیل دستگیری مجدد او بوده باشد. اطلاعیه مطبوعاتی، گزارشگران بدون مرز، «وبلاگ‌نویس مجتبی سمیع‌نژاد پس از حدود ۱۸ ماه در زندان، پیش از موعد مقرر آزاد می‌شود»، قابل دسترسی در [http://www.rsf.org/print.php3?id\\_article=18910](http://www.rsf.org/print.php3?id_article=18910) (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹).



ابتدایی را که دانشجوی سال اول حقوق می‌داند را هم نمی‌دانستند و یا اگر می‌دانستند، قبول نداشتند که آن بسیار بدتر است.<sup>۳۰۱</sup>

بنابراین اتهامات اصلاح شده و سمیع‌نژاد بر اساس ماده ۵۱۳ متهم به توهین به پیامبر اسلام شد، جرمی که مجازات اعدام را دارا است. تاریخ اولین محاکمه وی ۳۱ خرداد ۱۳۸۴ تعیین شد، و طی چندین جلسه بعد، از دادستان خواسته شد که هم اتهام را توضیح دهد و هم شواهد و مدارکی برای این جرم ارائه دهد.<sup>۳۰۲</sup> وی در پاسخ مطالبی را از وبلاگ سمیع‌نژاد به غلط نقل کرده و او را به انکار وجود امام دوازدهم متهم نمود. سیف‌زاده پاسخ دادگاه را اینطور تعریف می‌کند:

رئیس دادگاه خطاب به نماینده دادستان گفت آقا پس شما مدعی هستید که ایشان به امام زمان توهین کرده و نیز وجود امام زمان را منکر شده که اولاً یک میلیارد مسلمان اهل تسنن معتقد به امام زمان نیستند، آیا اینها مشمول ارتداد و یا ساب النبی هستند؟ و باید اعدام شوند؟ ثانیاً موضوع کیفرخواست فعلی فقط ساب النبی است و موضوع ارتداد منتفی شده [است].<sup>۳۰۳</sup>

سمیع‌نژاد از اتهام توهین به پیامبر اسلام نیز تبرئه شد و در ۱۲ تیر ۱۳۸۴ شعبه ۷۸ فرمان آزادی او را صادر نمود. اگرچه دادگاه انقلاب اسلامی نیز او را از اتهام اقدام علیه امنیت ملی تبرئه نمود، اما او را در مورد توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران گناهکار دانسته و وی را به دو سال حبس محکوم نمود. علاوه بر آن شعبه ۱۰۸۴ هم او را به ده ماه حبس برای ایجاد اغتشاش در میان مردم محکوم نمود. پس از گذراندن ۱۸ ماه در زندان، در خرداد ۱۳۸۵ به سمیع‌نژاد اجازه مرخصی در منزل دادند و او رسماً در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۸۵ آزاد گردید.

یک فعال دانشجویی دیگر که عضو انجمن زندانیان سیاسی ایران بود، کیانوش سنجری است که در ۲ تیر ماه ۱۳۸۴ دستگیر شد. سنجری بارها و بارها به دلیل حضور مداوم در تظاهرات و اعتراضها دستگیر و زندانی شده بود.<sup>۳۰۴</sup> اولین دستگیری وی در تیر ماه ۱۳۷۹ در سن هفده سالگی و برای شرکت در اعتراضات سالروز تظاهرات خوابگاه دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸ بود.<sup>۳۰۵</sup> او حدود سه ماه زندانی شد. سنجری تا تابستان ۱۳۸۴ به وبلاگ‌نویسی پر اشتیاق مبدل شده بود که مقالاتی درباره وضعیت زندانیان سیاسی روی وبلاگ خود منتشر می‌ساخت. تنها پس از شروع این فعالیت بود که وی تماسهایی تلفنی در منزل خود در تهران دریافت داشت که در آنها از او خواستند خود را به مقامات تسلیم نماید. وی از رفتن امتناع کرد.

<sup>۳۰۱</sup> «مطلب سیف‌زاده»، رک. زیرنویس ۲۹۹.

<sup>۳۰۲</sup> همان.

<sup>۳۰۳</sup> همان.

<sup>۳۰۴</sup> مصاحبه با کیانوش سنجری، (۲۴-۲۳ اکتبر ۲۰۰۸) [از این به بعد: «مصاحبه با کیانوش سنجری»].

<sup>۳۰۵</sup> اعتراضات دانشجویی تیر ماه ۱۳۷۸ گسترده‌ترین، فراگیرترین و خشونت‌بارترین اعتراضات عمومی در ایران از اوایل انقلاب ایران تا آن زمان بود.

در روز ۲ تیر ۱۳۸۴ سنجری در خانه خود دستگیر شد. او در را به روی مراجعه کننده‌ای گشود و فوراً متوجه شد که مأمور پست پشت در که هویت او را می‌پرسد، در واقع پستی نیست: «چهره او مانند [مأمورانی] بود که من دیده بودم در تظاهرات یا زندانها». سنجری از ورود این مرد به داخل منزل ممانعت کرد. در عوض سخت افزار کامپیوتر خود را از پنجره به حیاط انداخت و به یکی از دوستان خود تلفن کرد تا صدای آنها را شنیده و شاهد دستگیری وی باشد. پس از آنکه مأموران نتوانستند با تظاهر به پستی بودن وارد خانه شوند، همگی به خانه یورش بردند:

۷ نفر یا ۸ نفر با لگد در خانه را شکستند و داخل آمدند. پستی که رئیس گروه آنها بود یقه من را گرفت، مشت خود را در هوا برد تا من را بزند گفتم که اگر به من دست بزند در دادگاه خواهم گفت. تازه در این باره قانونی وضع کرده بودند که حق نداشتند من را بزنند. [در عوض] وسایلم را ریختند بیرون، تمام زندگی من را، تمام قفسه‌ها، کتابها، دست نوشته‌ها، سی.دی.ها، کامپیوتر، تمام سوراخ و سنبه‌ها ... همه را به زمین ریختند و گشتند. [در آن هنگام] مادر من از راه رسید و دید در شکسته است، غش کرد و نقش زمین شد.<sup>۳۰۶</sup>

سنجری به جرم اقدام علیه امنیت کشور دستگیر شد، اما بعداً در حین بازجویی به وی گفتند که او به خاطر محتویات وبلاگ خود نیز دستگیر شده است.<sup>۳۰۷</sup> در روز ۱۹ مهر با سپردن وثیقه یک بلیون ریالی وی آزاد شد.<sup>۳۰۸</sup> او اکنون مقیم واشنگتن دی.سی. است.

## ۴.۲ دستگیریهای خارج از تهران در دوران اصلاحات

پایتخت ایران تنها محلی نبود که در آن وبلاگ‌نویسها و گزارشگران اینترنتی دستگیر و مورد آزار قرار می‌گرفتند. در قم، بزرگترین مرکز تعلیم فقه شیعه در جهان، مجتبی لطفی، روزنامه‌نگاری که پیش از تعطیل شدن روزنامه اصلاح‌طلب «خرداد» در ۱۳۷۹، برای این روزنامه کار می‌کرد، مقاله‌ای با عنوان «احترام به حقوق بشر در امور مربوط به روحانیون» در اینترنت منتشر ساخت.<sup>۳۰۹</sup> در نتیجه، وی در اردیبهشت ۱۳۸۳ دستگیر و به جرم نشر اکاذیب مورد محاکمه قرار گرفت.<sup>۳۱۰</sup> لطفی یک طلبه و از رزمندگان سابق جنگ ایران و عراق بود که بر

<sup>۳۰۶</sup> مصاحبه با کیانوش سنجری، رک. زیرنویس ۳۰۴.

<sup>۳۰۷</sup> همان.

<sup>۳۰۸</sup> سنجری مجدداً در ۱۶ مهر ۱۳۸۵ به دلیل تهیه خبر از دستگیری یک روحانی برجسته دگراندیش به نام آیت‌الله بروجردی، دستگیر و زندانی گردید. طرفداران آیت‌الله بروجردی هنگام دستگیری به مقابله با مأموران پرداختند. در پاسخ به این عمل، رژیم عده زیادی گارد ضد شورش را برای محاصره آن ناحیه ارسال و تعداد کثیری از مردم را دستگیر نموده بود. سنجری هم یکی از دستگیرشدگان بود. مصاحبه با کیانوش سنجری، رک. زیرنویس ۳۰۴.

<sup>۳۰۹</sup> لطفی مطالب خود را روی وبسایت «نقشینه» که پایگاه خبری شهرستان قم بود منتشر می‌ساخت. «آزادی کاذب»، رک. زیرنویس ۱۸۲، ص. ۵۴.

<sup>۳۱۰</sup> اطلاعات مطبوعاتی، گزارشگران بدون مرز: «در حالی که وبلاگ‌نویس مجدداً زندانی می‌شود، دادگاه فرجام مجازات حبس دگراندیش اینترنتی را تأیید می‌کند» [Press Release, Reporters Without Borders, Appeal court confirms prison for cyber-dissident while blogger is reimprisoned]، (۲ فوریه ۲۰۰۵)، قابل دسترسی در [http://www.rsf.org/article.php3?id\\_article=12564](http://www.rsf.org/article.php3?id_article=12564) (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «وبلاگ‌نویس مجدداً زندانی می‌شود»].



یعقوب مهرنهاد

یعقوب مهرنهاد، فعال حقوق بشر و جامعه مدنی و وبلاگ‌نویس در اردیبهشت ۱۳۸۶ دستگیر شد. او در تاریخ ۴ دی ۱۳۸۶ در یک دادگاه غیرعلنی در زاهدان بدون حضور وکیل مدافع محاکمه شده و در ۱۴ مرداد ۱۳۸۷ اعدام گردید.

اثر حملات شیمیایی هنگام جنگ، مجروح شده و از این جراحات کماکان رنج می‌برد.<sup>۳۱۱</sup> با وجود این در ۲۴ مرداد ۱۳۸۳، وی را به سه سال و ده ماه حبس محکوم نمودند. وی پس از سپردن وثیقه ۶۵۰ میلیون ریالی و در حالی که درخواست فرجام او در حال رسیدگی بود، آزاد شد. اما محکومیت او تأیید شد و وی مجدداً در ۱۷ بهمن ۱۳۸۳ زندانی گردید.<sup>۳۱۲</sup>

دو هفته پس از محکومیت اولیه لطفی، در ۷ شهریور ۱۳۸۳، آرش سیگارچی، روزنامه‌نگار و سردبیر نشریه «گیلان امروز»، احضار و بازداشت گردیده و توسط عوامل اطلاعاتی در استان شمالی گیلان مورد ضرب و شتم قرار گرفت.<sup>۳۱۳</sup> سیگارچی در اسفند ۱۳۸۰ شروع به وبلاگ‌نویسی کرده و به سرعت شروع به استفاده از این رسانه به عنوان پایگاهی برای پخش وقایع خبری حساس‌تر نمود. سیگارچی در شب پیش از دستگیری خود، روی وبلاگ خود مقاله‌ای حساس و بحث برانگیز در مورد رژیم منتشر ساخت که درباره قتل عام زندانیان در ۱۳۶۷ سخن می‌گفت. همان شب، وی با استفاده از نام مستعار، درباره تظاهرات کارگران رشت مصاحبه‌ای با رادیو فردا انجام داد. بدون اینکه او باخبر باشد، در اثر اشتباهی

در رادیو فردا، چند ساعت بعد و هنگام پخش مصاحبه، از نام مستعار استفاده نشد.<sup>۳۱۴</sup> روز بعد، او را به اداره اطلاعات استان گیلان احضار نمودند و پس از چند ساعت انتظار در گرمای مرداد ماه، چشمهای او را بسته و او را به زیرزمین بردند:

من را حدود ۲ ساعت زدند و عینک و ساعت را شکستند. آب می‌ریختند روی من و من را می‌زدند، به اندازه‌ای که گریه‌ام در آمده بود. اما آن زدنی که من شنیده بودم، این‌انطور نبود. این حالت حدود ۳-۴ ساعت ادامه داشت. فکر کنم ساعت ۱۰-۱۱ شب بود که چند نفر آمدند، اما من نمی‌توانستم آنها

<sup>۳۱۱</sup> «زندانی و محرومیت برای مجتبی لطفی»، [Imprisonment and Banishment for Mojtaba Lotfi] روز آنلاین، ۳ دسامبر ۲۰۰۸، قابل دسترسی در [http://www.roozonline.com/english/archives/2008/12/imprisonment\\_and\\_banishment\\_fo.html](http://www.roozonline.com/english/archives/2008/12/imprisonment_and_banishment_fo.html) (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۳۱۲</sup> «وبلاگ‌نویس مجدداً زندانی می‌شود»، رک. زیرنویس ۳۱۰. لطفی دوباره در مرداد ۱۳۸۴ به علت مشکلات پزشکی ناشی از آسیبهای وارده از سلاحهای شیمیایی، آزاد گردید. «آزادی کاذب»، رک. زیرنویس ۱۸۲، ص. ۵۴. لطفی پس از آزادی به فعالیتهای خود ادامه داد. در مهر ماه ۱۳۸۷ وی بار دیگر توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مدت ۵۰ روز در یک بازداشتگاه تحت کنترل وزارت اطلاعات در قم نگاهداشته شد. این دستگیری در واکنش به فعالیتهای اینترنتی بود که وی در حمایت از آیت‌الله منتظری انجام داده بود. در ۲۰ آذر ۱۳۸۷ دادگاه ویژه روحانیت قم لطفی را به ۴ سال حبس و ۵ سال ممنوعیت از فعالیتهای نگارندگی محکوم کرد. وی در حال حاضر دوران محکومیت خود را سپری می‌کند.

«زندانی و محرومیت برای مجتبی لطفی»، رک. زیرنویس ۳۱۱.

<sup>۳۱۳</sup> شهادتنامه سیگارچی، رک. زیرنویس ۵۹، پاراگرافهای ۱۷-۱۳.

<sup>۳۱۴</sup> همان، پاراگرافهای ۱۳-۱۱.

را ببینم. یکی از آنها گفت «اینه؟ پدرش را در می آوریم. به حرفش می آوریم. باید بگوید چه غلطی می کند».<sup>۳۱۵</sup>

عصر روز بعد پس از بازجوییهای بیشتر، سیگارچی را آزاد نمودند.<sup>۳۱۶</sup> این تجربه کوتاه در زندان وی را مرعوب ساخته بود و او با دقت شروع به بازبینی نوشته‌های خود کرد.<sup>۳۱۷</sup> وی از اینکه دوباره دستگیر شود هراس داشت و به خصوص از اینکه روزنامه او را تعطیل کنند نگران بود. در نتیجه موضوعات مورد بحث خود را محدود ساخته و تعداد مقالات خود را کاهش داد.<sup>۳۱۸</sup>

در همان هنگام که کمیسیون ریاست جمهوری مشغول رسیدگی به بدرفتاریهای نهادهای امنیتی در تهران بود، در ۱۸ دی ۱۳۸۳ آرش سیگارچی بار دیگر برای حضور در برابر مقامات قضایی در گیلان احضار گردید. همکاران، دوستان و خانواده وی به او اصرار ورزیدند که از ایران فرار کند، اما او پافشاری کرد که قانون را زیر پا نگذارده و از رفتن امتناع ورزید.<sup>۳۱۹</sup> در مجتمع قضایی گیلان به وی اطلاع دادند که پرونده او در دست قاضی اسکندری است که رئیس یکی از شعب دادگاه انقلاب اسلامی گیلان می‌باشد.<sup>۳۲۰</sup>

سیگارچی فوراً مظنون شد که وی دچار گرفتاری جدی شده است. دادگاه‌های انقلاب اغلب سختگیرتر هستند و فقط به پرونده‌هایی رسیدگی می‌کنند که از نظر رژیم مواردی بسیار جدی به شمار می‌روند. همچنین او می‌دانست قاضی اسکندری با گروه‌های امنیتی روابط نزدیکی دارد. پس از یک بازجویی کوتاه که اسکندری در آن در تلاش برای اثبات جاسوس بودن سیگارچی، سعی کرد به زبانهای فرانسه و انگلیسی سخن بگوید، سیگارچی درخواست کرد که در یک دادگاه مطبوعات و در برابر هیئت منصفه مورد محاکمه قرار گیرد. با تقاضای او شدیداً مخالفت کرده به او گفتند که دادگاه را ترک نموده و روز بعد به دادگاه باز گردد.<sup>۳۲۱</sup> صبح روز بعد او بازگشت:

صبح منظم و مرتب رفتم دادگاه. دادگاه شروع شد. اتهامات من را یکی یکی خواندند. همه اتهامات را به یاد نمی‌آورم چون هیچوقت آنها را کتیباً به من ندادند. به من ۱۴ مورد اتهام بستند اما در حکم من فقط چهار تا از آنها بود. یادم می‌آید که یکی از اتهامات توهین به رهبر بود. گفتند که من در وبلاگم نوشته بودم که «همان طوری که امام خمینی جام زهر را سر کشید آقای خامنه‌ای هم جام زهر را سر می‌کشد و همان طور که امام خمینی یک سال بعد مرد آقای خامنه‌ای هم یک سال بعد می‌میرد».

<sup>۳۱۵</sup> همان، پاراگراف ۱۸.

<sup>۳۱۶</sup> همان، پاراگرافهای ۲۱-۲۲. در روز دوم دیگر او را مورد ضرب و شتم قرار ندادند و در عوض وی را به سلولی که کولر داشت برده و به او چلوکباب دادند.

<sup>۳۱۷</sup> همان، پاراگراف ۲۴.

<sup>۳۱۸</sup> همان، پاراگرافهای ۲۴-۲۵ («من که هر ماه ۱۰ تا مطلب می‌نوشتم، در ۳ ماه ۵ تا مطلب نوشتم.»).

<sup>۳۱۹</sup> همان، پاراگراف ۳۲.

<sup>۳۲۰</sup> همان، پاراگراف ۲۸.

<sup>۳۲۱</sup> همان، پاراگرافهای ۳۱-۳۰.

گفتم «من در وبلاگم نوشتم و به آقای خامنه‌ای توصیه کردم که با توجه به اینکه دنیا ایران را در قبال فعالیتهای اتمی تهدید کرده و جنگ نزدیک است بهتر است که تا دیر نشده جام زهر را بنوشید». ولی هرگز ننوشتم «همان طور که امام خمینی یک سال بعد مرد، آقای خامنه‌ای هم یک سال بعد می‌میرد». او اصرار کرد که آنچه را گفته است من نوشته بودم. من بالاخره گفتم که اگر برای اثبات ادعایشان مدرک نشان می‌دادند خودم داوطلبانه به زندان می‌رفتم. او جواب داد که اتهامات «دیگری» هم بر علیه من داشتند.<sup>۳۲۲</sup>

سیگارچی درخواست کرد وکیل مدافع داشته باشد. درخواست وی رد شده و میزان وثیقه وی، مبلغ مبهوت کننده دو بیلیون ریال تعیین گردید. قاضی اسکندری گفت که اگر سیگارچی بتواند ترتیب پرداخت چنین مبلغی را بدهد، خود گواهی خواهد بود بر دست داشتن دولتی خارجی که همان دلیل حبس وی خواهد شد.<sup>۳۲۳</sup>

سیگارچی که قادر به پرداخت چنین مبلغی نبود، برای دو ماه زندانی گردید. طی دو روز اول بدون اینکه حتی سؤالی از او پرسند، او را زدند. در روز سوم بازجویی آغاز گردید.<sup>۳۲۴</sup> طی دو هفته بعد، بدرفتاری با او شدت یافت:

روز پنجم من را از پنکه آویزان کردند. یک میله عمودی به موتوری روی سقف متصل بود و می‌چرخید. و من را از دست به صلیب می‌کشیدند و به میله‌ای دیگر متصل می‌کردند که به اولی متصل بود. موتور که روشن می‌شد من مانند پنکه می‌چرخیدم. روز ششم وسط شکنجه‌ها گفتند مادرت می‌آید تو را ببیند. مادر آمد. ولی ملاقات خیلی کوتاه بود و اجازه نداشتم حرف بزنم. می‌گفتند اگر صحبت کنم شکنجه‌ام می‌کنند. روز هفتم ۳ ساعت بیرون از ساختمان در سرمای سخت زمستان بودم. روز هشتم فتوکپی کیهان را به من نشان دادند که نوشته بود: «آرش س. که در شمال کشور با سازمان

جاسوسی سیا همکاری می‌کرد به یک بار اعدام محکوم شده است». روز نهم من را بردند در اتاقی که کف آن مدفوع بود. ۳-۴ بامداد من را آوردند بیرون و فرستادند حمام. دوباره من را فرستادند سلول اولم. ۲-۳ ساعت بیشتر آنجا نبودم که آمدند و پای من را به صندلی بستند و شلاق زدند. روز دهم من را بردند در اتاقی که یک چوبه دار یک دوربین فیلمبرداری بود و گفتند که یا من را اعدام می‌کنند یا فیلم اعترافم را تهیه می‌کنند. روز دوازدهم ناخن شصت هر دو پایم را کشیدند. همان روز من را به صورتی شکنجه کردند که خودشان می‌گفتند جوجه کباب. در این مجازات میچهای دستم را بین میچهای پایم گذاشتند، میله‌ای را آنجا گذاشتند و دست و پا را به آن بستند و این طور من را آویزان کردند.<sup>۳۲۵</sup>

<sup>۳۲۲</sup> همان، پاراگراف ۳۳.

<sup>۳۲۳</sup> همان، پاراگراف ۴۳.

<sup>۳۲۴</sup> همان، پاراگراف ۴۴.

<sup>۳۲۵</sup> همان، پاراگراف ۴۵.

در روز ۱۹ بهمن ۱۳۸۳، سیگارچی بدون داشتن وکیل مدافع در برابر قاضی اسکندری محاکمه شد. وی به چهارده سال حبس محکوم شد،<sup>۳۲۶</sup> اگرچه خود او تا چهار روز بعد که مادر او برای ملاقات وی به زندان آمد، از مجازات خود خبر نداشت. در حالی که درخواست فرجام او در حال رسیدگی بود وی در اوایل فروردین آزاد شد. در مرحله استیناف مجازات او به سه سال حبس کاهش یافت و او از دی ماه ۱۳۸۴ دوران حبس خود را آغاز نمود. نه ماه بعد معلوم شد که به سرطان مبتلا شده و برای درمان، مرخص گردید. وی در ۲۰ دی ۱۳۸۶، برای معالجات پزشکی عازم ایالات متحده گردید که و هنوز آنجا اقامت دارد.



امیدرضا میرسیافی

امیدرضا میرسیافی در ۳ اردیبهشت ۱۳۸۷ دستگیر و در ۱۲ آبان ۱۳۸۷ به جرم توهین به رهبران کشور و اشاعه تبلیغات علیه نظام، محاکمه شد. میرسیافی مجرم شناخته شد و به دو سال و نیم حبس محکوم گردید اما وی در ۲۸ اسفند ۱۳۸۷ درگذشت زیرا دیگر قادر به تحمل بدرفتاری، شرایط زندان و عدم دسترسی به امکانات پزشکی نبود.

#### ۴.۳. دستگیریهایی پس از دوران اصلاحات

پس از انتخاب احمدی نژاد به ریاست جمهوری در تابستان ۱۳۸۴، دستگیریهایی روزنامه‌نگاران اینترنتی و وبلاگ‌نویسها ادامه یافت. بر خلاف دستگیریهایی سال ۱۳۸۳ که دولت آنها را جرایم مربوط به اینترنت می‌خواند،<sup>۳۲۷</sup> بسیاری از این دستگیریهایی اخیر را می‌توان ثقیل‌تر طبقه‌بندی نمود زیرا افراد دستگیر شده از اصلاح‌طلبان و فعالانی بودند که وبلاگ خود را داشته و ضمناً از طرق دیگر نیز مخالفت خویش را ابراز می‌داشتند.

یک نمونه از این افراد، یعقوب مهرنهاد، یک فعال حقوق بشر و جامعه مدنی بود که در اردیبهشت ۱۳۸۶ در بلوچستان دستگیر گردید. پس از یک محاکمه غیرعلنی، وی به اعدام محکوم شد و در روز ۱۴ مرداد ۱۳۸۷ اعدام گردید. این پدر ۲۸ ساله که دارای سه فرزند بود، وبلاگ‌نویس نیز بود. اگرچه وی در نوشته‌های وبلاگی خود استفاده از خشونت را شدیداً محکوم می‌کرد، ولی به عضویت در جندالله که یک سازمان سنی و شورشی مستقر در بلوچستان است متهم شد.<sup>۳۲۸</sup> مهرنهاد دبیر کل انجمن جوانان صدای عدالت بود، سازمانی که در جهت پیشبرد پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مدنی کار می‌کرد.<sup>۳۲۹</sup>

نمونه‌های دیگر صریح‌تر بودند. در شهریور ۱۳۸۷ چهار تن از طرفداران حقوق زنان<sup>۳۳۰</sup> که در روزنامه‌های اینترنتی «زنستان» و «تغییر برای برابری» می‌نوشتند به جرم فعالیت ضد رژیم و تبلیغ علیه دولت به شش ماه

<sup>۳۲۶</sup> سیگارچی به موجب مواد ۵۰۸، ۵۱۴، ۵۰۰، ۵۱۲، و ۶۱۰ محکوم گردید. همان، پاراگراف ۵۰.

<sup>۳۲۷</sup> نامه دکتر حسین مهرپور به محمد خاتمی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، (۱۵ دی ۱۳۸۳) (موجود در آرشیو مرکز اسناد حقوق بشر ایران).

<sup>۳۲۸</sup> «داستان یک شخص: آقای یعقوب مهرنهاد»، بنیاد برومند، قابل دسترسی در <http://www.iranrights.org/english/memorial-case-40798.php> (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۳۲۹</sup> «داستان یک شخص: آقای یعقوب مهرنهاد»، بنیاد برومند، قابل دسترسی در <http://www.iranrights.org/english/memorial-case-40798.php> (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۳۳۰</sup> این خانمها عبارت بودند از پروین اردلان، جلوه جواهری، مریم حسین‌خواه و ناهید کشاورز. حسین‌خواه قبلاً در اوایل همان سال به دلیل شرکت در تظاهرات برای اعتراض به دستگیری و ارباب فعالان حقوق زنان، دستگیر شده بود. نگاه کنید به «تقویم تاریخ کمپین یک میلیون

حبس محکوم شدند.<sup>۳۳۱</sup> در مرحله فرجام خواهی، وکیل آنها، معصومه ستوده، اظهار داشت محکومیت این افراد باید لغو گردد زیرا ارسال مطلب بر سایتهای اینترنتی برای دفاع از حقوق زنان را نمی‌توان جرم محسوب کرد.<sup>۳۳۲</sup> تا دی ماه ۱۳۸۷ پرونده محکومیت این افراد هنوز در مرحله فرجام خواهی بوده است.

در یک مورد مشابه دیگر امیدرضا میرسیافی برای نوشتن در وبلاگ خود، «روزنگار»، که وبلاگی فرهنگی و هنری بوده و گاهی اوقات به کند و کاو درباره وقایع جاری و تفسیرهای طنزآمیز و انتقادی می‌پرداخت، دستگیر شد. میرسیافی در ۳ اردیبهشت ۱۳۸۷ دستگیر و به زندان اوین برده شد. چهل و یک روز بعد پس از سپردن وثیقه ۱ بیلیون ریالی وی از زندان آزاد گردید.<sup>۳۳۳</sup> در ۲۵ آبان ۱۳۸۷ وی به موجب مواد ۵۰۰ و ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی ایران به جرم اهانت به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیت‌الله خمینی و مقام رهبری آیت‌الله خامنه‌ای و تبلیغ علیه رژیم محکوم گردید.<sup>۳۳۴</sup> در جلسه دادگاه در ۲۵ آذر وی به دو سال و نیم حبس محکوم گردید.

میرسیافی درباره جزئیات جرایم و وجود هر گونه شواهدی بر علیه خود متحیر بود:

در حکم صادر شده هیچ اشاره‌ای به یک مطلب مشخص در وبلاگم نشده است. یعنی در واقع هیچ‌وقت توضیح داده نشده که من در کجا توهین کرده‌ام و یا بر خلاف قانون کاری انجام داده‌ام. البته ناگفته نماند که دادگاه در کنار این مورد به اعترافات که از بنده در بازجویی‌ها و تحت فشار روانی گرفته شده بود استناد کرده است که مورد رد من و وکلایم قرار گرفته بود. اما متأسفانه با این وجود چنین حکمی صادر شده است.<sup>۳۳۵</sup>

در روز ۲۸ اسفند ۱۳۸۷، امیدرضا میرسیافی به دلیل فقدان مراقبتهای پزشکی در زندان اوین درگذشت.<sup>۳۳۶</sup>

---

امضاء، اول حقوق بشر [Human Rights First]، قابل دسترسی در [http://www.humanrightsfirst.org/defenders/hrd\\_iran/hrd\\_iran\\_page.aspx?item=57&c=i6](http://www.humanrightsfirst.org/defenders/hrd_iran/hrd_iran_page.aspx?item=57&c=i6) (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۳۳۱</sup> «تقویم تاریخ کمپین یک میلیون امضاء»، اول حقوق بشر [One Million Signature Campaign Timeline, Human Rights First]، قابل دسترسی در [http://www.humanrightsfirst.org/defenders/hrd\\_iran/hrd\\_iran\\_page.aspx?item=57&c=i6](http://www.humanrightsfirst.org/defenders/hrd_iran/hrd_iran_page.aspx?item=57&c=i6) (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹). همچنین نگاه کنید به «وبسایتهای بیشتری مسدود شدند»، رک. زیرنویس ۱۹۴. همان <sup>۳۳۲</sup>

<sup>۳۳۳</sup> اطلاعیه مطبوعاتی، گزارشگران بدون مرز، «مرگ تکان‌دهنده وبلاگ‌نویس در زندان تهران» [Press Release, Reporters Without Borders, Shock at death of blogger in Tehran prison]، (۱۸ مه ۲۰۰۹)، قابل دسترسی در [http://www.rsf.org/article.php3?id\\_article=30622](http://www.rsf.org/article.php3?id_article=30622) (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹) [از این به بعد: «مرگ تکان‌دهنده وبلاگ‌نویس»]. همان <sup>۳۳۴</sup>

<sup>۳۳۵</sup> «گفتگو با امید رضا میرسیافی: حکم زندان به اجرای احکام ارسال شده است»، فعالان حقوق بشر در ایران، ۱۳۸۷/۱۱/۱۶، قابل دسترسی در [http://www.hra-iran.org/index.php?option=com\\_content&view=article&id=444:845&catid=156:47&Itemid=343](http://www.hra-iran.org/index.php?option=com_content&view=article&id=444:845&catid=156:47&Itemid=343) (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۳۳۶</sup> «مرگ تکان‌دهنده وبلاگ‌نویس»، رک. زیرنویس ۳۳۳.

دو هفته پیش از صدور محکومیت میرسیافی، حسین درخشان، که شاید برجسته‌ترین وبلاگ‌نویس ایرانی باشد، پس از گذراندن سالها در انگلستان و کانادا، به تهران بازگشت.<sup>۳۳۷</sup> در سال ۱۳۸۶ پس از اشاره به مجازات نهایی آرش سیگارچی که بر اساس مصاحبه او با رادیو فردا بود، درخشان اظهار داشته بود که در ایران یک خط مشی مشخص برای دستگیری وبلاگ‌نویسها وجود ندارد:

من خودم این دولت خودکامه را تجربه کرده‌ام - تمام وبسایتهایی که اداره می‌کنم، از جمله وبلاگهایم، فیلتر می‌شوند، همچنین من را بازداشت نموده و پیش از آنکه بتوانم در خرداد ۱۳۸۴ از ایران خارج شوم، مجبور کردند یک نامه عذرخواهی را امضاء و بر روی وبلاگم بگذارم ... بلی، دولت حقیقتاً بسیاری از وبسایتهای سیاسی را فیلتر کرده است، اما امارات متحده عربی، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، مصر، و بسیاری دیگر از متحدان آمریکا هم چنین کرده‌اند. با این حال ایران یک سیاست مشخص برای زندانی کردن مردان و زنان جوانی که فقط چند کلمه در وبلاگهای کوچک خود نوشته‌اند، ندارد.<sup>۳۳۸</sup>

درخشان در وبلاگش اظهار داشته بود که از اقامت در ایران بسیار لذت می‌برد. اما در روز ۱۱ آبان ۱۳۸۷ وی را دستگیر و به محل نامعلومی انتقال دادند.<sup>۳۳۹</sup> اخبار مربوط به دستگیری وی به کندی پخش شد زیرا خانواده و دوستان وی نمی‌خواستند موقعیت درخشان را دشوارتر سازند.<sup>۳۴۰</sup> حتی هنگامی که خانواده او دستگیری وی را تأیید نمودند، قوه قضاییه برای دو ماه بازداشت او را انکار می‌نمود. اما یک وبسایت محافظه کار به نام «جهان نیوز» که با گروههای اطلاعاتی امنیتی تهران رابطه نزدیکی دارد، نه تنها دستگیری درخشان را گزارش نمود، بلکه ادعا نمود درخشان به جاسوسی برای اسرائیل هم اعتراف کرده است.<sup>۳۴۱</sup>

ممکن است علت بازداشت درخشان، سفر او به اسرائیل هنگام عزیمت به ایران بوده باشد—عملی که می‌دانست توسط جمهوری اسلامی ایران غیرقانونی به شمار می‌رود. اما باید خاطر نشان ساخت که به هنگام اعلام دستگیری وی در روز ۱۰ دی، سخنگوی قوه قضاییه، دکتر علیرضا جمشیدی، توضیح داد که جرایم درخشان جاسوسی یا نقض قوانین مسافرتی نبوده است بلکه اتهامات وی مربوط به تخلفاتی در رابطه با اظهارات حاکی از بی‌احترامی

<sup>۳۳۷</sup> به طور کلی نگاه کنید به وبلاگ حسین درخشان در [www.Hoder.com](http://www.Hoder.com).

<sup>۳۳۸</sup> حسین درخشان، «تعصب را کنار بگذارید»، روزنامه گاردین [Cut the Bias, THE GUARDIAN]، ۷ مه ۲۰۰۷، قابل دسترسی در <http://www.guardian.co.uk/commentisfree/2007/may/07/cutthebias> (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۳۳۹</sup> اطلاعیه مطبوعاتی، «زندانی انفرادی/ترس از شکنجه و دیگر بدرفتاری‌ها/زندانیان عقیدتی احتمالی»، سازمان عفو بین‌الملل [Incommunicado detention/fear of torture or other ill-treatment/possible prisoner of conscience, Amnesty International]، ۱۵ دسامبر ۲۰۰۸، قابل دسترسی در <http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/178/2008/en/cfe30c0e-cace-11dd-a6a3-63b538f8816c/mde131782008en.html> (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۳۴۰</sup> مقاله ارسال سیروس فریور به [Cyrusfarivar.com](http://Cyrusfarivar.com)، قابل دسترسی در <http://Cyrusfarivar.com/blog/?p=1841> (۹ دسامبر ۲۰۰۸) (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹) (که اطلاعات ارائه شده توسط یکی از دوستان خانواده درخشان را بازگو می‌کند).

<sup>۳۴۱</sup> مایکل تیودولو، «پدر وبلاگ ایران، حسین درخشان به اتهام جاسوسی برای اسرائیل دستگیر می‌شود»، تایمز آنلاین [Michael Theodoulou, Iranian 'Blogfather' Hossein Derakhshan is Arrested on Charge of Spying for Israel, TIMES ONLINE]، ۲۰ نوامبر ۲۰۰۸، قابل دسترسی در [http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle\\_east/article5190462.ece](http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east/article5190462.ece) (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹).



وی به ائمه اطهار بوده است.<sup>۳۴۲</sup> درخشان چند بار توانست با خانواده خود ملاقات کند اما هنوز در بازداشت به سر می‌برد.

#### ۴.۴. تحلیل حقوقی دستگیریها، بازداشت و شکنجه کاربران اینترنت

دستگیری، بازداشت و شکنجه روزنامه‌نگاران اینترنتی و وبلاگ‌نویسها تعهدات رژیم ایران نسبت به قانون اساسی ایران و نیز قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند. همانطور که پیش از این و نیز در گزارش مرکز اسناد حقوق بشر ایران «ارعاب پنهانی: نهادهای اطلاعاتی موازی ایران» شرح داده شد، جمهوری اسلامی ایران نه تنها بازداشت‌شدگان را مورد ضرب و شتم و ضربات شلاق قرار می‌دهد، بلکه شیوه‌های پیشرفته شکنجه و ارباب را نیز به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها شامل محرومیت از خواب، اعدامهای ساختگی، فلک کردن کف پا و زندان انفرادی در سلولهای بسیار کوچک می‌شود.<sup>۳۴۳</sup>

طبق قانون ایران و حقوق بین‌الملل، شکنجه صراحتاً منع شده است. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به امضاء ایران نیز رسیده است، تصریح می‌دارد: «هیچکس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازاتها یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیر آمیز قرار داد». قانون اساسی ایران نیز مقامات قوه مجریه را از شکنجه و رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی با شهروندان ایرانی منع می‌کند.<sup>۳۴۴</sup>

علاوه بر آن، دستگیریها و بازداشت‌های خودسرانه به وبلاگ‌نویسها اجازه نمی‌دهد تا از حق برخورداری از تشریفات حقوقی لازم که توسط قانون ایران و حقوق بین‌الملل تضمین شده است، بهره‌مند گردند. ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، طرحی کلی از تعهد ایران در رابطه با فراهم نمودن تشریفات حقوقی لازم برای افراد پیش از آنکه حق آزادی آنها محدود شده یا در آن مداخله شود یا به کلی مختل گردد را ذکر می‌کند. ماده (۲) ۹ ارگانه‌های دولتی را ملزم می‌دارد که در هنگام دستگیری افراد، آنها را فوراً از علل دستگیری مطلع سازند،<sup>۳۴۵</sup> و ماده (۳) ۹ دولت را متعهد می‌سازد که در اسرع وقت متهم را در برابر قاضی حاضر نماید به طوری که مراحل

<sup>۳۴۲</sup> «قوه قضاییه بازداشت حسین درخشان را تأیید کرد»، بی.بی.سی. فارسی، ۱۳۸۷/۹/۱۰، قابل دسترسی در [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2008/12/081230\\_ag\\_jb\\_derakhshan.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2008/12/081230_ag_jb_derakhshan.shtml) (تاریخ دسترسی ۲۶ آوریل ۲۰۰۹).

<sup>۳۴۳</sup> نگاه کنید به عبادی، رک. زیرنویس ۵۶، ص. ۱۳۴؛ به طور کلی نگاه کنید به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «ارعاب پنهانی: نهادهای اطلاعاتی موازی ایران» (۲۰۰۹).

<sup>۳۴۴</sup> قانون اساسی ایران، رک. زیرنویس ۴۸، ماده ۳۸.

<sup>۳۴۵</sup> میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۲۴، ماده (۲) ۹ مقرر می‌دارد «هر کس که دستگیر می‌شود باید هنگام دستگیر شدن از علل آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دایره بر هر اتهامی که به وی نسبت داده شده، دریافت دارد». این نیاز به ذکر ماهیت و علت اتهام فقط به معنای بیان اتهامات نیست، بلکه مستلزم آن است که دادستان نه تنها شرح حقوقی دقیق از تخلفات را بدهد بلکه وقایعی که سبب بروز این اتهامات گردیده را نیز ذکر نماید.

دادرسی وی در «مدت زمان معقولی» صورت گیرد. ماده (۳) ۹ همچنین تصریح می کند که «بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد».<sup>۳۴۶</sup>

ماده (۴) ۹ قید می کند که هر کس که بازداشت می شود «حق دارد به دادگاه تظلم نماید» تا «قانونی بودن بازداشت وی مشخص شود و در صورت غیرقانونی بودن، حکم آزادی او صادر شود».<sup>۳۴۷</sup> ماده (ب) ۱۴ دستور می دهد که دولت‌ها باید «وقت و تسهیلات کافی برای تهیه ... دفاع و ارتباط با وکیل منتخب [متهم]» را فراهم نمایند.<sup>۳۴۸</sup> علاوه بر این حقوق، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق برخورداری از مشاوره حقوقی (هم در هنگام محاکمه و هم در مراحل پیش از محاکمه) و پزشک،<sup>۳۴۹</sup> حق رفتار انسانی،<sup>۳۵۰</sup> و حق برائت را تضمین می نماید.<sup>۳۵۱</sup>

قانون اساسی و دیگر قوانین ایران طیفی باریک اما قابل ملاحظه از تشریفات حقوقی لازم مربوط به دستگیری و بازداشت افراد را عنوان می کنند، از جمله:

- منع دستگیریهای خودسرانه؛<sup>۳۵۲</sup>
- لزوم ابلاغ و تفهیم فوری اتهامات به متهم و فراهم آوردن نظارت قضایی بر پرونده؛<sup>۳۵۳</sup>
- برای مقامات قضایی و دیگر مأمورین ذیصلاح که به طور غیر قانونی افراد را بازداشت نموده یا تعقیب جزایی آنها را صادر می کنند، مجازاتهایی در نظر گرفته شده است؛<sup>۳۵۴</sup>

---

<sup>۳۴۶</sup> همان، ماده (۳) ۹. ماده (۳) ۹ ذکر می کند که «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می شود باید او را در اسرع وقت در برابر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود».

<sup>۳۴۷</sup> همان، ماده (۴) ۹. قربانیان دستگیریهای غیرقانونی حق جبران خسارت دارند. نگاه کنید به همان، ماده (۵) ۹.

<sup>۳۴۸</sup> همان، ماده (ب) ۱۴.

<sup>۳۴۹</sup> به علاوه حق برخورداری از مشاوره حقوقی در هنگام محاکمه، حق داشتن وکیل در مراحل پیش از محاکمه نیز بر اساس ماده (ب) (۳) ۱۴ وجود دارد. کمیته حقوق بشر همچنین صراحتاً اظهار داشته که «تمامی افرادی که دستگیر می شوند باید فوراً به مشاوره حقوقی دسترسی داشته، بیدرنگ توسط پزشک تحت معاینه قرار گیرند و قادر باشند به فوریت از قاضی درخواست نمایند درباره مشروعیت دستگیری آنها حکم صادر نمایند». مشاهدات نهایی گرجستان، سند سازمان ملل A/52/40، پاراگراف ۲۵۴ (۱۹۹۷). حضور وکیل برای حصول اطمینان از حفظ حقوق متهمان و نیز اینکه بازداشت‌شدگان مورد بدرفتاری قرار ننگرفته و اعترافات به دست آمده به طرق غیر مجاز گرفته نشده باشد، لازم است.

<sup>۳۵۰</sup> ماده (۱) ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر این تأکید دارد که دولت‌ها با بازداشت‌شدگان «با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان» رفتار کنند. تطابق با چنین معیاری برای احترام به افراد بخشهای مختلفی را شامل می شود، احتمالاً مانند منع شکنجه و بدرفتاری و نیز برخورداری از تشریفات حقوقی لازم و کافی.

<sup>۳۵۱</sup> دو لازمه دیگر برای حفظ حق برخورداری از رفتار انسانی عبارتند از: حق برائت (مطابق ماده (۲) ۱۴؛ تفسیر کلی ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، معیار اثبات جرم را «گناهکار بودن ماورای وجود هرگونه شک معقول» قرار می دهد)، و حق دیگری که جدا نگاه داشتن اشخاص متهم از اشخاص محکوم می باشد (ماده (الف) (۲) ۱۰).

<sup>۳۵۲</sup> ماده ۳۲ قانون اساسی تأکید می نماید که «هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند».

<sup>۳۵۳</sup> ماده ۳۲ قانون اساسی تصریح می کند که «در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد». این اصل همچنین مشخص می نماید که تخلف از این اصل «طبق قانون مجازات می شود». علاوه بر آن، مواد ۲۴، ۱۲۹، و ۱۹۲ آیین دادرسی کیفری ایران، مقامات را متعهد می سازند که متهم را از موارد اتهام و دلایل چنین اتهاماتی مطلع سازند. آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۹)، مواد ۲۴، ۱۲۹، ۱۹۲ (ایران)، قابل دسترسی (به فارسی) در [http://hoghoogh.online.fr/article.php3?id\\_article=67](http://hoghoogh.online.fr/article.php3?id_article=67) (تاریخ دسترسی ۲۳ فوریه ۲۰۰۹) [از این به بعد: «آیین دادرسی کیفری»].

• فرض بر بیگناهی افراد (اصل برائت)؛<sup>۳۵۵</sup> و

• منع شکنجه به منظور گرفتن اعتراف یا اطلاعات از اشخاص.<sup>۳۵۶</sup>

به علاوه، آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ایران دستورالعمل‌های دقیقی را تعیین می‌نماید که قضات و نهادهای اجرایی باید هنگام تحقیقات کیفری آنها را دنبال نمایند. برای مثال تمام تحقیقات مقدماتی که منجر به دستگیری موقت و بازداشت اشخاص مظنون به ارتکاب جرایم امنیت ملی می‌شود، باید پس از صدور حکم توسط دادرسان و نیز نظارت قوه قضائیه صورت گیرد.<sup>۳۵۷</sup> چنین احکامی باید با معیارهای تشریفات حقوقی تطابق داشته باشد.<sup>۳۵۸</sup> قرارهای بازداشت موقت، قابل استیناف بوده و تنها برای مدت یک ماه معتبر هستند مگر آنکه توسط قاضی مربوطه تمدید شوند.<sup>۳۵۹</sup> اگر قاضی قادر به تمدید قرار بازداشت موقت نباشد، متهم می‌تواند با قرار تأمین مناسب، آزاد گردد.<sup>۳۶۰</sup>

تقریباً در تمام مواردی که توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران مستند گردیده است، افراد مورد دستگیریهای خودسرانه قرار گرفته‌اند و این نقض ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز اصل ۳۲ قانون اساسی ایران می‌باشد که بر اساس هر دوی آنها، مأموران نهادهای اجرایی باید شخص را از علت دستگیری و اتهامات وارده علیه وی مطلع نمایند.<sup>۳۶۱</sup> فرشته قاضی و حنیف مزروعی را به بهانه پرسیدن چند سؤال به دفتر دادستان احضار نموده و سپس آنها را برای چندین هفته نگاه داشتند.<sup>۳۶۲</sup> شهرام رفیع‌زاده و امید معماریان در محل کار خود و بدون ارائه قرار بازداشت یا حتی ادای توضیحات، دستگیر شدند. رفیع‌زاده را با چرب زبانی از محل کار خود برای آنچه یک ملاقات مختصر نامیدند بیرون کشیده و سپس وی را به زور داخل اتومبیلی کردند.<sup>۳۶۳</sup> وقتی که یکی از همکاران او سعی کرد شماره اتومبیل را یادداشت کند، یکی از مأموران دفترچه وی را گرفته و به او

---

<sup>۳۵۴</sup> علاوه بر آن ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی تصریح می‌کند «هر گاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذیصلاح بر خلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا فرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفسال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد».

<sup>۳۵۵</sup> اصل ۳۷ قانون اساسی ایران می‌گوید متهمین را باید بیگناه دانست تا آنکه جرم آنها در دادگاه صالح اثبات گردد.

<sup>۳۵۶</sup> اصل ۳۸ قانون اساسی تصریح می‌دارد «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است». همین طور هم «اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست». این اصل همچنین ذکر می‌کند «چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است». علاوه بر آن ماده ۱۲۹ آیین دادرسی کیفری اظهار می‌دارد که قضات تحقیق در هنگام بازجویی متهم نباید به اجبار و ارعاب متوسل شوند.

<sup>۳۵۷</sup> آیین دادرسی کیفری، رک. زیرنویس ۳۵۳، مواد ۳۸، ۴۲.

<sup>۳۵۸</sup> ضرورت ذکر ماهیت و دلیل اتهام صرفاً نام بردن اتهامات نیست. نگاه کنید به همان، مواد ۳۹-۳۷ (که از قوه قضائیه می‌خواهد بر اساس شواهد و بر طبق قانون عمل نمایند و در مراحل تحقیق، بی‌طرفی را رعایت کنند)؛ نگاه کنید به همان، ماده ۳۲ (که دستگیری و بازداشت اشخاص مظنون را تنها هنگامی مجاز می‌داند که قرائن و امارات موجود دلالت بر ارتکاب جرم نموده و شرایط معینی برقرار باشد).

<sup>۳۵۹</sup> آیین دادرسی کیفری، رک. زیرنویس ۳۵۳، ماده ۳۳.

<sup>۳۶۰</sup> همان، ماده ۳۷.

<sup>۳۶۱</sup> میثاق حقوق مدنی، رک. زیرنویس ۲۴، ماده (۲)؛ قانون اساسی ایران، رک. زیرنویس ۴۸، اصل ۳۲.

<sup>۳۶۲</sup> نامه مزروعی، رک. زیرنویس ۲۵۲.

<sup>۳۶۳</sup> شهادتنامه رفیع‌زاده، رک. زیرنویس ۲۴۰، پاراگراف های ۲۷-۲۴.

گفت که این دستگیری قانونی است. مجتبی سمیع‌نژاد برای ۸۸ روز محبوس گردید، سپس آزاد شده و تنها پس از دستگیری مجدد که چند روز بعد صورت گرفت، متهم گردید.<sup>۳۶۴</sup>

هنگامی که مأموران انتظامی قرارهای بازداشت را ارائه نمودند، روش کار آنها به طور اساسی یا آیین نامه‌ای ناقص بود. برای مثال، به روزه میرابراهیمی یک تکه کاغذ باطله تا شده ارایه دادند که نوشته روی آن ناخوانا بود،<sup>۳۶۵</sup> به کیانوش سنجری قرار بازداشتی نشان داده شد که وی را به اقدام علیه امنیت ملی متهم می‌کرد و توسط دادستان مرتضوی امضاء شده بود، اما هرگز نسخه‌ای از آن را به وی ندادند و تنها یک بار به او اجازه دادند تا آن را ببیند و بخواند.<sup>۳۶۶</sup>

علاوه بر آن، در مورد روزنامه‌نگاران اینترنتی و وبلاگ‌نویسانی که دستگیر شدند، فرض بر بیگناهی آنها، آنطور که در اصل ۳۷ قانون اساسی ایران و ماده (۲) ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده، گذاشته نشد. فرد متهم این حق را دارد که بیگناه فرض شود، مگر آنکه شواهد بتوانند اتهامات را بدون هیچگونه شکی اثبات نمایند.<sup>۳۶۷</sup> با وجود این مصاحبه‌هایی که توسط مرکز اسناد حقوق بشر ایران انجام شده، گزارشهای خبری و توصیفهای وبلاگ‌نویسان و روزنامه‌نگارانی که در برابر کمیسیون ریاست جمهوری شهادت دادند دلالت بر این دارد که بازجوها فرض را بر گناهکار بودن شخص بازداشت شده گذاشته و تلاش آنها فقط برای گرفتن اعترافات اجباری بود.<sup>۳۶۸</sup>

هیچگاه نیز به وبلاگ‌نویسان و گزارشگران اجازه دسترسی فوری به مشاوره حقوقی با وکیل منتخب خود آنگونه که در ماده (۳) ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی داده نشد. این عمل به کرات با نگاه داشتن متهمان در زندان بدون اعلام جرم علیه آنها و اعلام این مطلب که تا زمانی که اتهامات آنها رسماً اعلام نشده حق داشتن وکیل ندارند، انجام شده است. برای مثال، شش هفته پس از دستگیری سینا مطلبی، وکیل وی، شیرزاد حیدری شهباز، وکالتنامه امضاء شده خود را به قاضی ظفرقندی تحویل داد. قاضی به این دلیل که پرونده مطلبی هنوز مراحل اولیه تحقیق را طی می‌کند و هیچ وکیلی نمی‌تواند پرونده وی را قبول نماید، از پذیرفتن وکالتنامه امتناع نمود.<sup>۳۶۹</sup> اولین فرصتی که فرشته قاضی برای گرفتن وکیل به دست آورد، پس از سپردن وثیقه بود - یعنی چهل روز پس از دستگیری او.<sup>۳۷۰</sup>

<sup>۳۶۴</sup> نگاه کنید به «بهای پرداخته شده برای وبلاگ‌نویسی»، رک. زیرنویس ۹۰؛ «مطلب سیف‌زاده»، رک. زیرنویس ۲۹۹.

<sup>۳۶۵</sup> مصاحبه با روزه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.

<sup>۳۶۶</sup> مصاحبه با کیانوش سنجری، رک. زیرنویس ۳۰۴.

<sup>۳۶۷</sup> تفسیر عمومی شماره ۱۳: برابری در مقابل دادگاه‌ها و حق برخورداری از یک دادگاه عادلانه و جلسه علنی در حضور یک دادگاه مستقل صالح (ماده ۱۴) پاراگراف ۷ (۱۹۸۴).

<sup>۳۶۸</sup> مصاحبه با روزه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.

<sup>۳۶۹</sup> «نمی‌خواهم صحبت کنم»، رک. زیرنویس ۲۳۶.

<sup>۳۷۰</sup> «اخبار حقوقی کوتاه: سیف‌زاده وکالت فرشته قاضی را قبول کرد»، رک. زیرنویس ۲۷۹.

علت دستگیری بسیاری از روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان به آنها ابلاغ نشد که خود ناقض قوانین بین‌المللی، اصل ۳۲ قانون اساسی ایران، و مواد ۲۴ و ۱۲۹ آیین دادرسی کیفری می‌باشد.<sup>۳۷۱</sup> هیچیک از این افراد در زمان دستگیری از علت آن مطلع نشدند، و بسیاری از آنها برای روزها و گاهی هفته‌ها بدون اطلاع از اتهامات خود در زندان باقی ماندند. بازجوها از آنان می‌خواستند که به یک سری جرایم اعتراف نمایند؛ اما اینگونه درخواستها اعلام رسمی جرم نبود، و بازداشت‌شدگان از موارد رسمی اتهام علیه خود اطلاع چندانی نداشتند.<sup>۳۷۲</sup>

## ۵. نتیجه‌گیری

علیرغم تلاشهای مداوم رژیم جمهوری اسلامی ایران برای افزایش هزینه استفاده از اینترنت، ایرانیان با نهایت اشتیاق اینترنت را پذیرفته‌اند. آنها به عبور از میان راههای پیچ در پیچ قانونهایی که آزادی بیان را محدود ساخته، ادامه می‌دهند. آنها با وجود تلاشهای رژیم برای تغییر و کنترل شبکه جهانی اینترنتی، از طریق استفاده از فیلترشکنها راه خود را برای دسترسی به سایتهای مسدود شده می‌یابند و با استفاده از ردیاب شکنها و ناشناس کننده‌ها خود را از ردیابی روی شبکه جهانی اینترنت حفظ می‌کنند. آنها حتی به زندان می‌افتند و تحت بازجویی قرار می‌گیرند. بسیاری از آنها بهای سنگین این کار را با جلای وطن خود می‌پردازند تا بتوانند آزادانه نظرات خود را بیان نمایند. برخی نیز با جان خود این بها را پرداخت می‌کنند.

اما با این حال، محدودیتهای شدید رژیم بر آزادی بیان، گفتگوی میان مردم را تضعیف نموده و توان رشد و نمو عقاید مشروع مردم را از جامعه ایرانی سلب می‌کند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نخستین نشست خود در سال ۱۹۴۶ آزادی بیان را به منزله «ملاکی برای تمام آزادیهایی که سازمان ملل متحد خود را وقف آنها نموده است» دانست، زیرا «درک و همکاری متقابل میان ملتها بدون داشتن یک نگرش جهان شمول درست و هشیارانه، که آن هم به نوبه خود، به تمامه به آزادی اطلاعات وابسته است، غیر ممکن می‌باشد».<sup>۳۷۳</sup>

مجلس ایران باید مواد سرکوب کننده قانون مطبوعات و قانون مجازات اسلامی ایران از جمله ماده ۶۰۹ که توهین به تقریباً هر کارمند دولت را جرم می‌داند لغو کرده و دیگر مواد و قوانین را اصلاح نماید تا کمتر مبهم بوده و از آنها در جهت سوء استفاده نشود. وزارتخانه‌هایی که مسئول محدود ساختن دسترسی به اینترنت از طریق فیلتر یا مسدود ساختن هستند، باید تعریف دقیقی از آنچه سبب سانسور یک وبسایت می‌شود ارائه دهند و تنها هنگامی که طبق ماده ۱۹، پاراگراف ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ضرورت می‌یابد، یک وبلاگ یا وبسایت را فیلتر یا مسدود نمایند. قوه قضاییه باید از بسط قوانین از طریق تفسیر کردن آنها برای محدود ساختن آزادی بیان پرهیزد. بالاخره قوه قضاییه باید طبق ماده ۵۷۰ قانون مجازات عمومی، مقامات دولتی

<sup>۳۷۱</sup> به طور کلی نگاه کنید به شهادتنامه سیگارچی، رک. زیرنویس ۵۹؛ مصاحبه با کیانوش سنجر، رک. زیرنویس ۳۰۴؛ مصاحبه با روزبه میرابراهیمی، رک. زیرنویس ۷۵.

<sup>۳۷۲</sup> همان.

<sup>۳۷۳</sup> قطعنامه مجمع عمومی (I) ۵۹ [G.A. Res. 59(I)], (۱۹ دسامبر ۱۹۴۶).

را که به سوء استفاده از حقوق مردم که توسط قانون اساسی ایران تضمین گردیده می پردازند تحت تعقیب قانونی قرار دهد. این حقوق شامل حق مشاهده قرار بازداشت در هنگام دستگیری، حق برخورداری از مشاوره حقوقی، و حق محافظت در برابر شکنجه می باشد.<sup>۳۷۴</sup>

## روش شناسی

مرکز اسناد حقوق بشر ایران اطلاعات گرد آمده در این گزارش را از بررسی منابع زیر بدست آورده است:

- شهادت قربانیان و شهود، که شامل شهادتنامه‌هایی است که توسط حقوقدانان این مرکز از روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان سابق گرفته شده است.
- مدارک دولتی، که شامل بیانیه‌های عمومی مقامات دولتی، بیانیه‌های انتشار یافته توسط سازمانهای دولتی ایران، و اسناد حقوقی منتشر شده می باشد.
- مدارک منتشر شده توسط سازمانهای غیردولتی. که شامل مصاحبه‌ها، گزارشها و اطلاعیه‌های مطبوعاتی می شود که توسط سازمانهایی همچون عفو بین الملل و گزارشگران بدون مرز نوشته شده است.
- مقالات دانشگاهی، که شامل مطالبی است که مورخان و دانشمندان علوم سیاسی درباره ایران نگاشته‌اند.
- گزارشهای رسانه‌ها، که شامل مقالاتی است که در روزنامه‌های داخلی کشور و نیز در دیگر رسانه‌ها و همچنین مقالات وبلاگ‌نویسان ایرانی که در وبلاگها انتشار یافته است.

در مواردی که این گزارش به اطلاعات تهیه شده توسط عوامل دولتی و یا احزاب دیگر دست اندرکار ارجاع و یا به آنها استناد می کند، منابع این اطلاعات با ذکر ارزیابی و صحت و سقم هر منبع به طور اختصاصی بیان شده است. مرکز اسناد حقوق بشر ایران در نهایت دقت تمامی منابع بکار رفته در تهیه این گزارش را مورد بازبینی قرار داده تا از اعتبار و دقت آنها یقین کامل حاصل نماید.

---

<sup>۳۷۴</sup> ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ تصریح می کند که «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای آنکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید»، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد. به علاوه مافوق‌هایی که چنین دستوری را صادر کرده باشند، صراحتاً پاسخگو خواهند بود: «اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قتل و آمر مجازات قتل را خواهد داشت» و «چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد».

پیوستهای

**Ctrl+Alt+Delete**: پاسخ ایران به اینترنت





## فهرست پیوستها

پیوست ۱- نامه رجبعلی مزروعی، رئیس انجمن صنفی مطبوعات ایران به محمد خاتمی، رئیس جمهور ایران (۲۲ آذر ۱۳۸۳)

پیوست ۲- حسین شریعتمداری، «یادداشت روز: خانه عنکبوت»، کیهان، ۱۳۸۳/۷/۸

پیوست ۳- «اعتراف یکی از متهمین سایتهای اینترنتی به جاسوسی برای بیگانگان»، جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۹/۱۵

پیوست ۴- «بازخوانی پرونده مجتبی سمیع‌نژاد توسط وکیل او، محمد سیف‌زاده»، روزآنلاین، [تاریخ ندارد]



## پیوست ۱

نامه رجبعلی مزروعی، رئیس انجمن صنفی مطبوعات ایران به محمد خاتمی، رئیس

جمهور ایران (۲۲ آذر ۱۳۸۳)



«اگر نبود انتشار نامه‌هایی منسوب به روزنامه‌نگاران بازداشتی مرتبط با پروژه برخورد با سایت‌های اینترنتی از سوی خبرگزاری قوه قضاییه، انگیزه انتشار عمومی این نامه را نمی‌یافتیم اما گرد و غباری را که دست‌اندرکاران این پروژه از طریق انتشار این ندامت‌نامه‌ها خواستند بر اعمال غیرقانونی، ضداخلاقی و ظالمانه خود بکشند مرا وادار به انتشار این نامه کرد. امیدواریم همچنان که دادستانی تهران برخی مطبوعات را به چاپ و انتشار آن نامه‌ها اجبار کرد اجازه چاپ و انتشار نامه بنده را بدهد و به سانسور متوسل نشود تا «طالبان حقیقت و دوستداران عدالت» بتوانند در پس‌گرد و غبارها به واقعیت آنچه بر سر بازداشت‌شدگان مرتبط با سایت‌های اینترنتی آمده، دست یابند و اگر روزگاری در این ملک دستگاه عدالتی به کار افتاد، با رسیدگی به آنچه گزارش کرده‌ام عدالت را جاری سازد. هر چند بازداشتی‌های مورد اشاره با سپردن وثیقه آزادند و در انتظار محاکمه و حکم دادگاه! و طبعاً هر آنچه می‌گویند و می‌نویسند را با ضربی خاص باید تحلیل و باور کرد، اما فردایی هم خواهد بود که حقایق عریان خواهد شد، و نمی‌دانم آنانی که دایم دم از گفتمان عدالت می‌زنند چرا نسبت به ظلم‌هایی این چنین آشکار در حق شهروندان بی‌پناه دم فروبسته‌اند و نظاره‌گرند! والسلام.

رجبعلی مزروعی ۸۳/۹/۲۱»

جناب آقای حجت‌الاسلام والمسلمین آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تجدید ارادت

پیرو نامه‌های مورخ ۸۳/۶/۱۴ و ۸۳/۸/۵ بار دیگر مصدع اوقات می‌شوم تا گزارشی در رابطه با آزادی حنیف و دیگر افراد بازداشتی مرتبط با سایت‌های اینترنتی خدمت جنابعالی بدهم تا در جریان قرار گیرید که بر اینها چه گذشته است؟ و پیگیران در پی چه بوده‌اند؟ و چه به دست آورده‌اند؟ و...

حدود ساعت ۶/۵ بعدازظهر روز سه‌شنبه ۸۳/۸/۱۹ فردی از طرف دادسرا با منزل ما تماس گرفته و اعلام می‌کند که فردا ساعت ۹ صبح با سند ملکی برای آزادی حنیف به دادسرای ناحیه ۹ فرودگاه مراجعه کنید. اینجانب ساعت ۹ روز چهارشنبه ۸۳/۸/۲۰ به دادسرای نامبرده مراجعه کردم. در ابتدا مسؤولان دادسرا از موضوع اظهار بی‌اطلاعی کردند اما بنده و خانواده قریشی را به انتظار دعوت کردند و بالاخره پس از یک ساعت و نیم انتظار اعلام کردند که می‌توانید درخواست سپردن وثیقه را بنویسید. در این هنگام آقای درایتی نیز به ما ملحق شدند. هر یک از ما درخواست جداگانه‌ای برای سپردن وثیقه نوشتیم و سرپرست دادسرا با آن موافقت کرد. مراحل اداری سپردن وثیقه تا ظهر روز بعد طول کشید و به ما اعلام شد که این سه نفر (حنیف مزروعی،

مهدی درایتی و مسعود قریشی) امروز آزاد می‌شوند. در مقابل پرسش اینجانب که برای تحویل گرفتن آنها به کجا مراجعه کنیم گفته شد که لازم نیست به جایی مراجعه کنید آنها خودشان می‌آیند. از نکات جالب توجه این بود که در طی مراحل اداری برای سپردن وثیقه معلوم شد که در هیچیک از دفاتر دادسرا ناحیه ۹ تهران اسمی از این افراد به عنوان بازداشتی یا زندانی ثبت نشده و کلاسه پرونده‌ای برای آنها وجود نداشت و تنها بر اساس درخواست هر یک از ما و موافقت سرپرست دادسرا اقدام انجام گرفت.

حدود ساعت ۸ بعدازظهر و در حالی که چند ساعت انتظار سخت کشیدیم و خانواده تقریباً از آزادی حنیف ناامید شده بودند، حنیف با تلفن خبر آزادی خود را داد و گفت که از کلانتری میدان نیلوفر (همانجایی که او را بازداشت کردند) زنگ می‌زند و با تاکسی می‌آید. پس از آمدن تعریف کرد که ما هم دیگر از آزادی مایوس شده بودیم اما ساعت ۷ به ما اعلام کردند که وسایل خود را برداریم و برای آزادی همراه آنها شویم. سه نفر ما را با چشم‌بند در یک ماشین هاپس قرار دادند و حدود یک ساعت ما را در خیابان‌های تهران چرخاندند.

حدود ساعت ۸ بود که در مقابل کلانتری میدان نیلوفر ماشین متوقف شد و به من گفته شد چشم‌بند را بردار و پیاده شو. در موقع خداحافظی از درایتی و قریشی چون می‌دانستم آنها پولی به همراه ندارند به هر یک مبلغ ۵ هزار تومان برای کرایه تاکسی دادم و پیاده شدم. بلافاصله به شما تلفن کردم و با تاکسی آمدم. بعداً معلوم شد که آن دو نفر را با همین شیوه در مقابل اداره اماکن خیابان مطهری پیاده کرده‌اند و چون خانواده قریشی از ساعت ۲ بعدازظهر برپایه حس غریزی در آنجا انتظار فرزندشان را می‌کشیده‌اند او و درایتی را در آنجا درمی‌یابند و به منزل می‌برند. متأسفانه شیوه برخورد پیگیران این پرونده در آزادی افراد نیز اینگونه بود!

خلاصه‌ای از آنچه حنیف در مورد بازجویی‌ها و شرایط زندان گفته به این شرح است:

بلافاصله پس از ورود به زندان بازجویی از او با چشم‌بند و رو به دیوار آغاز می‌شود. اولین سؤال این بوده که کلیه مفاسد اخلاقی‌ات را بنویس. در مقابل این سؤال حنیف می‌پرسد که اتهام من چیست؟ و بازجو در مقابل تشریح می‌زند که به این سؤال جواب بده به آن هم می‌رسیم. وقتی حنیف

پاسخ می‌دهد که مفاسد اخلاقی ندارم. بازجو شروع به کتک زدن او می‌کند و باز سؤالات مشابهی را مطرح می‌کند و سرانجام چون این مسیر به جایی نمی‌رسد بازجو شروع می‌کند به طرح این موضوع که بر اساس اقرار درایتی شما مدیر فنی سایت رویداد بوده‌ای و در این باره باید توضیح بدهی. حنیف با نفی این موضوع به کار در روزنامه یاس نو و مسؤولیت سایت آن اشاره می‌کند و

در همین رابطه توضیح می‌دهد که گهگاه که سایت رویداد دچار مشکل می‌شد از طریق تلفن به من خبر می‌دادند و من نیز از طریق تماس با آقای درایتی رفع مشکل می‌کردم. پس از سه ساعت بازجویی تمام می‌شود. اما نیم ساعت بعد دوباره بازجویی از طریق مواجهه حنیف با درایتی دنبال می‌شود که حدوداً نیم ساعت طول می‌کشد. پس از این بازجویی حنیف را به سلول می‌برند و شب آقای مهدی‌پور جانشین دادسرای ناحیه ۹ تهران برای تفهیم اتهام او را می‌خواهد و به او اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق سایت رویداد» را برپایه اقرار درایتی تفهیم می‌کند و حکم قرار بازداشت موقت را به او ابلاغ می‌کند که حنیف بدون اعتراض آن را امضا می‌کند. پس از این تقریباً تا پنج روز به طور مکرر مورد بازجویی در مورد مفاسد اخلاقی، روابط نامشروع و ... قرار می‌گیرد و در این مسیر تا خصوصی‌ترین مسائل خانوادگی مورد پرسش بازجو بوده است. در روزهای بعدی که چشم‌بند و رو به دیوار بودن برداشته شده و مواجهه رویاروی بین حنیف و بازجو صورت می‌گیرد عمده سؤالات در مورد مسائل سیاسی (افراد سیاسی، روزنامه‌ها، جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) بوده است و از حنیف می‌خواهند که راجع به برخی افراد تک‌نویسی کند. در مورد اینجانب نیز از او می‌خواهند هر آنچه را می‌داند بنویسد.

از اینکه در خانه چه می‌کنم، چه می‌گویم، چه می‌خوانم، با کی‌ها ملاقات می‌کنم تا فعالیت‌های بیرون از خانه در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، روزنامه‌ها، جبهه مشارکت، ... ارتباطاتم با آقای خاتمی، موسوی خوئینی‌ها، ... و بالاخره چون در همه این اقرار مستمسکی برای آویزان شدن پیدا نمی‌کنند دوباره به فعالیت‌ها و نوشته‌های حنیف در روزنامه‌ها برمی‌گردند و سرانجام نوشته‌ای از او در روزنامه یاس نو دستمایه اتهامش می‌شود و آقای مهدی‌پور پس از ۴۷ روز و این بار در دادسرا، که هشت نفر از افراد را به آنجا برده بودند، دو اتهام «اقدام علیه امنیت ملی نظام مقدس جمهوری اسلامی از طریق معاونت در مدیریت سایت غیرقانونی رویداد» و «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از طریق انتشار یادداشت‌هایی در روزنامه‌ها» را به حنیف تفهیم می‌کند و از او می‌خواهد که برای محاکمه در دادگاه حداکثر ظرف یک هفته آماده شود و دفاعیه خود را عرضه کند. پس از این تفهیم اتهام، هشت نفر بازداشتی برای بازگرداندن به زندان سوار ماشین‌هایس می‌کنند با چشمان بسته، اما فردی یک گاز اشک‌آور به داخل ماشین می‌اندازد و در را می‌بندد و

اینها شروع به سرفه و سروصدا می‌کنند که پس از لحظاتی در باز می‌شود و اینها از آن وضعیت رقت بار نجات می‌یابند و این صحنه را افراد حاضر در آنجا می‌بینند و مورد اعتراض قرار می‌دهند. پس از اینکه اعلام می‌شود افراد خود را برای دادگاه آماده کنند دیگر تقریباً کاری با آنها نداشته‌اند و در سلول بوده‌اند. حنیف دفاعیه خود را ارائه می‌کند که مورد قبول بازجو قرار

نمی‌گیرد و گفته می‌شود که مواردی باید حذف و جنبه افشاگرانه آن اضافه شود و سرانجام نیز ماجرا به آزادی به قید وثیقه ختم می‌شود.

از ۶۶ روزی که حنیف بازداشت بوده، ۵۹ روز آن را در یک سلول انفرادی ۲\*۱/۵ متر به سر برده و به جز در مواقع بازجویی، در شبانه‌روز فقط ۳ بار آن هم به مدت ۳ دقیقه او را برای دستشویی از سلول خارج می‌کرده‌اند. در ایام بازجویی بارها مورد ضرب و شتم واقع شده و شدیداً تحت فشار بوده است. بر اساس آنچه دریافت شد فرد بازجو شخصی به نام کشاورز (تقریباً کوتاه قد، حدود ۵۰ الی ۶۰ ساله با ریش‌های جو گندمی و نسبتاً چاق) بوده است. وضعیت غذا و بهداشت زندان در حد متوسط بوده و به جز افراد بازداشتی مرتبط با سایت‌های اینترنتی افراد دیگر را نیز در آنجا بازداشت می‌کرده‌اند. مدیریت زندان با نیروی انتظامی بوده است.

البته همانگونه که در نامه قبلی متذکر شدم، مسئولان قوه قضاییه به هیچ وجه حاضر به اعلام محل این زندان نشدند و بر پایه قرائن و شواهد یک زندان خارج از مدیریت سازمان زندان‌ها و غیرقانونی است، و البته حنیف برپایه شواهدی که دارد محل دقیق زندان را مشخص کرد.

آنچه بر سر حنیف آورده‌اند کم و بیش بر سر دیگر افراد بازداشتی مرتبط با این موضوع آورده‌اند. ۱۳ نفری که تاکنون آزاد کرده‌اند (به قید وثیقه) تقریباً مسأله دندان‌گیری برای طرح در دادگاه نداشته‌اند، اما برای هشت نفر باقی مانده ظاهراً در تدارک یک اتهام اخلاقی هستند تا از این طریق سرو ته این پرونده را بهم آورند! و البته خدا باید به داد این افراد برسد. آنچه در جریان این

برخوردهای غیرقانونی و ظالمانه انجام گرفته جز «سیاست مرعوب‌سازی» و «عملیات ایدایی» نامی دیگر نمی‌توان بر آن نهاد و نمی‌دانم این آقایانی که شب و روز از گفتمان عدالت دم می‌زنند و ادعای دینداری‌شان گوش فلک را کر کرده است چگونه می‌خواهند در روز قیامت پاسخگوی این اعمال ظالمانه و ضدانسانی‌شان باشند؟ فعلاً در دنیا که خود را پاسخگوی هیچکس و هیچ‌جا نمی‌دانند. قطعاً اینجانب نامه‌ای به رهبری می‌نویسم و در آن به شرح این واقعه در ذیل حکومت ایشان خواهم پرداخت.

حسن ختام هم پیوست کپی دستنوشته‌ای است که از حنیف خواسته‌اند در یک مصاحبه تلویزیونی اینها را بگویند تا آزاد شود اما او زیر بار نرفته است و آنها هم یادشان رفته که این دستورالعمل را از او بازگیرند!

خدا آخر و عاقبت همه ما را ختم به خیر گرداند



## پیوست ۲

حسین شریعتمداری، «یادداشت روز: خانه عنکبوت»، کیهان، ۱۳۸۳/۷/۸



خانه عنکبوت

یادداشت روز



در عرف روزنامه نگاری، ستون یادداشت روز یا سرمقاله به تفسیر و تحلیل درباره یکی از اصلی ترین مسائل روز اختصاص داده می شود. اما در این یادداشت مجموعه ای از چند خبر است بی آنکه با تحلیل و تفسیر چندانی همراه باشد. در این یادداشت، نشانه ها و مشخصات سنتی از یک شبکه فعال در عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور فهرست شده است. این فهرست، اگرچه طولانی است و در نوشته پیش روی فقط به چند نمونه از آن اشاره شده ولی همین مختصر به اندازه کافی گویاست. در خانه عنکبوت، اگر کسی است، با حرف بی است.

۱- این شبکه، هویت آمریکایی، و شناسنامه ایرانی، دارد مرکز اصلی کنترل و هدایت آن در امریکاست و چند مرکز میانی در کشورهای اروپایی، و طبقه برقراری ارتباط میان مرکز اصلی با اعضای شبکه در داخل کشور را بر عهده دارند. مراکز میانی در شهرهای لندن، برلین، لاهه، بروکسل و پراگ مستقر هستند. هماهنگی میان مراکز اروپایی با مرکز اصلی از طریق مرکز پراگ صورت می گیرد که در محل ساختمان رادپو فردا، در شهر پراگ مستقر است. توضیح آنکه رادپو فردا، نه فقط وابستگی خود به سازمان CIA، انکار نمی کند، بلکه بر تعلق این رادپو به سازمان اطلاعاتی امریکا CIA تأکید هم می ورزد و این تأکید را برای اطمینان خاطر افرادی که به همکاری دعوت شده اند، ضروری می داند.

۲- بیشترین فعالیت تجاری این شبکه از طریق سایت های اینترنتی، روزنامه های زنجیره ای، مجله های دو گروه افراطی مدعی اصلاحات و عواملی که در دولت دارند صورت می پذیرد. سایت امروز، با مرکزیت به ظاهر داخلی و سایت گویابنوس NEWS.GOOVA که ابتدا، در بانک اطلاعاتی موسسه NIKE در امریکا ثبت شده و بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر، محل آن به بروکسل منتقل گردیده است، دو سایت اصلی متعلق به این شبکه هستند. علاوه بر دو سایت اصلی مورد اشاره، چند سایت اینترنتی دیگر نیز در این شبکه فعالیت دارند و سایت فارسی می بی بی سی نیوز B.B.C. PERSIAN از یک سال قبل این شبکه را زیر نظر حمایت و تأییداتی خود گرفته است.

۳- امروز، که در خارج از کشور حضور دارد به شرح زیر است: در ایروین (مقیم امریکا)، مقیم احمدی (مقیم امریکا)، فرشتا بیان (مقیم بروکسل)، حمیدرضا (مقیم پاریس)، احمد شادمان (مقیم پاریس)، نیما اردکان (مقیم سوئد)، حسین درخشان (مقیم برن)، علیرضا نوروزی (مقیم لندن)، حمید محمدی (مقیم نیویورک)، سنا مطلسی (مقیم لاهه و بروکسل)، حمید بزگر (مقیم لندن)، ابراهیم نقوی (مقیم پاریس، برلین و مسعود بهنود (مقیم لندن) و ...

۴- نام اختصاری تعدادی از اعضای این شبکه که هم اکنون به طور مرموز در روزنامه های زنجیره ای و سایت های این شبکه عضویت فعالیت می کنند به شرح زیر است: «لیگ»، «ف»، «فرهاد»، «ر»، «نیما»، «ر»، «بهمن»، «ف»، «زبلا»، «م»، «شادی»، «سی»، «امید»، «م»، «شهرام»، «ر»، «مفتوح»، «م»، «روزبه»، «م»، «جلال»، «ج»، «حنیف»، «م»، «مهدی»، «د»، «و»، «اکثر این افراد، جوانان جوانی نامی بوده و هستند که ابتدا از طریق عوامل این شبکه، مخصوصاً عوامل شبکه مرموز در دو گروه افراطی مدعی اصلاحات - به عنوان خبرنگار جذب روزنامه های زنجیره ای شده و سپس با ترغیب ناچارانه دانه ای نظیر آلودگی به فساد اخلاقی و تهیه فیلم از این صحنه ها، و یا وعده فریبانی و قرب الوعوف نظام و پول پست و مقام و یا تحصیل رایگان در کشورهای اروپایی و امریکا - وادار به همکاری با این شبکه شده اند.

۵- برخی از افراد شاخص این شبکه که در مراکز نظامی اطلاعاتی بوده و یا هستند عبارتند از: محمدعلی، «الف»، «عمیدی»، «سی»، «مطلسی»، «ت»، «بهزاد»، «ن»، «محسن»، «م»، «مصطفی»، «د»، «مسعود»، «ج» و ...

این افراد، بعد از جذب اعضای جدید که عمدتاً از طریق روزنامه های زنجیره ای صورت می پذیرد با برپایی جلسات توجیهی، آنها را به شبکه وصل می کنند.

۶- اعضای جذب شده بعد از فعالیت در روزنامه های زنجیره ای، با کمک عوامل این شبکه در وزارت ارشاد، انجمن سفیری روزنامه نگاران، کانون نویسندگان و حمایت برخی از نفوذی های شبکه در سیستم اجرایی و ... از جشنواره مطبوعات و جشنواره های هنری دیگر جایزه دریافت می کنند و یا به روش های دیگری به عنوان روزنامه نگار برجسته معرفی می شوند، سپس با کمک مراکز یاد شده به خارج از کشور اعزام گردیده و در آنجا با مشتمل کننده ترین امن و قلم به لجن برپا می کنند.

۷- علیه نظام، مسئولان عالی رتبه و ارزش ها و مقدسات اسلامی و انقلابی منقول می شوند. که افراد زیر از جمله این نمونه ها هستند علی باستانی، جمشید برزگر، کاملیا تفریقی، فرید سعید رضوی فقیه، نوشابه امیری، مهدی خلجی، نیما تمدن، کیوان حسینی، فرین عاصمی، حمید محمدی و ...

۸- افرادی از این شبکه که در مدیریت های نظامی نفوذ کرده اند و با مسئولیت های نظیر نمایندگی مجلس، معاونت وزیر و ... داشته و دارند، اعضای جدید شبکه را به عنوان و خبرنگار، گرازشگر در مراکز رسمی نظام و ... شرکت هایی که به سایت ها و وبلاگ های این شبکه، سرویس می دهند، و سرویس های مورد نیاز این سایت ها و وبلاگ ها را تأمین می کنند، اگرچه شناسنامه ایرانی دارند و در مراکز رسمی کشور ثبت شده اند ولی سایت ها و وبلاگ های این شبکه عضویت قابل کنترل و یا فلترنگ نبوده و نیست، چرا که برای آنکه، سرویس دهی آنها بسوزد از حوزه رسمی کشور (شرکت مطبوعات) بوده است و این شرکت ها به طور غیر قانونی و پنهانی با برخی از مراکز ماهواره ای در اروپا و امریکا رابطه داشته و از سایت های ماهواره ای و خدمات آنها استفاده می کنند، بنابراین خطوط ارتباطی سایت ها و وبلاگ های این شبکه از دینا، IATA، رسمی کشور عبور نمی کند که قابل کنترل و فلترنگ باشد. به بیان دیگر، این شبکه به خلاف قوانین جاری کشور، یک دایره مخارانی خصوصی و جداگانه دارد که از سوی شبکه های ماهواره ای و مخاراتی امریکا و اروپا در اختیار آن قرار گرفته است.

۹- نام اختصاری برخی از شرکت ها که به طور غیر قانونی و پنهانی از شبکه های خارجی برای تقاضای سایت های این شبکه عضویت می سرویس می گرفته اند به شرح زیر است: شرکت «ب»، شرکت «الف»، شرکت «پ»، و ... آقای مصطفی، «د»، عضو شورای انفورماتیک و عضو سابق کمی ستگاه اجرایی با تأسیس یکی از شرکت های فوق الذکر، نیز مخاراتی سایت ها و وبلاگ های این شبکه عضویت می تأمین می کرده است و «ج»، «فرزند یکی از اعضای انجمن سفیری روزنامه نگاران با باقی برش» و «رایج یکی از گروه های افراطی حبه موسوم به اصلاحات از افراد فعال در این شرکت ها بوده اند.

۱۰- مرکز کنترل و هدایت این شبکه در امریکا، بعد از دریافت گزارش اعضای داخلی شبکه از ایران، خط تبلیغاتی مورد نیاز خود را به صورت خبر، گزارش، تحلیل، مقاله ... و به سرپل های اروپایی و ... از آنجا به رابطین اصلی شبکه در ایران منتقل می کند. این خط تبلیغاتی، مثلاً فلان باد داشت یا گزارش - از اعضای یکی از اعضای دست چندم شبکه روی سایت های «امروز»، «گویابنوس»، «بهک نت» و ... می رود و یا در یکی از روزنامه های زنجیره ای چاپ می شود و سپس خبر گزارهای خارجی و مقامات امریکایی، اروپایی و اسرائیلی با استناد به این اخبار و گزارش ها که ساخته و پرداخته خود آنها بوده است، تبلیغات گسترده ای را علیه نظام، اسلام و مسئولان عالی رتبه کشور تدارک می گیرند.

۱۱- شبکه یاد شده، از طریق وبلاگ ها و بیتهای اینترنتی، ابتدا تبلیغات جنسی جوانان را تحریک می کند و سپس برخی از اعضای داخلی شبکه را افرادی که از این طریق اقداماتی جذب شدن دارند، تمایز گرفته و آنها را به مراکز فساد و خشونت و ... معرفی می کند و ...

۱۲- چند سال قبل، جناب آقای بونسی وزیر معترم اخلاعات، اعلام کرد که این وزارتخانه عوامل نفوذی در برخی از مطبوعات را شناسایی کرده است! و معلوم نیست که اگر آن اظهارات صورت داشتند - است - که نمی تواند صحت نداشته باشد - چرا که پیشتر پر خود را با این شبکه صورت نپذیرفته و با چه توجیهی جوانان مظلوم این مرموز بود و چنگال این گرگ های درنده، ما شده اند؟! ...

۱۳- درباره این شبکه و اهداف و چگونگی فعالیت آن گفتنی های دیگری نیز هست که در آینده ای نزدیک با جزئیات بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

۱۴- خانه عنکبوت، باتوجه به آیه چهل و یکم از سوره مبارکه عنکبوت به عنوان نام این شبکه انتخاب شده است، آنجا که می فرماید: «داستان آنی که خدا را فراموش کرده و غیر او را به دولتی گرفته اند، شبیه خانه ای است که عنکبوت می سازد و حال آنکه سبب ترین آن خانه، خانه عنکبوت است.

۱۵- والاخره ... این روزها، با سالروز میلاد مراد غایبمان حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا لیرحمه الله، مرموزان این همه تلاش خود را بر این استوار ساخته اند که در عرض شهر و ساخت مقدس او می نوشتم ولی از آنجا که مقاله فایده ای ندارد غایب نمی بسند، نشانه ای از انتظار است، امیدواریم بر ما خرده نگیرد و عنقریب ما را ببیند که در انتظار هستند، اول قلم بر کاغذ رانده ایم.

حسین شریعتی داری

اخبار کشور

ایران جزو ۳۰ کشور برتر تولید کننده علم است

ایران سالانه با ارائه ۳ هزار مقاله علمی جزو ۳۰ کشور برتر تولید کننده علم در جهان است. معاون فرهنگی وزیر علوم، محسن فرهنکی در مراسم تحقیقات و فن آوری در مراسم دانشگاه فایلیت های فرهنگی باید نهاده شود و این فعالیت ها با مشارکت دانشجویان صورت گیرد. وی کاربردی کردن پایان نامه های دانشجویی را از سیاست های وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری عنوان کرد و افزود: سلاست نمی شود پژوهش های علمی و پایان نامه های دانشجویی مناسب با نیاز کشور باشد.

گفت و شنود

معاون فرهنگی وزیر علوم، محسن فرهنکی وزیر علوم، تحقیقات و فن آوری کشور بودجه بخش فرهنگی در دانشگاه های مراکز درصدا اعلام کرد و گفت: در دانشگاه فایلیت های فرهنگی باید نهاده شود و این فعالیت ها با مشارکت دانشجویان صورت گیرد. وی کاربردی کردن پایان نامه های دانشجویی را از سیاست های وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری عنوان کرد و افزود: سلاست نمی شود پژوهش های علمی و پایان نامه های دانشجویی مناسب با نیاز کشور باشد.

رئیس مجلس: مهدویت و انتظار، اعتقاد به کرا



خارج از دستور

مجلس شورای اسلامی امروز تشکیل جلسه داد. در این جلسه چند طرح و لایحه از تصویب نمایندگان گذشت و همچنین سئوال از وزیر بهداشت مطرح شد. در این جلسه رئیس مجلس طی سخنانی تأکید کرد اعتقاد به مهدویت، اعتقاد کرامت انسانی و پیروزی نهایی عدالت و حقیقت بر ظلم و دروغ است. گزارش این جلسه را می خوانید:

سخنران نماینده شیستر کربن خیالی مرادی نماینده مردم شیستر نخستین سخنران جلسه بود. وی گفت امروز مبین اسلامی حساس ترین شرایط را دارد که می توان به اهتمام عمر دولت فعلی و انتخابات ریاست جمهوری آینده شرایط حاکم بر مجلس، تعامل مجلس و دولت و چنانچه گروهها با هم انتظار مردم از حاکمیت و خصوصاً از مجلس غمت بر کنار اتفاقات جهان و مشکلات همسایگان و مسائل فقهی NPT اشاره کرد.

وی گفت نوبتت جغرافیایی و استراتژیک کشور از نظر خدادادی آن با نیروی انسانی و منابع متنوع و سرشار طبیعی و خدادادی آن با نیروی انسانی و متحصله در ایجاد می نماید که با برنامه ریزی صحیح و با قانونمندی و تعامل با همسایران جای پرداختن به تکررات انتقام چوهاره و استفاده از اصل شایسته سالاری و توسل به نخبگان و استفاده از پتانسیل های موجود سازگار جایگاه واقعی مبین اسلامی را تهیه و با تکیه بر علم و صنعت می سازد خانه خود را عملی می سازد داشته باشد.

سخنران نماینده شیستر دومین سخنران بود. وی گفت امریکا و کشورهای اروپایی همه تلاش خود را بر این استوار ساخته اند که در عرض شهر و ساخت مقدس او می نوشتم ولی از آنجا که مقاله فایده ای ندارد غایب نمی بسند، نشانه ای از انتظار است، امیدواریم بر ما خرده نگیرد و عنقریب ما را ببیند که در انتظار هستند، اول قلم بر کاغذ رانده ایم.

معاون فرهنگی وزیر علوم، محسن فرهنکی وزیر علوم، تحقیقات و فن آوری کشور بودجه بخش فرهنگی در دانشگاه های مراکز درصدا اعلام کرد و گفت: در دانشگاه فایلیت های فرهنگی باید نهاده شود و این فعالیت ها با مشارکت دانشجویان صورت گیرد. وی کاربردی کردن پایان نامه های دانشجویی را از سیاست های وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری عنوان کرد و افزود: سلاست نمی شود پژوهش های علمی و پایان نامه های دانشجویی مناسب با نیاز کشور باشد.

حسین شریعتی داری



### پیوست ۳

«اعتراف یکی از متهمین سایتهای اینترنتی به جاسوسی برای بیگانگان»، جمهوری

اسلامی، ۱۳۸۳/۹/۱۵





### در نامه اعتراض آمیز یک متهم پرونده اینترنتی به رجبعلی مزروعی مطرح شد

# اعتزاف یکی از متهمان سایتهای اینترنتی به جاسوسی برای بیگانگان



حاجاد علام نسیمی

«حاجاد علام نسیمی، متهمی که در ارتباط با پرونده موسوم به سایت های اینترنتی در بازداشت بسر می برد، در نامه ای خطاب به رجبعلی مزروعی، رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران، ضمن اعتراف به جاسوسی برای بیگانگان از وی خواست به دفاع از او اقدام صورت دهد.

«حاجاد علام نسیمی، متهمی که در ارتباط با پرونده موسوم به سایت های اینترنتی در بازداشت بسر می برد، می خواهد که در دفاع از خود از بیگانگان استفاده کند. این بیگانگان به نام من سوء استفاده کرده اند. من از شما و انجمن واسعه به شما که می خواهید از نام من سوء استفاده کنید، ابراز انزجار کرده و خواهان پیگیری قضایی گشایی هستم که به بنیاد حمایت از یک مجرم، جو جامعه را ملتبس می سازند.

این روزنامه نگار زندانی در ادامه نیز نوشت: اگر من همین مجرم را در کشور دیگری مرتکب می شدم، اکنون به مجازات اقدام با حسن اید محکوم می شدم ولی رفتار نظام اسلامی و مسئولان پرونده و مسئولان زندان به گونه ای بوده که به جای متنبه شدن، موجبات شرمندگی من را فراهم آورده اند.

چنین مطلبی از جانب افراد را ادعا خواندم. این زندانی در این نامه خطاب به رجبعلی مزروعی خاطرنشان کرد که ما بارها دعای روح بخش کعبه را به صورت دسته جمعی در زندان خواندیم که فرزند شما (حنیف مزروعی) یکی از قاریان این دعا بوده است.

وی، در این نامه از طلب ایران بابت از کتاب اعمال، عذرخواهی کرده است. علام نسیمی، خطاب به مزروعی و انجمن صنفی روزنامه نگاران نوشت، که من از شما و انجمن واسعه به شما که می خواهید از نام من سوء استفاده کنید، ابراز انزجار کرده و خواهان پیگیری قضایی گشایی هستم که به بنیاد حمایت از یک مجرم، جو جامعه را ملتبس می سازند.

این روزنامه نگار زندانی در ادامه نیز نوشت: اگر من همین مجرم را در کشور دیگری مرتکب می شدم، اکنون به مجازات اقدام با حسن اید محکوم می شدم ولی رفتار نظام اسلامی و مسئولان پرونده و مسئولان زندان به گونه ای بوده که به جای متنبه شدن، موجبات شرمندگی من را فراهم آورده اند.

چنین مطلبی از جانب افراد را ادعا خواندم. این زندانی در این نامه خطاب به رجبعلی مزروعی خاطرنشان کرد که ما بارها دعای روح بخش کعبه را به صورت دسته جمعی در زندان خواندیم که فرزند شما (حنیف مزروعی) یکی از قاریان این دعا بوده است.

وی، در این نامه از طلب ایران بابت از کتاب اعمال، عذرخواهی کرده است. علام نسیمی، خطاب به مزروعی و انجمن صنفی روزنامه نگاران نوشت، که من از شما و انجمن واسعه به شما که می خواهید از نام من سوء استفاده کنید، ابراز انزجار کرده و خواهان پیگیری قضایی گشایی هستم که به بنیاد حمایت از یک مجرم، جو جامعه را ملتبس می سازند.

این روزنامه نگار زندانی در ادامه نیز نوشت: اگر من همین مجرم را در کشور دیگری مرتکب می شدم، اکنون به مجازات اقدام با حسن اید محکوم می شدم ولی رفتار نظام اسلامی و مسئولان پرونده و مسئولان زندان به گونه ای بوده که به جای متنبه شدن، موجبات شرمندگی من را فراهم آورده اند.

چنین مطلبی از جانب افراد را ادعا خواندم. این زندانی در این نامه خطاب به رجبعلی مزروعی خاطرنشان کرد که ما بارها دعای روح بخش کعبه را به صورت دسته جمعی در زندان خواندیم که فرزند شما (حنیف مزروعی) یکی از قاریان این دعا بوده است.

وی، در این نامه از طلب ایران بابت از کتاب اعمال، عذرخواهی کرده است. علام نسیمی، خطاب به مزروعی و انجمن صنفی روزنامه نگاران نوشت، که من از شما و انجمن واسعه به شما که می خواهید از نام من سوء استفاده کنید، ابراز انزجار کرده و خواهان پیگیری قضایی گشایی هستم که به بنیاد حمایت از یک مجرم، جو جامعه را ملتبس می سازند.

این روزنامه نگار زندانی در ادامه نیز نوشت: اگر من همین مجرم را در کشور دیگری مرتکب می شدم، اکنون به مجازات اقدام با حسن اید محکوم می شدم ولی رفتار نظام اسلامی و مسئولان پرونده و مسئولان زندان به گونه ای بوده که به جای متنبه شدن، موجبات شرمندگی من را فراهم آورده اند.

چنین مطلبی از جانب افراد را ادعا خواندم. این زندانی در این نامه خطاب به رجبعلی مزروعی خاطرنشان کرد که ما بارها دعای روح بخش کعبه را به صورت دسته جمعی در زندان خواندیم که فرزند شما (حنیف مزروعی) یکی از قاریان این دعا بوده است.

وی، در این نامه از طلب ایران بابت از کتاب اعمال، عذرخواهی کرده است. علام نسیمی، خطاب به مزروعی و انجمن صنفی روزنامه نگاران نوشت، که من از شما و انجمن واسعه به شما که می خواهید از نام من سوء استفاده کنید، ابراز انزجار کرده و خواهان پیگیری قضایی گشایی هستم که به بنیاد حمایت از یک مجرم، جو جامعه را ملتبس می سازند.

این روزنامه نگار زندانی در ادامه نیز نوشت: اگر من همین مجرم را در کشور دیگری مرتکب می شدم، اکنون به مجازات اقدام با حسن اید محکوم می شدم ولی رفتار نظام اسلامی و مسئولان پرونده و مسئولان زندان به گونه ای بوده که به جای متنبه شدن، موجبات شرمندگی من را فراهم آورده اند.

تقریب تاریخ



## آگهی حراج عمومی

بسمه تعالی

بانک ملی ایران در نظر دارد حدوداً تعداد ۱۰۹۵۸ قلم قطعات انواع اتومبیل پیکان، پاترول، وانت نیسان، زو، ۵، بنز سواری، تویوتا وانت، پژو، پیکان،

## آگهی

### انواع، تعداد

- موتورسده کو
- انواع خودرو
- پیکان
- وانت
- نیسان
- کامیون
- کالکسک
- خاوار 808
- کریدر
- کوماستو
- انواع خودرو
- هوندا 25
- پ (شرایع
- ۱- اهلیت
- ۲- متفاوت

- ۲۱۱- هر د
- ۲۱۲- هر د
- ۲۱۳- هر د
- ۲۱۴- هر د
- ۲۱۵- هر د
- ۲۱۶- هر د
- ۲۱۷- هر د
- ۲۱۸- هر د
- ۲۱۹- هر د
- ۲۲۰- هر د

صورت سیرد  
۴- خریدار  
جانبی مزاید

دسته بندی: خودرو  
آقای کریمی  
برای اطلاعات بیشتر  
با شماره ۰۲۱۱۱۱۱  
تلفن: ۰۲۱۱۱۱۱  
پست: ۰۲۱۱۱۱۱  
آدرس: تهران، خیابان  
جمهوری اسلامی





## پیوست ۴

«بازخوانی پرونده مجتبی سمیع نژاد توسط وکیل او، محمد سیف زاده»، روز آنلاین،

[تاریخ ندارد]





Thursday, September 22, 2005

### بازخوانی پرونده‌ی مجتبی سمیعی نژاد توسط وکیل او، محمد سیف‌زاده - منبع: سایت روز

آقای مجتبی سمیعی نژاد دانشجوی ویلاگ نویس در تاریخ ۱۰ آبان ۸۳ توسط چهارنفر از مامورین دادسرای تهران در خانه بازداشت و کیس کامپیوتر و تعدادی کتاب و نوشته‌های او توقیف و به زندان تحویل شد. وی مدت ۸۸ روز در سلول انفرادی توام با بازجویی گذراند و حسب اظهاراتش در دادگاه کیفری استان تحت شکنجه قرار گرفت و روزهای سختی را گذراند، تا اینکه بالاخره در تاریخ ۸ بهمن ۸۳ با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد و به او گفته شد اگر به خانم عبادی یا سیف زاده وکالت بدهی، دوباره بازداشت خواهی شد!

به هر حال، بعد از آزادی بلافاصله با نامه ای که به کانون مدافعان نوشته بود به دفتر آمد و وکالت داد، لذا در تاریخ ۱۳ بهمن ۸۳ تلفنی احضار و پس از تفهیم اتهام مجدد به اتهام:

- ۱- توهین به امام خمینی و مقام رهبری ماده ۵۱۴
- ۲- اقدام علیه امنیت داخلی کشور از طریق تبلیغ علیه نظام بوسیله شایعه پراکنی و انتشار مطالب خلاف واقع موضوع ماده ۵۰۰
- ۳- توهین به مقدسات اسلام و اهانت به مقررات نورانی اسلام موضوع ماده ۵۱۳
- ۴- نشر اکاذیب از طریق تشویش اذهان عمومی
- ۵- برقراری رابطه نامشروع و تشویق به فحشاء و فساد (عموم اتهامات فوق با عناوین معنون قانونی انطباق ندارد به خصوص آنکه اتهامات جدید بعد از سه ماه از زمان دستگیری تفهیم می شود و این عمده ترین دلیل بر ساختگی بودن اتهامات جدید است). وی با تشدید قرار به وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی در بازداشت مانده و تاکنون در زندان به سر می برد.

بدنبال رسوایی اعمال خلاف قانون مامورین دادسرای تهران آقای شاهرودی کمیته ای متشکل از سه نفر تعیین و پرونده ها را از دادسرای تهران گرفتند. و سپس تمام ویلاگ نویس‌ها آزاد شدند. وکالتنامه تنظیمی را به مجتمع ارشاد نزد بازپرس شعبه دوم برده، ایشان گفت نزد قاضی مقدس ریاست مجتمع بروید، گفتیم به ایشان چه ارتباطی دارد، شما بازپرس شعبه هستید و قانونا نمیتوانید وکالتنامه را نگیرید. گفت آقا بحث نکنید، بروید نزد ایشان، ناچار نزد ایشان رفتیم، که با چند نفر از اتاقش بیرون آمد، گفت آقای سیف زاده شما بازداشت هستید. گفتیم قانونش را بیاورید، اگر جرم بود، آنرا بازخواهم نمود گفتیم ظاهرا اصل قانونی بودن جرم را قبول ندارید اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی آنرا به رسمیت شناخته، شما می توانید بگویید من قانون را قبول ندارم. گفت شما توقیف هستید و دستور توقیف مرا به افسری داد، که مدتی در توقیف بوده و آزادم کردند و وکالت روی پرونده به اتفاق همکار محترم جناب آقای فریدون شامی گذاشتیم. فشار به موکل جهت عزلم از وکالت فزونی یافت و آقای سمیعی نژاد هم مقاومت می کرد. با خانواده او صحبت کرده، آنها زیر بار این فشار نرفتند و مجتبی هم از زندان تماس می گرفت و بر ادامه وکالت اصرار و تاکید داشت.

لذا برای فشار و آزار و اذیت بیشتر برای موکل سه پرونده به شرح زیر ساختند:

- ۱- اتهام ارتداد: پرونده تشکیلی با قرارعدم صلاحیت به نفع دادگاه کیفری استان ارسال و به شعبه ۷۸ دادگاه کیفری استان ارجاع گردید، ریاست شعبه که روحانی باسواد و روشن ضمیر و انسانی بود، پرونده را مسترد داشت و نوشت اولاً بر طبق اصل قانونی بودن جرم ومجازات جرمی بنام ارتداد نداریم، ثانیاً اگر در جرمی اعتقاد به تعقیب دارند باید با صدور کیفرخواست پرونده را به دادگاه صالح بفرستید [قاضی مقدس و ابواب جمعی او این امور ابتدایی را که دانشجوی سال اول حقوق میدان را هم نمیدانستند و با اگر میدانستند، قبول نداشتند که آن بسیار بدتر است] پرونده به شعبه دوم بازپرسی

اعاده گردید. قاضی مقدس دوباره دست به کار شد و بدون احضار موکل و وکلا در سطری که قبلا تفهیم اتهام به موکل کرده بود، اتهام ساب النبی را داخل پراتزی الحاق و کیفرخواست جدیدی به استناد ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی تقاضای مجازات برای موکل نمود. [توجه داشته باشیم مجازات ارتداد در مقررات شرعی و ساب النبی در شرع و قانون اگر ثابت شود اعدام است] پرونده به کلاس ۸۳/۶ در شعبه ۷۸ تشکیل و وقت رسیدگی برای ۲۱/۳/۸۴ ساعت ده صبح تعیین شد. در وقت مقرر در دادگاه حاضر شدیم، نظر به اینکه در مجازات اعدام باید پنج قاضی حضور داشته باشند، دادگاه با تاخیر تشکیل شد.

هنگام ورود به دادگاه دیدیم علاوه بر نماینده دادستان، مقدس معاون مرتضوی هم با پرونده ای در دادگاه حاضر شد و در گوشه ای نشست. حضور ایشان با توجه به حضور نماینده دادستان قانونی نبود، به این امر اعتراض داشتیم که مورد قبول واقع نشد. نماینده دادستان از کیفرخواست دفاع کرد. اتهامی که مجازات آن اعدام بود، متکی به هیچ دلیل قانونی و محکمه پسندی نبود. ضمن آنکه چند لحظه قبل از شروع دادگاه مجتبی را با غل و زنجیر و دستبند و پا بند آورده بودند که به آن اعتراض کردیم. رئیس دادگاه خطاب به مامور گفت این چه وضعی است؟ اینها را باز کنید. مقدس گفت نیروی انتظامی حرف ما را هم گوش نمی کند، ما هم می گوئیم این کار خلاف قانون است، ولی نیروی انتظامی دستور ما را اجرا نمی کند؟ گفتم وای به حال جامعه ای که مامورین انتظامی دستور دادستان را اجرا نکنند. مطمئن بودم که دروغ می گوید.

به هر حال غل و زنجیر از دست و پای مجتبی برداشته شد و محاکمه ادامه یافت. رئیس دادگاه خطاب به نماینده دادستان گفت شما که به اتهام ساب النبی تقاضای اعدام برای متهم نموده اید میتوانید ساب النبی را توضیح دهید؟ نماینده دادستان و قاضی مقدس منتظر چنین سووالی نبودند. دو نفر از مستشاران دادگاه به داد آنها رسیدند و گفتند دادگاه حق ندارد چنین مطلبی را از نماینده دادستان ستوال کند. رئیس دادگاه بر سووال خود استوار بود، ناچار نماینده دادستان مطالب موهومی را سرهم کرد و تحویل دادگاه داد و گفت مقصود ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی اهانت به امام زمان بوده، که بحث قانونی و فقهی در گرفت. من هم اضافه کردم آقای رئیس دادگاه آن کلمات موهن و مصادیقش را هم از ایشان بخواهید ارائه نمایند. این موضوع بیشتر قاضی مقدس و نماینده دادستان را مشوش و عصبانی کرد. قاضی مقدس با عصبانیت بلند شد و در دادگاه را محکم به هم کوبید و از دادگاه خارج شد. پس از مباحثاتی، دادگاه حدود ساعت ۴ بعدازظهر بعنوان تنفس تعطیل و مجتبی را با خود بردند و وقت رسیدگی برای چهارشنبه ۱/۶/۸۴ تعیین و به همه مامورین ابلاغ گردید. چهارشنبه وقت کمی به رسیدگی گذشت و وقت برای پنج شنبه ۲/۴/۸۴ تعیین گردید، که مقامات دادسرا با زندان تماس و میگویند سمیع نژاد را پنج شنبه به دادگاه نیاورید. لذا وقت رسیدگی برای شنبه مورخ ۴/۴/۸۴ تعیین شد.

وقت دفاع به وکلا رسید. برخاستم و شرح مفصلی از اعمال خلاف قانون و شرع دادسرا را به عرض دادگاه رساندم و اصول مربوطه در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری و قانون احترام به حقوق شهروندی را تشریح نمودم. در هنگام تشریح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر مرتب با تذکر مستشاران روبرو شده، که رئیس دادگاه به آن وقعی نمی گذاشت تا بالاخره سه نفر از مستشاران به دفاعیتم معترض شده، من هم با ناراحتی گفتم برای انسانی تقاضای اعدام شده، حال اجازه دفاع مشروع و آزاد بما نمی دهید!

رئیس دادگاه متاثر شد و گفت جناب سیف زاده! شما چرا ناراحت هستید؟ گفتم آقای رئیس دادگاه ما در مورد جان انسانی صحبت می کنیم. مگر می شود اینهمه ظلم و ستم را دید و سکوت کرد؟ نماینده دادستان گفت وکیل محترم خطابه سیاسی خواندند. گفتم باعث تأسف است که استناد به قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری و اعلامیه جهانی حقوق بشر به زعم حضرتعالی خطابه سیاسی است. نماینده دادستان گفت موکل شما ضمن اهانت به امام زمان منکر وجود ایشان نیز شد. اولاً مصداقش را خواستم ارائه کند که شعری را ارائه کرد، ثانیاً قسمتی از ویلاگ موکل را از نویسنده ای تحت عنوان [امام زمان میخواهی بیایی چه کنی؟] نقل و مورد نقد موکل قرار گرفته تقدیم دادگاه نمود. رئیس دادگاه خطاب به نماینده دادستان گفت آقا پس شما مدعی هستید که ایشان به امام زمان توهین کرده و نیز وجود امام زمان را منکر شده که اولاً یک میلیارد مسلمان اهل تسنن معتقد به امام زمان نیستند، آیا اینها مشمول ارتداد و یا ساب النبی هستند؟ و باید اعدام شوند؟ ثانیاً موضوع کیفرخواست فعلی فقط ساب النبی است و موضوع ارتداد منتفی شده.

نماینده دادستان به تناقض گویی عجیبی افتاد. دفاعیتم تمام شد. جناب آقای شامی همکار محترم موازین شرعی ساب النبی و ارتداد را بخوبی تشریح نموده و دفاعیات پایان پذیرفت. نماینده دادستان وقت خواست و سخنرانی غرایبی علیه من به عرض دادگاه رساند. خواستم پاسخ بگویم، رئیس دادگاه

موافق و مستشاران مخالف بودند، گفتم آقای رئیس دادگاه! نماینده محترم دادستان مطالب خلاف و کذب را بعرض دادگاه رساند، که عدل و قانون حکم می کند اظهارات ایشان پاسخ داده شود. گفتم بعد از اظهارات وکلای مدافع نماینده دادستان حق صحبت نداشت، حال که به او اجازه دادید، باید جهت ایجاد تعادل در دفاع و بیطرفی اجازه پاسخ بدهید که موافقت نشد، دادگاه آماده اخذ آخرین دفاع گردید. آماده آخرین دفاع شدم و پشت میز خطابه قرار گرفتم که با اعتراض مستشاران روبرو شدم!

رئیس دادگاه موافق بود. بالاخره با اجماعی که بین مستشاران ایجاد شد، از ما خواستند یا یکی از وکلاء صحبت کند یا موکل. چون راهی برایمان باقی نگذاشتند صلاح دیدیم که مجتبی صحبت کند. مجتبی شرح مبسوطی بعرض دادگاه رساند که در دوران دانش آموزی برنده بزرگترین جایزه فهم و درک نهج البلاغه شده و از اعمال خلاف شرع و قانون بازپرس و قاضی مقدس و بازجویان او پرده برداشت که دادگاه را بسیار تحت تاثیر قرار داد. سپس لایحه ای فوراً تهیه و پاسخ اظهارات نماینده دادستان داده شده و به استناد موازین قانونی و شرعی تقاضای برائت موکل را نمودیم. دادگاه خاتمه پذیرفت و بعد از چند روز دادنامه برائت موکل از اتهام ساب النبی صادر و ابلاغ گردید. یکی از مستشاران بعد از ختم رسیدگی و قبل از صدور حکم مرا خواست و گفت شما از قضا با سواد، و از حقوقدانان مطرح کشور هستید. چرا اجازه می دهید چنین مطالبی در دادگاه گفته شود؟ موکل را می آوردید معذرت می خواست و کار را تمام می کردید! وظیفه من دفاع از حق و قانون و حقوق موکل است، و با مامورین و قضات متخلف مماشات نخواهم کرد. گفت کار ما ساده تر می شد. گفتم شما وجدان خودتان را قاضی قرار دهید و با توجه به خدا و قانون و حق رای دهید و دادگاه را ترک کردم. بر طبق دادنامه شماره ۹ مورخ ۱۳/۴/۸۴ در پرونده کلاسه ۸۲/۶۰ با توجه به دفاعیات وکلای وی و مجتبی سمیع نژاد و رعایت اصول حقوقی حکم برائت موکل صادر شد. دادگاه معتقد بود نظر به برائت مجتبی سمیع نژاد از مجازات حکم ساب النبی و ارتفاع موضوع ارتداد و برائت حکم اقدام علیه امنیت، باید نامبرده آزاد شود. لذا جهت آزادی فوری وی حکم برائتش به دادسرای ارشاد، اعلام و با عصبانیت بازپرس و قاض مقدس روبرو شد. که چرا سمیع نژاد در دادگاه کیفری استان صحبت از شکنجه خود کرده، لذا باید مجازات شدیدتری شده و آزاد نخواهد شد، لذا فعالیتهای ما تا به امروز مثمر ثمر واقع نشد.

۲- اتهام توهین به رهبری و اقدام علیه امنیت ملی: دومین پرونده ای که برای مجتبی سمیع نژاد ساخته و به شعبه ۱۳ دادگاه انقلاب ارسال شد توهین به رهبری و اقدام علیه امنیت ملی بود که تحت این عناوین کیفرخواستی علیه مجتبی سمیع نژاد از طرف قاضی مقدس صادر و به مرجع فوق ارسال شد و به کلاسه ۸۳/۷۵۱۵/ط/د ثبت شعبه فوق شد. وقت رسیدگی برای ۹ صبح مورخ ۲/۲/۸۴ تعیین شد. من چون دادگاههای انقلاب را به استناد اصول ۱۵۹ و ۱۷۲ قانون اساسی از زمان تصویب قانون اساسی سال ۵۸ غیر قانونی می دانم، همکار محترم جناب آقای شامی عهده دار دفاع از موکل در شعبه مذکور بودند. طبق معمول موکل را با غل و زنجیر به دادگاه آوردند و چند نفر از بازجویان او را هم در دادگاه حاضر کردند تا امکان دفاع مشروع را از وکیل و موکل سلب کنند. همکار محترم به این نحوه دادرسی اعتراض کرد که مورد توجه قرار نگرفت.

نهایتاً موکل به اتهام توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبری بدون کوچکترین دلیل محکمه پسندی به استناد ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی مطابق با دادنامه شماره ۷۰ مورخ ۸۴/۱/۳ حداکثر مجازات یعنی دو سال حبس محکوم و از اتهام اقدام علیه امنیت ملی تبرئه شد. در اثر اعتراض به رای صادره پرونده در شعبه ۲۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران که مقر آن در دادگاه انقلاب است، مطرح رسیدگی قرار گرفت. کلاسه پرونده ۸۴/۴۱۸ بوده که بموجب دادنامه شماره ۵۷۳ دادنامه شعبه ۱۳ دادگاه عمومی تهران بدون تعیین کردن کلمات موهن علیرغم تکلیف قانونی بموجب قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت ( از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و... عبارت است از بکار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که به لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم حضور الفاظ، توهین تلقی نمی شود) رای صادره عیناً تأیید و نتیجتاً موکل به دو سال حبس قطعی محکوم شد. در حواشی این دادگاه گفته شد در هنگام صدور رای یکی از مقامات دادسرای تهران در دادگاه حاضر شد و با ارائه مصاحبه های اینجانب در مورد سمیع نژاد خواهان برخورد شدید با موکل شده، که دادگاه با توجه به این وضعیت حکم حبس حداکثری را تأیید کرد.

۳- اتهامات برقراری رابطه نامشروع، تشویق به فساد و فحشاء و تشویش اذهان عمومی موضوع مواد ۶۷۳ و ۶۳۹ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بود که از طرف قاضی مقدس علیه موکل، کیفرخواست صادره پرونده به شعبه ۱۰۸۴ دادگاه عمومی جزایی تهران مستقر در مجتمع ارشاد ( محل استقرار قاضی مقدس ) مورد رسیدگی قرار گرفت. دو اتهام اول و دوم به استناد عکسهای خانوادگی که از منزل موکل برده بودند، دختران فامیل موکل را به دادگاه احضار و تحت فشار قصد داشته اند اقراربری علیه مجتبی جمع آوری کنند. این عمل قاضی مقدس و شعبه دوم بازپرسی خلاف شرع و اخلاق به

صراحت مغایر با بندهای ۱ و ۳ و ۴ و ۶ و ۸ و ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی بوده و جالب توجه آنکه دادگاه، کوچکترین توجهی به اعمال خلاف دادرسی نکرده و در محاکمه ای فوری که ابتدا هم قصد داشتند بدون حضور موکل بر پا کنند، مجتمع سمیع نژاد از اتهامات اول محکوم به جزای نقدی و دوم تبرئه و در مورد اتهام سوم به ۱۰ ماه حبس محکوم شد. این دادگاه نیز علیرغم برائت موکل از اتهامات ارتداد، ساب البنی، اقدام علیه امنیت، تشویق به فحشاء علیرغم تصریح قانونی حاضر به تخفیف قرار تامین و آزادی موکل نشد، تا همچنان فشار روی موکل ادامه داشته باشد.

چند نکته ظریف:

۱- اتهامات مجتبی سمیع نژاد بر مبنای وبلاگ وی بود که پس از دستگیری password آنرا بزور از موکل گرفته و با استخراج مقالات ایشان چنین اتهاماتی برای او می سازند. در هر سه دادگاه بعد فنی قضیه تشریح شد که وبلاگ دفترچه خاطرات خصوصی افراد است که با دسترسی به password میتوان مطالب آنرا مطالعه و ملاحظه کرد. بدون داشتن آن کلید رمز امکان دسترسی به آن مقالات وجود نداشت، لذا در صورتی که اکثر جرایم فوق در وبلاگ محقق می شد. رکن مادی حقیقی جرم یعنی نشر و انتشار اصولا واقع نشده تا بتوان متهمی را تحت تعقیب قرار داد. به این موضوع در دادگاه بدوی شعبه ۱۳ و ۱۰۸۴ و شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر مطلقا توجهی نکرده و شعبه ۷۸ این دفاع را قبول نمود، چه پس از دسترسی دادرسی به رمز مقالات، وبلاگ مجتبی سمیع نژاد در معرض دید و مطالعه و بعضا تغییر و تحریف قرار گرفته است.

۲- در تمام دادگاهها قاضی مقدس یکی از بازجویان را بعنوان اهل خبره به دادگاه تحمیل می کرد که علاوه بر نماینده دادستان او هم علیه متهم مطالبی به عرض می رساند، که با اعتراض وکلا روبرو، زیرا دادرسی را از حالت انصاف و تعادل به نفع دادرسی خارج می کرد، که دادگاهها به این اعتراض توجهی نکردند. اما شعبه ۷۸ دادگاه کیفری استان مانع حضور وی در دادگاه نشد ولی اجازه نطق هم در اثر اعتراض، به وی نداد.

۳- گر چه سالهاست انتظار عدالت و اجرای قانون از قوه قضاییه ندارم، اما به رعایت و غبطه و صلاح موکل به هیات تشخیص و دادگاه تجدید نظر استان تهران نسبت به دو رای محکومیت اعتراض خواهیم نمود.

مدتی است فاجعه ای نامبارک بصورت ترور قضات در جامعه شروع شده، این امر موجب نگرانی مردم شده. در لحظه نوشتن این سطور رئیس دادگاه ملارد هم ترور نافرجام شد، که امیدوارم قوه قضاییه با کاری فنی و بدون بحران سازی انگیزه این ترورها را دقیقا روشن و به مردم شریف ایران اعلام و متهمان این وقایع زشت بدون سوء استفاده سیاسی به مردم معرفی شوند. به عنوان فردی که که سالها در پست دادستانی و بازپرسی بوده و هزاران پرونده جنایی را رسیدگی و رمز آنرا گشوده، اعتقاد دارم این ترورها مطلقا جنبه سیاسی نداشته، بلکه ناشی از نظرات شخصی بوده است. در این زمینه بد نیست به سوابق اخلاقی و رفتاری و دفاعیات مجتبی توجه کافی مبذول گردد. قاضی مقدس رفتاری بسیار خشن و تند با مراجعین داشته و به اصول قانونی و حقوقی و شرعی کاری نداشت، او اکنون دستش از دنیا کوتاه شده و قطعاً باید پاسخگوی اعمال خود در پیشگاه حضرت باریتعالی باشد، چه بگفته حضرت حق:

" الیوم نخیم علی افواههم و نُکَلِّمنا ایدیهم و تَشْهَدُ ارجُلهم بما کانوا یکسبون "

چون نیک نظر کرد بر خویش در آن دید  
گفتا زکه نالیم که از ماست که بر ماست

تصمیم امروز قوه قضاییه مبنی بر تسلیح قضات دادرسی صرفنظر از آن که به هیئمنه و شکوه و اقتدار قوه قضاییه صدمه جبران ناپذیری وارد خواهد کرد، پی آمدهای جبران ناپذیری بر قوه قضاییه تحمیل خواهد کرد، چه آن که قضات به آیین نامه نحوه استفاده از سلاح گرم آشنایی نداشته و با کوچکترین امکان تحقق ظن، اقدام به تیراندازی کرده و خدای ناکرده اگر خون از دماغ کسی ریخته شود قوه قضاییه با نارضایتی های گسترده ای روبرو خواهد شد. چاره حل مشکل حفظ امنیت کامل قضات توسط نیروهای انتظامی و رعایت قانونی، اخلاقی، حق و عدالت از طرف قضات دادرسی است، باید قضات دادرسی از سلاح تندخویی که اثرش زودگذر بوده استفاده نکرده و به سلاح حلم و علم و قانون مجهز و پایدار شوند.

گزارشهای آینده مرکز اسناد حقوق بشر ایران به مستندسازی موارد زیر می پردازند:

- پاکسازی سیستماتیک بازداشتگاه‌های دولتی توسط جمهوری اسلامی ایران که منجر به قتل عام خودسرانه هزاران زندانی سیاسی طی کشتارهای سال ۱۳۶۷ شد



امیدرضا میرسیافی وبلاگ‌نویس فرهنگی که  
گاه مطالب طنز می‌نوشت در ۳ اردیبهشت  
۱۳۸۷ دستگیر شده و در ۱۲ آبان ۱۳۸۷  
محاكمه شد. او به جرایم توهین به رهبری و  
نشر اکاذیب متهم شده و به دو سال و نیم  
حبس محکوم شد. در ۲۸ اسفند ۱۳۸۷، وی  
که دیگر قادر به تحمل وضعیت زندان نبود  
به دلیل فقدان امکانات پزشکی در زندان  
اوین جان سپرد.